

عندليب





عبدالیب

نشریه مختصر دو هفته ایان کانادا
بر زبان فارسی

شماره ۱۶۴ «منسل»

No: 66

سال هفدهم
Volume 17

پیاپی ۱۵۵

۱۳۷۷ شمسی

Spring 1998

'Andalib

7200 Leslie Street, Thornhill, ON, Canada, L3T 6L8

CANADA POST CANADIAN
PUBLICATIONS MAIL SALES
PRODUCT AGREEMENT NO. 680400
RETURN POSTAGE GUARANTEED

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست

صفحه	عنوان
۲	۱ - دو لوح صادره از قلم اعلی
۶	۲ - لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
۷	۳ - ترجمه پیامهای واصله از معهد اعلی
۱۷	۴ - ترجمه قسمتی از نامه محفل ملی بهائیان کانادا
۱۹	۵ - مختصری از تاریخچه امر اعظم در صده اخیر در کشور کانادا
۲۴	۶ - دو کانونشن ملی کانادا و استرالیا
۲۶	۷ - شرح دو واقعه تاریخی
۴۰	۸ - شعر (بهار)
۴۱	۹ - انقطاع و استقامت
۴۲	۱۰ - اسکیموها
۴۷	۱۱ - شعر از جناب هوشمند فتح اعظم
۴۸	۱۲ - اینترنت و صفحه ای از اینترنت
۵۴	۱۳ - دکتر ثریا
۶۰	۱۴ - ساقی نامه
۶۱	۱۵ - نویسنده‌گی
۶۵	۱۶ - مهاجرت در بلیز
۶۸	۱۷ - خیمه وحدت و ردائی فقر (شعر)
۶۹	۱۸ - معهد فیضی
۷۱	۱۹ - موفقیت یک پژوهش
۷۳	۲۰ - اخبار و بشارات امریه
۷۶	۲۱ - اخبار مصور
۷۸	۲۲ - نامه هائی از دوستان

عکسها :

روی جلد : انجمن شور روحانی بین المللی بهائی

داخل : انجمن شور روحانی بهائی کانادا

پشت جلد خارج : عکس تاریخی - احیای همدان ۱۹۱۸ میلادی . فرستاده روح بند فرهمند

داخل : انجمن شور روحانی استرالیا

ش جناب سید حسین عییه بہاء اللہ

بُوہمَّةٍ تَعَالَى شَانَةٌ لِعَظَمَتِهِ وَلَا قَدَرٌ

امروز جمیع اشیا، این کلمه علیاً ناطق قد اتنی من کان موعوداً فی کتب الله و نذکوراً
فی افہمَةِ المُرْسِلِینَ . یا افہمنی امروز الله ابدی تکلم میفرماید جمیع مقربین و مخلصین و صنیعیا
و اولیاً جمیع را بشارت داده اند به این ظهور عظم و بلایا و زیای واردہ اذکر نموده اند حتی
سجنب غفارانی . طوبی از برای نفسی که به خدمت قیام نمود و به اعمال و اخلاقی که لایق یوم الله
است مشغول شد . این مظلوم مسجون ناصر مطلب و ناصر اعمالی است که عرف حقیقت از
او استشمام شود آن ابھا آئینی الكل عن الهوى و یا مرهم بقتوی اسد مولی الوری . در
یکی از الواح این کلمه علیاً نازل جمیع انبیا و اولیا از زرد حق جعل جلاله مامور بوده اند که اشجار و جواد
انسانی را زرفات آداب و دانانی سعادیه نمایند تا از کل ظاهر شود آنچه در انسان من عنده است
و دیعه گذاشته شده هر شجری راثری مشهود چنانچه مشاهده میشود مقصود از آنچه فرموده اند
و تعلم داده اند در یک مقام حفظ مرتب و مقامات انسانی بوده طوبی از برای نفسی که در

یوم آنی به اصول آن تمسک جبست و از قانون حسینی انحراف نمود اثمار سده وجود
 که به حق جل جلاله منسوب است اماست و دیانت و صدق و صفا بوده و عطش از
 کل بعد از توحید حضرت باری جل و عز مداعات حقوق والدین است در جمیع کتب آنی
 این فقره نذکور و اقتسم اعلی مسطور ان انظر ما از رحمن فی الفرقان قوله تعالی
 واعبد الله ولا تشرکوا بآیتینا و بالوالدين احساناً ملاحظه نماید احسان به والدین را
 با تو حسید معتبر فرموده طوبی لکل عارف حکیم شهد ویری و تقری و یعرف و
 یعمل بما از رله آنی فی الکتب و فی هذا اللوح العظیم . لله الحمد عارف شدی با پنجه که خلق
 عالم از هر قیل از او محروم نداشت آنچه حال قلم اعلی امر میفرماید این است حضرت والد را
 از خود راضی نما و رضایت حق جل جلاله به این فقره منوط است به عنایت مخصوصه
 آن جانب را آگاه نمودیم ان عمل بما امرت به و کن من اشکرین انه یقدّر لک
 مكافأة اعمالک خالصاً وجہ آنے لعیلیم حکیم . البھا عیک و علی افانی و علی
 من معک و آمن بالفرد اجنبیسر .

وَهُذَا نَزَلَ لِمَّا هُنَّ مِنْ سَمَاءٍ عَنْ يَمِّنٍ مَا كَنَّ الْمُكَبِّرُونَ وَالْمُكَوَّنُونَ قَوْلَهُ حَلَّ كُمْرَانَةً وَغَرْسَانَةً

بِنَامِ مُحْبُّ يَكِتَا

ای امّه اللہ اگر جمیع سمع شوی لغم ہے سراوار است چکہ مکلم طور اراده فرموده تو
لکلم نماید بہ ہوش آئی و درست تفکر نمای چکہ از مالک اسما نمای یا امتی میشونی
چقدر ارخون که در قرون و عصا رہ میشد این مذاہن دادند و بر آن فائز شد
آیا نفوی که ایام ہے کلمہ الکھی فائز شدہ امّہ قدر این مقام را فتح کرد و یار او غافل نہ
ان رہکن لمو الحیل ماجنیر آن سر که در جمیع کتب آئی مستور بود و در قلوب انبیا
دواویں نذکور ظاهرہ باہر و مشود کجاست ابصاری که لایق این یوم باشد و یا آدنی
که قابل این ندا ارجح بطلب این نمای شیرین غافلین و نامین را میدار نماید است
سامع و مجیب اگر از عرف بین رحمن قسمت بردمی به ذکر ش ذکر باش و باین یعنی له
عامل انا ذکر امکن و بینک و مبشر همابفضل لله و حمته لغفران و مکونا من الشکرات فی
کتاب اللہ العلی لعظمیم البهاء علیک و علیہما من لدن آمر قدم احمس لله رب العالمین سنتی

بلاطه جنگ مهرخین زانی و جنگ میرزا لقر خان زار
جنگ میرزا کهر عربه بجهت آلاه بحر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ای نعمتی سید حصور بحر الطاف بی پایان چنان موجی باوج زد که سواحل کائنات از
فیض نامتناهی سیراب شد لهذا در عالم ایجاد حرکت و جنبش عجیب حاصل گشت و
برگشت و انسانی عظیم طهو ریافت غمول صعود نمود و ادراک شدیدگشت صرکات سریع
گردید و ترقی در جمیع مراتب بنایت قوت جلوه نمود اینست که اکتشافات عظیمه گشت
و مشروعات جدیه تایس یافت و صنایع بدیعه جلوه نمود و اسرار کائنات از خیز
غیب بعرضه شود ظاهر و هویدگشت، پس باشد جمیع باران همتی نمایان آشکار
و عیان گشته تا ایجاد صنعتی جدید فرمائند یا اکتشاف فنی بدع گشته یا پیشروعی
عظیم پردازند یا قوت و مهنتی در عالم انسانی بنمایند از خدا احوالهم که در جمیع مواد
موقت و موید باشی و علیک البه آلا بهی. ع ع

ترجمة پیام بیت العدل اعظم

خطاب به بهائیان عالم

رضوان ۱۵۵

در این نیمه راه نقشه چهارساله با قلوبی مملو از سرور و اهتزاز اعلام می داریم که جامعه جهانی بهانی در مرحله ای سرشار از نیرو و تحرك در سیر تکاملی خود به توفیقات جدیدی دست یافته و جریان دخول افواج مقبلین که محور اقدامات و توفیقات مزبور است آشکارا در پیشرفت و تقدّم است .

سه پدیده نوید بخش تحقیق انتظارات ماست . یکی تتابع مثبتی است که از فعالیت مؤسسات آموزشی حاصل گردیده است . در دو سال گذشته ده ها هزار نفر از یاران الهی حدائقی یاد دوره آموزشی را در مؤسسات مزبور به پایان رسانده اند . فایده و اثر مستقیم این آموزشها تقویت قابل ملاحظه نیروی ایمانی و آگاهی بیش از پیش نسبت به هویت روحانی خود و تعهد بیشتر در قبول خدمات امری بوده است . پدیده دوم مربوط به پیشرفت قابل ملاحظه شرایط و احوالی است که در تاسیس و تجدید محافل روحانی محلی موثر واقع شده است . تصمیم به انتخاب محافل محلی منحصرا در یوم اول رضوان که اصولاً به ابتکار و اقدام جوامع محلی مربوط به محافل مزبور واگذار گردیده در سال ۱۹۹۷ به موقع اجراء گذاشته شد . با آن که لتنظر می رفت که این اقدام بلاfacله سبب کاهش تعداد محافل محلی در سراسر جهان کردد ، ولکن تقلیل تعداد محافل خیلی زیاد نبود و حتی در بعضی از کشورها این اقدام سبب افزایش تعداد محافل محلی گردید . نتیجه ای که حاصل گردیده حاکی از آنست که جریان تکامل و بلوغ این مؤسسات که اساساً من عنده الله است در مسیر مطلوب به پیش می رود . سومین پدیده حصول حس اعتماد و اطمینانی جدید در افراد یاران نسبت به امر تبلیغ و نشر نفحات الهی است که در مناطق مختلف تتابع مؤشری ببار آورده است . امکان ورود تدریجی و دامن الانتساع افواج مصدقین جدید به ظل شریعت الله همواره فراوان بوده و می توانیم با اطمینان راسخ اظهار نمائیم که در اثر اجرای نقشه کنونی امکان تحقق دخول افواج مقبلین به امر الهی بیش از پیش بنحوی منظم توسعه و پرورش می یابد .

گذشته از این نشانه های ترقی و تقدّم ، از سرعت شگفت انگیز پیشرفت امور ساختمانی مشروعات واقعه در کوه کرمل بسیار خشنود و مسروبریم . برای سالی که اکنون خاتمه یافته برنامه ساختمانی تعیین شده کاملاً به مرحله اجراء در آمده است . در آینده بسیار نزدیک ، یعنی در ماه می ، با تاسیس سه محفل روحانی ملی در سیاح و ساراواک و اسلواکیا و تجدید تشکیل محفل روحانی ملی لیبریا ، اعمده بیت العدل اعظم به ۱۷۹ بالغ می گردد . با توجه و اذعان به عنایات الهی که شامل حال جامعه اهل بھاء گردیده شاهد خدمات بی وقه حضرات ایادی امرالله و دارالتبليغ بین المللی و مشاورین و معاونینشان در جمیع قارّات هستیم . توانانی روزافزون محافل

روحانی ملی نیز مؤید اطمینان ما به حصول قریب الوقوع فتوحات باهره است .

این تصویر امید بخش از آینده موفقیت آمیز جامعه بر روی زمینه ای نقش بسته که دنیانی پر اغتشاش را مجسم می سازد . دنیانی که در ناسازگاری با خویشن است . اما در کیر و دار این پریشانی که روح انسان بدان گرفتار شده ، مردم جهان بیش از پیش حرکتی قاطع و مقاومت ناپذیر بسوی صلح و وحدت جهانی را احساس می کنند . این احساس حاصل پیشرفت علم و صنعت است که در واقع موانع طبیعی را از میان مردم جهان برداشته است . با وجود این، مجموعه مصائب گوناگونی که دنیا را به لرزه در می آورد و اقداماتی که به دنیا شکل جدیدی می بخشد ، هم سبب سرکردانی و هم مایه حیرت و اعجاب افراد بشر است . طوفانها و فشارهایی که بافت اجتماعی را متلاشی می سازد برای عموم ساکنان کره ارض غیر قابل درک است به استثنای محدود کسانی که به مقصد الهی برای این برده از زمان بی برده اند .

همنوغان ما در همه نقاط بنحوی ناگاه و غیر محسوس تحت نفوذ عواطف متضادی قرار دارند که تحت تاثیر مدام جریانات همزمان "صعود و نزول و تالیف و تحلیل و انتظام و انقلاب" به وجود می آید . حضرت ولی امرالله این جریانات را جنبه هانی از نقشه کلی الهی و نقشه اختصاصی الهی تشخیص داده اند، یعنی دو طریق شناخته شده ای که در آن نوایای الهیه برای نوع بشر به پیش می رود . نقشه کلی الهی متضمن نزول بلایا و مصائبی است که ظاهرا در اثر اغتشاشات و بی نظمی های تصادفی به پیش برده می شود ، اما در حقیقت بنحوی قاطع و خلل ناپذیر بشریت را بسوی وحدت و بلوغ سوق می دهد . عوامل اجرای این نقشه کلی الهی غالبا مردمانی هستند که از مسیر آن بی خبرند و حتی با غایت و مقصودش خصوصت می ورزند و همچنانکه حضرت ولی امرالله بیان فرموده اند نقشه کلی الهی "برای تحقق مقصد آتی و ملا تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین خرد و کلان را همچون مهره های شترنج در حرکات جهان آراء بکار می گیرد . " ما اهل بهاء شتاب جریاناتی را که نقشه کلی الهی به وجود می آورد و اقداماتی را که سبب می شود، و در مراحل اولیه همراه با آلام و محن است ، نشانه های فرا رسیدن صلح اصغر می دانیم .

بر خلاف نقشه کلی الهی که بنحوی اسرار آمیز عمل می کند نقشه اختصاصی الهی بطور وضوح طراحی و ترسیم کردیده و طبق روایی منظم و معلوم برای اجراء به ما سپرده شده است . هدف غانی این نقشه صلح اعظم است . نقشه چهارساله که اکنون به نیمه راه آن رسیده ایم مرحله کنونی را در نقشه اختصاصی الهی تشکیل می دهد و باید جمیع توجه و قوای ما حصر در تحقق اهداف آن کردد .

کاهی اوقات چنین بنظر می رسد که جریان نقشه کلی الهی سبب توقف و بهم ریختن اقدامات مربوط به اجرای نقشه اختصاصی می کردد . اما احبابی الهی به دلائل بسیار نباید دچار نگرانی و هراس شوند زیرا منشاء و مصدر آشوب هانی را که کاه به کاه در جهان روی می دهد می شناسند و بفرموده حضرت ولی امرالله "به ضرورت آن اعتراف داشته و روای مرموز آن را مشاهده کرده و با حال تضیع و ابتهال برای تخفیف شدت آن دعا نموده

و برای تسکین قهر و غضب آن با کمال هشیاری و درایت سعی و کوشش نموده و با بصیرتی تمام خاتمه ترسها و امیدهایی که بالضروره به وجود می آید را انتظار می کشند . ”

حتی بررسی سطحی آنچه در سالهای اخیر در جهان روی داده به ملاحظاتی منجر می شود که سرشار از اهمیت خاص برای ناظران بهانی است. مثلاً در بحبوحه ولوه و غوغای جهانی پر آشوب و پر اضطراب ، تمایل وروندی قطعی را که آشکارا متوجه صلح اصغر است می توان تشخیص داد . دخالت روز افزون سازمان ملل متحد با پشتیبانی دول قدرمند برای حل مشکلات مبرمی که سالهاست دامنگیر جهان است اشارتی شکفت انگیز به روال مزبور محسوب می کردد . نمونه دیگر پیوستگی جمیع ملل در امور مالی و تجاری است که توسط پیشوایان جهان فقط در ماههای اخیر بنحوی شکفت انگیز به رسمیت شناخته شده و از جمله شرانتی است که حضرت ولی امرالله آن را از خصوصیات دنیانی که از وحدت و یگانگی زنده و فعال بر خوردار خواهد بود پیش بینی فرموده بودند . اما تحولی که برای جامعه بهانی حائز اهمیت بیشتری است تعداد کثیر افرادی است که در جستجوی حقایق روحانی هستند . چندین مطالعه که اخیراً انتشار یافته به این پدیده اختصاص دارد . تفکرات و آرائی که قسمت اعظم قرن کنونی را تحت تأثیر قرار داده بود به تحلیل رفته و در سالهای پایانی این قرن رو به نقصان است، و اشتیاق به معنویت و تمایل شدید به روحانیات رو به ازدیاد و افزایش .

از مشخصات این عطش روحانی نا آرامی و بی قراری است ، نارضانی روز افرون از وضع اخلاقی جامعه و نیز افزایش بنیاد کرانی (فاندامنتالیسم) در بین فرق مذهبی و همچین ازدیاد نهضتهای جدیدی است که به صورت ادیان جدید یا بعنوان جانشین دین خود نمانی می کنند . اینها ملاحظاتی است که انسان را قادر می سازد تا تأثیرات عمل متقابل دو جریانی را که به اراده الهی در جهان در حرکتند در یابد . امکانات کوناکونی که به تقدیر الهی در حال حاضر فراهم آمده تا پیام حضرت بهاء الله به نفوسي که در تحری و جستجو هستند ابلاغ شود فرصت مغتنمی برای مبلغین بهانی به وجود می آورد . امکانات موجود برای انجام وظائف کنونی بسیار شوق انگیز و امید بخش است .

آمال ما ، اهداف ما ، امکانات ما برای تقلم و پیشرفت ، جملکی در اثر متمرکز ساختن مساعی در اجرای هدف اصلی نقشه الهی در مرحله کنونی تحقق خواهد یافت به شرط آن که به نحوی اقدام شود که در جریان دخول افواج مقبلین پیشرفت قابل ملاحظه ای نصیب گردد . این مقصود از طریق کوشش مبرم که با حوصله و شکیباتی معمول شود حاصل می گردد . امکان موقیت در ورود افواج مقبلین در دسترس جامعه است . اطمینان راسخ . توسل به دعا و مناجات ، اشتیاق جان و دل در تأییدات الهی از جمله ضروریات پیشرفت در هر فعالیت و مشروع امری است ولکن برای موقیت در دخول افواج مقبلین بکار بستن روش واقع بینانه و اقدامات منظم حائز اهمیت حیاتی است . طرق میان بری وجود ندارد . مساعی منظم ضامن ثبات و استمرار اقداماتی است که بر اساس نقشه هانی که به دقّت طرح شده باشد انجام می گیرد . بطور کلی این شرط ضروری یعنی اجرای برنامه منظم

در مورد جمیع خدمات امری صدق می کند ، چه خدمات تبلیغی باشد چه خدمات و اقدامات اداری ، چه کوشش‌های فردی باشد، چه مساعی جمعی . اقداماتی که به طیب خاطر و به ابتکار شخصی انجام می گیرد هرچند مجاز و مطلوب است اما لازمه اش بکار بستن هشیاری، روش صحیح ، کار آنی ، ثبات، توازن، و هماهنگی است. ضرورت اقدام ایجاب می کند که در انجام وظائف و امور اداری نظم و ترتیب علمی (سیستماتیک) مراجعات کردد. به منظور تضمین تکامل منظم جامعه از جمله وظائف مؤسسات بهانی آنست که رویه و ترتیب خاصی برای پرورش نیروی انسانی اتخاذ نمایند تا افراد احباء از قدیم و جدید بتوانند معلومات و توانانی لازم را برای توسعه و تحکیم مدام جامعه کسب کنند . برای این منظور تأسیس مؤسسات آموزشی ضروری است ، زیرا این مؤسسات مراکزی هستند که بوسیله آنها تعداد کثیری از افراد می توانند توانانی تبلیغ امر و اداره امور امری را کسب و یا تکمیل نمایند . وجود این مؤسسات مؤید اهمیت معارف امری و منشاء نیرو و توانانی برای تقویت حیات جامعه بهانی و حیات بهانی افرادی است که جامعه را تشکیل می دهند .

بنابر اطلاعاتی که واصل گردید در هر جا که بکار بستن رویه منظم درک و بکار بسته شده نقشه چهارساله پیشرفت داشته است . اطلاعات مذبور همچین حاکی از آنست که مؤسسات امری در جوامع فوق الذکر در بذل کوشش‌های گروهی در سطوح ملی و منطقه ای و محلی به این نکته توجه داشته و آنرا بکار بسته اند ولکن افراد احباء که موفقیت نهانی ملأ منوط و مربوط به اقدامات آنان است به میزان کافی این رویه را درک نکرده اند . به این سبب باید برای موفقیت در اقدامات فردی در تبلیغ امرالله و سایر خدمات امری اهمیت این شرط ضروری را به یاران عزیز الهی تأکید نمایم .

نقشه چهارساله توسط مؤسسات امری ملی و محلی به صورت برنامه ها و طرحهای اجرائی در آمده است . این برنامه ها و طرحها از جمله نحوه اقدام به اجرای نقشه را ارائه می دهند ، هدف را مشخص می کنند ، محرك و مشوق سعی و کوشش هستند ، اسباب و وسائل لازم را برای استفاده از خدمات نفوسي که به تبلیغ امرالله یا به سایر خدمات امری می پردازند فراهم می آورند . این اقدامات برای آنکه جامعه بتواند بنحو مطلوب وظائف محوله را انجام دهد لازم است . اما اگر افراد احباء به مشارکت فعال در اجرای این برنامه ها و طرحها نپردازند همه این مقدمات و تمهیدات بی فایده و بی حاصل خواهد ماند . برای این که افراد یاران موفق شوند به این نیازمندی پاسخ مطلوب دهند هر فرد باید با هشیاری تصمیم بگیرد که چگونه و در چه زمان و در کجا برای اجرای نقشه خدمت خواهد کرد . چنین تصمیمی فرد را موفق می سازد تا در نحوه پیشرفت اقداماتی که مبذول می دارد نظارت نماید و در صورت لزوم آنرا اصلاح کند . عادت کردن به چنین رویه منظمی در خدمات امری به زندگانی هر فرد بهانی معنا و کمال می بخشد .

اما گذشته از ضرورت پاسخ دادن به تقاضاهای مؤسسات امری ، حضرت بھاء اللہ بنفسه فرد بهانی را به وظیفه مقدس تبلیغ امر مبارکش موظف فرموده و میفرمایند تبلیغ امرالله " افضل الاعمال " است ، تا زمانی که نفوسي

وجود دارند که نیازمند ارشاد و هدایت روحانی هستند مطمئناً این وظیفه فریضه دائمی هر فرد بهائی خواهد بود . برای اجرای این فریضه هر فردی مستقیماً مسؤول حضرت بها، الله است . حضرت ولی امرالله تأکید می فرمایند که در این سبیل احدي منظر دستور نشود و مترصد تشویق مخصوص از طرف امناء منتخب جامعه خویش نگردد و از هیچ مانعی که نزدیکان و هموطنان وی در راه تحقق اهدافش فراهم سازند و از انتقاد معاندین و اعتراض مفسدین و مغاین افسرده و ملول نشود . آثار مؤسسین این امر نازنین و حضرت ولی امرالله مشحون از نصایح و وصایا در باره وظیفه و نقش فرد بهائی در پیشرفت امر الهی است . وظیفه و نقشی که قابل تفویض به دیگران نیست . بنابر این ناچار احساس می کنیم که مجبوریم در این برده از زمان در زندگانی بشر به فرد فرد اعضاء جامعه خود التجاء کنیم تا در باره وضعی ا ضطراری که همه ما بعنوان معاضدان حضرت بها، الله با آن مواجهیم به تأمل و تفکر پردازند .

خواهران و برادران عزیز ، مقصود این است که باید هشیارانه به جریان تاریخی عظیمی که تا بحال شبیه آن را هیچ جامعه ای تجربه نکرده است بپیوندیم . بعنوان جامعه ای جهانی تا بحال موفقیتی بدیع و پر شکوه کسب کرده ایم ، یعنی جامعه ای به وجود آورده ایم که نماینده طیف کاملی از نژادهای بشری است . این موفقیت در اثر انفاق جان و مال و بذل مساعی بی پایان گذشتگان ما حاصل گردیده است . در دنیا هیچ جماعت دیگری غیر از بهانیان وجود ندارد که بتواند ادعای بوجود آوردن نظامی را ثابت کرده است می تواند جمیع فرزندان خداوند را در ظل نظمی جهان آرا با یکدیگر متحده سازد . این موفقیت نه تنها ما را در موقعیتی قرار میدهد که از نظر توانانی قابل مقایسه با دیگران نیست بلکه در عین حال مسؤولیتی را بر عهده ما می گذارد که از تعهد آن مفروضی نمی باشد . بنابراین آیا هر یک از ما تعهد و الزامی روحانی برای اجرای امر تبلیغ نداریم تا این وظیفه مقدس را نسبت به هر نفسی که از ندای آخرين مظہر الهی بی خبر مانده است انجام دهیم ؟ زمان متوقف نمی شود و منتظر نمی ماند . با گذشت هر ساعت بله جدیدی بر جامعه پریشان و سرگردان بشری وارد می گردد . آیا درنگ می توان کرد ؟

در طرف دو سال دیگر ، یعنی چند ماه قبل از انقضای این قرن فراموش نشدنی ، نقشه چهارساله خاتمه می یابد . بنابراین ما در قبال آتیه با دو موعد تاریخی مواجه هستیم . حضرت عبدالبهاء در ستایش از امکانات بی سابقه قرن بیستم به یقین قاطع فرموده اند که آثار این قرن برای ابد باقی خواهد ماند . با در نظر داشتن چنین آرمانی ، افکار هر یک از پیروان هشیار جمال اقدس ابهی باید بدون تردید در اثر این سوال به شوق و نگرانی آید که در این سالهای زود گذر چه سهمی را اجراء خواهد کرد و در پایان این دوران پر بار که حضرت عبدالبهاء به آن تصریح فرموده اند چه اثر و ثمری از خود به یادگار باقی خواهد گذاشت . برای این که مضمون شویم پاسخی به این سوال خواهیم داد که سبب رضایت وجودن ما شود قط باید قیام و اقدام کنیم ، هم اکنون اقدام کنیم و مستمرة اقدامات خود را ادامه دهیم .

التماس و التجای قلی مـا در عتبـة مقدـسـه علـیـا از جـانـب هـمـه اـحـبـاء آـنـسـت کـه آـنـچـه هـمـگـی بـه منـظـور تـحـقـق اـین هـدـف عـاجـل نقـشـه الـهـی در اـین لـحظـات سـرـنوـشت سـاز در تـارـیـخ بـشـر اـنجـام مـی دـهـیـم بـه تـائـیدـات لـارـبـیـة الـهـیـه مستـظـهـر و مـؤـید گـرـدد .

بـیـت العـدـل اـعـظـم

ترجمـه پـیـام بـیـت العـدـل اـعـظـم

مـوـرـخ ۲ مـی ۱۹۹۸

یـارـان عـزـیـز بـهـائـی :

با نـهـایـت مـسـرـت آـن یـارـان گـرامـی رـا در اـین اـحـیـان فـرـخـنـدـه بـیـاد مـی آـورـیـم .

نـفـوس قـلـیـل اـز جـامـعـة كـوـچـك پـیـروـان حـضـرـت بـهـاء اللـهـ در خـطـهـ کـانـاـدا کـه پـنـجـاه سـال پـیـش بـرـای اـنـتـخـاب اـمـنـای اوـلـیـن مـحـفـل روـحـانـی مـلـی کـانـاـدا اـجـتـمـاع نـمـودـه بـوـدـنـد با قـلـوـیـ مـالـامـال اـز اـیـمـان و آـینـدـه نـگـرـی پـیـشـرـفت سـرـیـعـی رـا کـه آـن جـامـعـة مـحـبـوب جـشـن پـنـجـاهـمـیـن سـالـگـرد آـن رـا بـرـ پـا مـی دـارـنـد در نـظر مـجـسـم مـی نـمـودـنـد . حـضـرـت ولـی اـمـرـالـلـهـ منـظـرـة چـنـین اـمـکـانـاتـی رـا کـه مـقـدـارـ کـثـیرـی اـز آـن هـنـوز بـه منـصـه ظـهـور نـرـسـیدـه پـیـشـبـینـی فـرمـودـه و در مـدـت نـه سـال پـس اـز تـشـکـیـل اوـلـیـن اـنـجـمـن شـور روـحـانـی مـلـی کـانـاـدا طـی پـیـامـهـای مـسـتـمـرـ و مـحـبـت آـمـیـز شـمـول مـواـهـب لـاـتـحـصـی رـا مـسـئـلـت و مـسـؤـلـیـتـهـای غـیر قـابـل اـنـفـکـاـک آـن مـحـفـل رـا تـشـرـیـح فـرمـودـه اـنـد کـه بـهـائـیـان کـانـاـدا در اـعـصـار آـتـیـه (مـجـاهـدـات وـالـای) دـو جـامـعـة هـمـزـاد در قـارـه اـمـرـیـکـای شـمـالـی رـا در اـجـرـای فـرـامـین تـبـلـیـغـی صـادـرـه اـز قـلم مـصـون اـز خـطـایـ مرـکـزـ مـیـثـاقـ حـضـرـت بـهـاء اللـهـ " بـخـاطـرـ جـوابـ مـثـبـتـی کـه بـهـ رـجـایـ حـضـرـتـش در آـخـرـین اـیـام حـیـاتـ عـنـصـرـی قـبـل اـز صـعـودـ دـادـه شـدـه بـیـادـ آـورـده و بـه آـن اـرجـ مـیـ نـهـنـد :

مـوـقـقـیـتـهـای شـایـانـی کـه اـز زـمـان تـشـکـیـل جـامـعـة بـهـائـیـ کـانـاـدا تـاـ کـنـونـ ، بـخـصـوص اـز شـروعـ نـقـشـه جـهـادـ کـبـیرـ اـکـبـرـ جـهـانـی ، هـم در دـاخـلـهـ کـشـورـ و هـم در خـارـجـ اـز آـنـ ، بـدـسـتـ آـمـدـهـ زـینـتـ بـخـشـ وـقـایـعـ تـارـیـخـ اـمـرـ مـبـارـکـ مـیـبـاشـد . اـینـ خـدـمـاتـ صـادـقـانـه کـه اـز صـمـیـمـ قـلـبـ تـقـدـیـمـ کـرـدـیدـه و قـلـوـبـ نـاظـرـینـ رـا بـخـودـ جـلـبـ نـمـودـه است در اـعـصـار آـتـیـه اـشـرـاقـ و تـأـثـیرـاتـ عـظـیـمـهـ اـشـ در عـالـمـ وـجـوـهـ نـمـایـانـ گـرـدـیدـه و سـرـعـتـ اـسـتـحـکـامـشـ عـیـقاـ مـوـرـدـ سـتـایـشـ و مـوـجـبـ اـفـتـخـارـ و تـشـکـرـ خـواـهـدـ شـدـ .

در سـالـهـای اـخـیرـ شـاهـدـ آـنـ بـودـهـ اـیـمـ کـه صـدـهـاـ نـفـرـ اـز یـارـانـ کـانـاـداـ باـ هـمـانـ عـزـمـ رـاسـخـیـ کـه بـرـ اـینـ بـنـیـانـ رـصـینـ بـناـ شـدـهـ قـدـمـ در سـبـیـلـ هـجـرـتـ و خـدـمـاتـ تـبـلـیـغـیـ در گـوـشـهـ کـنـارـ نـقـاطـ بـعـیدـهـ جـهـانـ کـذـارـدـهـ اـنـدـ .

محافل روحانی محلی در آن خطه وسیع چندین برابر شده و با کمال استحکام رشد نموده و به بلوغ روحانی رسیده است ، جامعه بهائی کانادا به دفعات متعدد با تقدیم کریمانه منابع مالی در رفع حوائج فوری امر در داخل و خارج کشور موفق گردیده و سال به سال به اهداف عالیه خود که نماینده فرهنگ غنی اقوام مختلف آن کشور است ، بخصوص آنها که مورد توجه هیکل مبارک حضرت ولی امرالله بوده نائل آمده است. آن محفل میتواند از روابط صمیمانه که با مقامات دولتی پس از ثبت رسمی اولین محفل روحانی ملی انتخابی در سال ۱۹۴۹ بموجب قانون مصوبه پارلمان کانادا ، برقرار نموده است بهره مند گردد . این انتصارات را حضرت ولی امرالله « فتح و ظفر بی سابقه در تمام دوران امر مبارک در شرق و غرب عالم » نامیده اند .

ولی سیر تاریخ متوقف نشده است . با گذشت ماه هائی که به سرعت سپری می شود قرن جدیدی در پیش دیدگان ما ظاهر خواهد شد که مستلزم مجاهدات و در عین حال شامل موفقیت هائی است که در حال حاضر حتی هاله ای از آن نیز بروشنی دیده نمی شود .

مقصد نقشه جلیله چهارساله آنست که همه قوای یاران در کلیه نقاط عالم وقف ازدیاد سریع منابع و استعداداتی شود که در این برده از زمان از ضرورت مخصوص برخوردار است . بنابراین وظیفه حیاتی جامعه بهائی کانادا بعنوان وراث منشور فرامین تبلیغی آنست که خود مسئولیت عظیم چنین جهادی را که تحقق آن بروشنی تأیید گردیده بعده کیرند .

برای وصول به این هدف است که تعهدات همه جانبی احبابی کانادا فراخوانده می شود تا با توجه تام به آموزش منظم افراد تشکیلات و جامعه به خدماتی نائل آینده که بوسیله آن قلوب و افکار هموطنان آن یاران به پیام حیات بخش حضرت بهاء الله جلب گردد .

در این میدان مجاهدات جمعی ، هریک از احبابی الهی باید سهم خود را ادا نمایند و در این تلاش روحانی نیازهای هر منطقه از آن کشور و هر دسته از طبقات مختلف مردم مورد نظر قرار گیرد . باید از روح بدیعی که بوسیله انتخاب شوراهای بهائی در کالبد تشکیلات دمیده شده کاملاً استفاده بعمل آید و به ضرورت شرکت بومیان کانادا در ارائه خدمات امری که حضرت عبدالبهاء نقش عظیم آنها را در آتیه ایام پیش بینی فرموده اند توجه مخصوص مبذول گردد .

کلیه شرایط لازم برای چنین پیشرفتی وجود دارد . با قلبی طافح از تشکر و امتنان بسبب همه مجاهداتی که انجام گردیده است ، توفیق و تأیید آن محفل را در تحقق استعدادات عظیم جامعه بسیار محبوب کانادا از آستان مقدس حضرت بهاء الله سائل و آملیم .

بیت العدل اعظم

ترجمه پیام بیت العدل اعظم

مورخ ۲ می ۱۹۹۸

خطاب به اعضای محافل روحانی ملّی حاضر در هشتمین کانونشن بین المللی بهائی

همکاران عزیز روحانی :

تا چند ماه دیگر صد و سی سال از زمانی که موعود جمیع قرون و اعصار اجبارا بعنوان زندانی به این اراضی سرگون گردیدند میگذرد . مقصود دشمنان نیرومندی که علیه جمال قدم صف آرائی کرده بودند آن بود که این تبعید اقدام نهائی برای امماء مأموریت الهی حضرتش باشد ، غافل از آنکه مطابق وعده نصرت و ظفری که اراده الهیه به آن مظہر احديه عطا کرده بود به شهادت قلم اعلایش « اعلام نصر » از ورودش به عکا استقبال نمودند و « نادالمناد فسوف ... یدخل الناس فی ظل هذه الاعلام » (۱)

مرحله نوین پراهمیتی در مسیر تحقق نهائی آن وعده عظیم در اجتماع کنونی شما آشکار است ، اجتماع نمایندگان جوامع شکوفنده ای که در سراسر جهان بنام آن محبوب امکان تأسیس گردیده و حال در این نقطه و در همان اراضی ، در این موسم فرخنده گرد هم آمده اند . با قلوبی پر اهتزاز آنچه را که در این اجتماع موفق به انجام آن شده اید تجلیل می کنیم . مشارکت شما در جریان انتخاباتی که بنحوی بدیع وضع و تنصیص شده اکلیل جلیل بنای نظم جهان آرائی را تقویت مینماید که محافل ملیه ارکان اساسی آن محسوب می گردند . صراحةً ، اتقان و نظمی که در مشاورات این انجمن به منصة ظهور رسیده دورنمای پیشرفتی را در برابر انتظار می گشاید که باید در مدتی کوتاه تحقق یابد . آنچه با شدتی بیشتر ما را تحت تاثیر قرار داده نحوه رفتار پر از مهر و عطفت و اتحاد و اتفاق آن یاران عزیز است . چنین روح محبت و اتحادی در هر کروه دیگری که چون جمع شما از عناصری چنین متفاوت تشکیل شده باشد بسیار نادر است . از این شواهد و آثار جریان پر شتاب سیر تکامل و بلوغ اعضای موسسات امریه که باید در مستقبل ایام نقش عمدی ای در هدایت مقدرات ملل داشته باشد بسیار دلگرم و مشغوفیم .

با توجه به آنچه در این چند روز سرشار از رویدادهای گوناگون گذشت ، آیا نمی توان این تجربه را لحظات سرنوشت سازی برای نقشه چهارساله محسوب داشت ، یعنی نقطه عطفی که آغاز تحقق جمیع اهداف و امکانات نقشه است ؟ اگر چنین نیست پس باید منتظر کدام فرصت دیگری باشیم ؟ به یقین یاران الهی در مالک شما با قلوبی پر شور و شوق در انتظار مراجعتتان هستند و مشتاقند تا با صمیم قلب اقداماتی را که با جرأت و شهامت مایل به شروع ان هستید نصرت و حمایت نمایند . چه وقت آن رسیده است که آن عزیزان با سرعت بیشتر و به نحوی موثرتر به اجرای وظائفی که حق جل جلاله برای شما تعیین نموده قیام نماید زیرا عالم و آثار ثقه و اعتمادی جدید و نیرو و انبیاعی تازه و تجدید حالت انقطاع و انجذاب در ناصیه آن حبیبان معنوی

لانح و آشکار است . این عوامل سبب افزایش امکانات و توانانی شما در تجهیز و اعزام افراد احباء به میادین تبلیغ و تشویق آنان به تعهد سایر مسؤولیتهای مهم بنحوی بی سابقه میگردد .

امید چنان است که روح وحدت و یگانگی حاکم بر کانونشن در جمیع محافل ملیه که سالار سپاه انوارند تاثیر و نفوذ نماید ، و امید است که این روح وحدت و یگانگی با چنان جذبه و نیروی عشق و محبتی در آن عزیزان ظاهر و ساطع کردد که مؤسسات ملی و محلی و افراد احبابی ساکن در حوزه محافل ملیه را احاطه نماید و نصائح و مساعی مشاورین و معاونین و مساعدینشان را در بر کرده تا در هر کشوری علی رغم ستیزه خونی و ستیزه جونی رایج در جهان امروز ، وحدت و یگانگی جامعه بهانی تجلی صوری آن حقیقت ذاتی درونی باشد که محرك اصلی مؤسساتی است که من عند الله تأسیس گردیده و مسؤول اداره و هم آهنگ ساختن امور جامعه اند . ای یاران عزیز الهی ، مایه بسی افتخار و میهان برای آن عزیزان است که در این برهه از زمان در تجهیز منظم منابع انسانی بدل مساعی مینماید ، کوششی که می تواند کروه های جدیدی از مقبلین را در ظل رایت اس اعظم در آورد . نقشه کار آماده و طریق اقدام واضح و آشکار است . با اطمینان خاطر و قوت قلب بستایید و پیش روید .

بیت العدل اعظم

(۱) مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است : منادی ندا نمود که بزودی تمام ساکنین روی زمین در ظل این اعلام (پرچمها) وارد خواهند شد .

ترجمه پیام بیت العدل اعظم

موخ ۱۳ می ۱۹۸۸

که با وسایط الکترونیک مخابره شده است

با قلوبی پر سرور انتصاب مشاورین عضو دارالتبیغ بین المللی را برای دوره پنج ساله ای که از ۲۳ می ۱۹۹۸ آغاز می گردد به شرح ذیل اعلام می داریم :

کایزر بارنز Kiser Barnes ، رالف فن چیکس Rolf von Czekus ، هارتموت گروسمن Hartmut Grossman ویولت هاگ Violette Haake ، فریدون جواهری ، لرتا کینگ Lauretta King ، جون لینکلن Joan Lincoln ، پیمان مهاجر ، پنی واکر Penny Walker ، از مساعی ممتاز و فداکارانه ای که شاپور منجم ، دونالد راجرز Donald Rogers ، فرد شکتر Fred Schechter ، کیمیکو شورین Kimiko Schwerin ، و جوی استیونسن Joy Stevenson در این مؤسسه مهم حیاتی انجام داده اند صمیمانه سپاسگزاریم .

بیت العدل اعظم

ترجمه پیام بیت العدل اعظم الهی
به عموم محافل روحانی ملی
که در تاریخ ۲۶ مارچ ۱۹۸۸ با وسائط الکترونیک مخابره شده است

قلوب از صعود جناب هیو چانس همکار محبوب سابق ما و حامی ثابت قدم و دوراندیش امر جمال قدم آکنده از حزن و اندوه است و برای جامعه بهانی عالم فقدانی عظیم محسوب ، خدمات مستمره اش در عضویت محفل ملی آمریکا و متعاقباً بمدت سی سال در بیت العدل اعظم با ایمانی راسخ و اراده ای استوار و خوش بینی و افر نمایان و ممتاز بود . خدمات متنوعه اش در انتظام تشکیلات مرکز جهانی امر و مساعی خستگی ناپذیرش در ترویج مصالح امریکه مخصوصاً در خاور دور و اقیانوسیه و کمکهای مؤثرش در توسعه روابط خارجی جامعه بین المللی بهانی سوابقی جاودانی از مجهداتش باقی گذاشته است . از آستان قدس الهی صمیمانه ملتمنیم که آن جان پاک در ملکوت ابھی به پاداشی جزیل نائل و با فرح و سرور قرین روح همسر محبوبش مارکرت گردد و قلوب دختر عزیز و سایر اعضای خاندان جلیلش تسلی یابد .
توصیه میشود در جمیع مشارق اذکار و در سراسر عالم بهانی محافل تذکر شایسته بنامش منعقد گردد .

بیت العدل اعظم

ترجمه پیام بیت العدل اعظم الهی
خطاب به عموم محافل روحانی ملی
که با وسائط الکترونیک مخابره شده است
سorخ ۹ آپریل ۱۹۹۸

از فقدان مرّوج برازنده و ثابت قدم امرالله فلورانس می برد Florence Mayberry عیقا محزونیم ، خدمات خستگی ناپذیر و الهام بخشش در میادین تبلیغ و تشکیلات اداری محلی و ملی و بین المللی امر در مدتی متجاوز از چهل سال به اکلیل ده سال فراموش نشدنی عضویت در عصبة مشاورین دارالتبیغ بین المللی مزین گردید . دفاع دلیرانه از عهد و میثاق و مساعی مجددانه برای اشتئار نام امرالله و اسفار پر شهامتش به اقصی نقاط جهان ، تاریخ اقدامات درخشنan وی را ممتاز می سازد . شما را به ادعیه صمیمانه جهت ارتقاء روح پر فتوحش که یقیناً در ملکوت ابھی به پاداشی جزیل نائل گردیده است اطمینان می دهیم .

بیت العدل اعظم

ترجمه نامه محفل ملی بهائیان کانادا

۷ فوریه ۱۹۹۸

اول شهربستان ۱۵۴ بدیع

یاران عزیز الهی :

و ساختمان مقام حضرت اعلی و دیگر پروژه های قوس
کرمل مشارکت نموده و نیز با تقدیم تبرّعات کریمانه
سهمی بسرا در به انجام رساندن این پروژه ها داشته
باشند . همچنین استعداد خود را در برنامه ریزی
دومین کنگره جهانی بهائی به ثبوت رسانند .

و این همه شمه ای بود از خصوصیاتی که حضرت ولی
محبوب امرالله و بیت العدل اعظم الهی جامعه بهائیان
کانادا را بدان مفتخر نموده اند . در پیام مورخه ۱۴
آوریل ۱۹۴۸ خطاب به اولین مجمع شور روحانی بهائی
در کانادا حضرت ولی امرالله میفرمایند :

» با قلوبی انباسته از شکر و سپاس به درگاه حضرت
بهاء الله ، جهت واقعه تاریخ آفرین جامعه محبوب
بهائیان کانادا ، تشکیل اولین مجمع شور روحانی ملی
در شهر مونتریال و انتخابات محفل ملی پایه کذار
نهمین سنتون مؤسسه بیت العدل اعظم الهی «

(ترجمه به مضمون غیر رسمی)

در آوریل ۱۹۶۴ بیت العدل اعظم الهی چنین فرمودند:
» جامعه بهائی کانادا . . . از بدو تأسیس بعنوان یک
جامعه مستقل بهائی مداوما مستمرا در حال پیشرفت
بوده است ، این جامعه متبرک شده اکنون
وارد عصر جدیدی از تاریخ تأسیس خود می گردد . «

(ترجمه غیر رسمی)

همچنین پس از کذشت یک دهه معهد اعلی در رضوان
۱۹۸۴ اجاء کانادا را بخاطر « قدرت خلاقه ، حسن
ابتکار و بینش و بصیرتی که در به تحقق رساندن
اهداف نقشه هفت ساله » از خود نشان داده اند مورد
تقدیر قرار دادند .

در رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم الهی چنین مرقوم

در طول سال ۱۵۵ بدیع جامعه بهائی کانادا اولین سده
استقرار دیانت حضرت بهاء الله در کانادا و همچنین
پنجاهمین سالگرد تأسیس محفل روحانی ملی در این
کشور را جشن خواهد کرفت . اقiran این دو سالگرد
با یکدیگر فرصتی خواهد بود تا در مورد آینده ای
که حضرت عبدالبهاء در حدود هشتاد و پنج سال
پیش در باره این کشور پهناور پیش بینی فرموده
بودند تأمل و تعمق بیشتری نمایم .

سفر حضرت عبدالبهاء به کانادا عظیم ای عظیم برای
این کشور بود . بعد از مراجعت از این اسفار ضمن
فرامین تبلیغی خود ، حضرت عبدالبهاء میراثی گرانها
برای احبابی این خطه بجای کذاشتند . از آن تاریخ تا
کنون جامعه کوچک بهائی کانادا رشدی چشمگیر داشته
تعداد انگشت شمار احباب تبدیل به چند صد جامعه
بهائی گردیده که در سراسر این کشور پهناور مستقر
گردیده اند . در طول این تغییرات اشتعال یاران به
نار محبت الله و ثبات و استقامت ایشان به عهد و
میثاق الهی زبانزد خاص و عام بوده است . این یاران
توانانی خود را در حرأست از امرالله و حمایت از
حقوق حقه خواهران و برادران روحانی خود در ایران
به ثبوت رسانده و هزاران نفر از یاران ایران را با
آغوش گرم در میان خود پذیرفته و عاشقانه اقدام به
مهاجرت و اسفار تبلیغی به اقصی نقاط جهان نموده اند
. اعضاء این جامعه افتخار آنرا داشته اند تا باستفاده
از هنر معماری و طراحی خود در مشرق الاذکار غرب

کرمل و مشارکت یاران عزیز در امر عظیم تبلیغ ، اطمینان وثیق داریم که این دو هدف بزرگ با آینده درخشانی که حضرت عبدالبهاء برای کشور کانادا در نظر داشته اند مطابقت کامل خواهد داشت .

از حق می طلبیم مساعی و کوشش‌های شما عزیزان در این سبیل مورد تائید و قبول حضرتش واقع گردد .

فرمودند « نقش خارق العاده و در خور تحسین جامعه کانادا در دفاع از امرالله و نشر نفحات الهی در اقصی نقاط عالم و تأسیس مؤسسات امر در دیگر کشورها را مورد تقدیر قرار دادند .

دو وظیفه عمدی که در حال حاضر بر عهده داریم عبارتند از مداومت در حمایت از پروژه های قوس

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء که با فتح اصحاب امام روحانیات کامادا صحیح چهارشنبه پنجم اپریل مند ۱۹۱۶ در باججه خامج و صنه مبارکه در بهجی از قم مرکز میثاق صادر گشت .

احباؤ اماء روحانیات کانادا نیوفوندلند پرنس ادمرد ایلند نووا اسکوشیا نیومونزویک کوبک مانی قوبیا آبروتا استریو ساسکاچوان بریتیش کلمبیا و کان ماکنرف یونکاد کیوانین خرامی فرانکلین و گین لند علیهم و علیهی الرحمۃ والثناء .

هواده

ای ابناء و بنات مملکوت هر چند در اکثر مدنیت ایلات متحده الحمد لله نفحات فتحه منتشر و حم غفری مملکوت الله توجه و ناطقو ولی در بعضی ایلات چنانچه باید و شاید علم و حید بلطفگشته رسیده کتب الهیه منتشر نگوئید باید همت این علم و حید در آن دیار همچو مرند و تعالیم الهیه امتنان را مذکور از موهست آسمانی و حدیث کربی بهز و ضیافت داشد و چنین در ایلات کامادا مانند نیوفوندلند پرنس ادمرد ایلند نووا اسکوشیا نیومونزویک کوبک ایلان و مانیتویا ساسکاچوان آبروتا بریتیش کلمبیا یونکاد کیوانین ماکنرف یونکاد فرانکلین در ماله سلطان باید احبابی الهی جانسناش نمایند و مانند شمع هدایت در آن ایلات کامادا برا هر و زندگانی گرچین همچو بخوبیت یعنی است که تأییدات کتب الهیه بایند وجود آسمانی پی در پی رسید و صرف علیمی حاصل گردد بلکه انشاء الله مذکوقت الله بسامع اسلامیه های اهلی خوبی شمال کامادا و گوین لند برسد . اگر در گوین لند نابره همچو الله شعله زند بجمع بخوبیت آن مملکت آب شود و مرا باعده مُبدل گردد یعنی قلوب حواریت محبت آن باید آن خطه و دیار گلشن الهی شود و بوستان ملکی گردد و نقوص می سذا مختار پرور بهلیت طراوت و لطافت ترین یا بد هفت لام است هفت گوهنی نمایند که در میان اسلامیه های نفحات الهی منتشر شود تا یافر شدید راه بحداد و قوان عظیم می فرماید که روزی آید که امور و حید بر جمیع آفاق باید (و اسرفت لام من نیور رها) یعنی منع نیور خدا و میش میشیو آن فر نیور و حید است لا الہ الا الله مملکت و خواهر اسلامیه های زاده طعات ارض است باید از هدایت کربی بهز متفاوت گردد و علیکم و علیکم الرحمۃ والثناء . ع ع

مینا سنائي

این کشور ، جای آن دارد نظری به تاریخچه امر در امریکای شمالی بیندازیم .

شهر شیکاگو واقع در ایالت ایلینویز Illinois از ایالت متحده امریکا نه تنها شهری بود که اولین بهائی امریکانی در دهه ۱۸۹۰ در آن ایمان خود را به حضرت بهاء الله اعلام نمود ، بلکه مرکز اصلی پیدایش

مختصری راجع به تاریخچه امر اعظم بهائی در صده اخیر در کشور کانادا اقتباس و ترجمه از کتاب THE ORIGINAL OF THE BAHAI' COMMUNITY OF CANADA



و پرورش جامعه بهائی کشور کانادا نیز محسوب میشود .

مطلوب ذیل نایشگر این است که نهال طیبه‌ای که به اراده حضرتش در این سالها در شهر شیکاگو انبات گردید چگونه با تأییدات حضرت بهاء الله

در طول سال ۱۵۵ بدیع جامعه بهائی کانادا صدمین سال استقرار دیانت حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلى و همچنین پنجاهمین سال تأسیس محفل روحانی ملی خود را جشن خواهد گرفت . به مناسبت تقارن این دو واقعه عظیم و فراموش نشدنی در تاریخ جامعه بهائی

آخرالحیات نیز بآن وفادار ماند و آقای پل کینکستن دیلی Paul Kingston Dealy از اهالی سنت جان نیوبرانزویک که در سال ۱۸۹۷ مؤمن شد .

در سال ۱۸۹۷ هنگامیکه پل دیکی ، انوره دیکسن و همسرش ایسی ماتغورد از اهالی ساسکاچوان سرکرم شرکت در کلاسهای تزئید معلومات بودند دختر جوانی از اهالی شهر لندن ایالت انتاریو بنام ادیت مگی Edith Magee که در آن زمان فقط ۱۷ سال داشت ضمن اسفار مدام خود به منزل عمویش گای مگی Guy Magee در شهر شیکاگو هر بار بیشتر و بیشتر راجع به تعالیم این دیانت جدید می شنید و بر معلوماتش افزوده میشد و بالاخره در سال ۱۸۹۸ بعد از بازگشت از یکی از سفرهایش به شیکاگو ادیت و ۴ نفر دیگر از اعضاء خانواده او به شرف ایمان نائل گردیدند . در سال ۹۹ - ۱۸۹۸ اولین گروه بهائی کشور کانادا متشكل بود از ادیت مگی ۱۸ ساله ، خواهرش هریت ۱۵ ساله ، مادرش انی ۴۲ ساله و دو خواهر دیگر او رُز و ویل . لازم به ذکر است که در طول سفر حضرت عبدالبهاء به امریکای شمالی خانواده مگی به زیارت ایشان نائل شدند و در واقع در ماه اگست ۱۹۱۲ میزان ایشان هنگام اقامت در شهر الیوت Eliot در ایالت مین Maine بودند . در آن زمان حضرت عبدالبهاء همسر ادیت ویلیام اتو اینگلیز William Otto Inglis را به حضور پذیرفتند . اگرچه همسر ادیت هرگز مؤمن نشد ولی مقالات بسیار مؤثر و جالبی راجع به امر نکاشت .

اما ناکفته نماند که افتخار تشکیل جامعه بهائی کانادا در حقیقت نصیب خانم می ماکسول گردید . خانم می مایس ماکسول May Ellis (Maxwell) در شهر اینکل

به کشور کانادا انتقال یافت و با محبت خاصه حضرت عبدالبهاء و خدمات شبانه روزی حضرت ولی عزیز امراهله و خدمات مؤمنین اولیه از قبیل خانواده ماکسول و دیگر مؤمنینی که شرح حال ایشان را در ذیل مطالعه خواهید کرد ، به درختی بارور و پر ثمر بدل گردید . ابراهیم خیرالله ، شخصی مسیحی از اهالی کشور سوریه بود که در سال ۱۸۹۰ به دیانت حضرت بهاء الله ایمان آورد ، خیلی زود دوست او آتناون حداد نیز زیر این خیمه یکرنگ در آمد . در سال ۱۸۹۲ این دو نفر بقصد گسترش فعالیتهای بازرگانی خود شهر قاهره در کشور مصر را به مقصد قاره امریکا ترک کردند . حداد مستقیما رهسپار امریکا شد و در سال ۱۸۹۲ اولین بهائی آن کشور محسوب گردید و خیرالله نیز در پایان همانسال باو پیوست ، در اینجا ذکر این نکته بجاست که ابراهیم خیرالله بعدا در زمان حضرت عبدالبهاء نقض عهد نمود .

بدنبال عدم موفقیت در تجارت ، دو دوست یکرنگ بالاخره به شهر شیکاگو رسیدند . بلافصله بعد از ورود باین شهر خیرالله در صدد تأسیس کلاسهای امری برآمد تا تعالیم حضرت بهاء الله را به مترجمان حقیقت بشناساند . در سال ۱۸۹۴ بدنبال فعالیتهای تبلیغی خیرالله اولین گروه ۵ نفره در شهر شیکاگو به پیروان حضرت بهاء الله پیوستند و در ماه می ۱۸۹۶ تعداد احباء این شهر به ۱۶ نفر رسید .

در این جمع چند نفر از اهالی کشور کانادا نیز وجود داشتند . از جمله خانم کیت آیوس Kate Ives که اصالتا از اهالی نیوفوندلند بود . ایشان اولین اماء الرحمانی بود که در سال ۱۸۹۴ در سن ۲۱ سالگی به دیانت حضرت رحمان ایمان آورد . و تا

این زوج جوان در ۸ می ۱۹۰۲ در لندن انگلستان صورت کرفت و سپس برای اقامت دائم به شهر مونتریال کانادا نقل مکان نمودند.

اولین دهه تاریخچه دیانت بهانی در کشور کانادا شاهد شکوفانی شهر مونتریال بعنوان مرکز فعالیت های امری این جامعه نویا بود. اگرچه قرائن حاکی از آنست که تعدادی از احباء در شهرهای ادمتون ، وینیپگ ، برانتفورد و براکویل بسر میبردند ولی در اولین دهه های گسترش دیانت بهانی در کشور کانادا ، شهر مونتریال بعنوان هسته اصلی فعالیتها و مرکز رشد و نمو این امر اعظم محسوب میشود. بعدها حضرت ولی عزیز امیرالله شهر مونتریال را " شهر مادر " و خانم می ماکسول را به لقب " مادر روحانی " مفتخر فرمودند.

وجود خانم ماکسول در کانادا نه تنها باعث شد حضرت عبدالبهاء اراده سفر بایشان کشور را بفرمایند ، بلکه خدمات مداوم ایشان بیش از هر بهانی دیگر مشر ثمرات عدیده و عظیمه تبلیغی در این گوشه از جهان گردید . بعبارتی خانم می ماکسول از موهبتی الهی برخوردار بودند که مادیات را با فراست و شامه ای روحانی ملس مینمودند . خدمات این کنیز الهی چنان جنب و جوشی در جامعه ایجاد نمود که در ۱۹۰۸ می تعداد احباء شهر مونتریال به ۱۸ نفر رسید. این گروه خود را Montreal Branch of Baha'i Temple نام نهادند . جناب ماکسول در ابتدا علاقه چندانی به این دیانت نشان نمی دادند و بالاخره از مؤمنین صادق جمال مبارک شدند . هرچه در مورد خدمات و نقش این خانواده در استقرار جامعه بهانی شهر مونتریال گفته شود کم خواهد بود .

وود ایالت نیوجرسی متولد شدند . ایشان سالهای کودکی را در منزل پدر بزرگشان در شهر مونتریال گذراندند . پدر بزرگ ایشان یکی از بانکداران سرشناس نیویورک بودند . وقتی ۱۴ ساله شدند از رفتن به مدارس معمولی سر باز زدند . ایشان اغلب اوقات خود را در شهر پاریس در کشور فرانسه بسر میبردند . سال ۱۸۹۸ نقطه عطفی در زندگی می ایس محسوب میشود . در آن سال کروهی از توریست های امریکانی که قصد سفر به کشور مصر را داشتند چند ساعتی در آپارتمان ایشان در پاریس اقامت کردند . در واقع هدف اصلی از این سفر زیارت زندانی عکا حضرت عبدالبهاء بود . در آن جلسه می نیز تصمیم گرفت در این سفر بایشان بیرونند و باین ترتیب بود که در روز ۱۷ فوریه ۱۸۹۹ به زیارت حضرت عبدالبهاء نائل آمد . این ملاقات گونی جان تازه در کالبد می ایس دمید . خمودت ایشان را به جنب و جوش و فعالیت و سکوتshan را به نطق و خطابه مبدل نمود .

اوایل همان سال بود که می به پاریس برگشت و بعنوان اولین بهانی در اروپا بزودی جاذب مشتاقانی شد که مایل بودند راجع به این دیانت جدید مطالبی بشونند . اگرچه مادرشان مایل بودند می تابستان را در بریتانی بگذراند ، حضرت عبدالبهاء بایشان دستور دادند در پاریس بمانند . در اثر خدمات تبلیغی مداوم ایشان بود که تقریبا سه سال بعد تعداد احباء پاریس ، اولین گروه در اروپا بالغ بر ۲۰ نفر بود . در این سالها بود که می ایس با جناب ویلیام ساترلند ماکسول William Sutherland Maxwell که یک آرشیتکت کانادانی بودند آشنا شدند . ازدواج

مبلغی به تمام استانها رفته بود ، یا یکی از احبابه در آنجا زندگی میکرد و یا حداقل یک جلسه تبلیغی در آن تشکیل شده بود .

خدمات خانم می ماسکول در شهر مونتریال باعث جلب بسیاری از مبلغین سیار از کشور امریکا گردید . البته در ابتدای تشکیل جامعه بهانی کانادا از نظر امور اداری به جامعه بهانی امریکا وابسته بود ، با توجه به موقعیت زمانی جای تعجب نیست که تا سال ۱۹۲۷ کلیه این مبلغین از رجال بودند .

ورود محقق و داشمند شهر امر جناب ابوالفضائل کلپایگانی به کشور کانادا و شهر مونتریال در تابستان سال ۱۹۲۰ فصل جدیدی در تاریخ جامعه بهانی این شهر گشوده شد . در آن سفر احبابی دیگر چون ضیاء بغدادی ، ادوارد کینی Edward Kinney و مری فورد Mary Ford از نیویورک نیز در معیت ایشان بودند . در این سالها تعداد احبابی مونتریال آنچنان رو به تزايد گذاشت که دیگر منزل خانواده ماسکول فضای کافی برای تشکیل جلسات را نداشت ، جلسات و احباب در محل های عمومی شهر برگزار میشد . در سالهای ۱۹۲۰ احباب مونتریال به سفرهای تبلیغی به اقصی نقاط دنیا پرداختند از جمله خاور دور ، استرالیا و اروپا .

اولین محفل روحانی محلی در شهر مونتریال در سال ۱۹۲۲ تشکیل شد . در توقيعی خطاب به این محفل روحانی در تاریخ ۲ ژانویه ۱۹۲۲ حضرت ولی امر الله کانادا را "کشوری وسیع و در حال شکوفانی " خواندند و مردم آنرا "دارای خصایص روحانی " دانستند .

در روزهای ۲۴ و ۲۵ آپریل ۱۹۴۸ اولین انجمن شور

اگرچه سفر حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۲ در شهر مونتریال تاثیری آنی در افزایش تعداد مؤمنین این شهر نداشت ولی وجود مبارک ایشان باعث تشویق و دلگرمی احباب گردید تا پایه های اصلی جامعه بهانی را در این کشور مستقر نمایند . سه هفته قبل از سفر به آمریکای شمالی ، حضرت عبدالبهاء تصمیم گرفتند از مونتریال نیز دیدن نمایند . علاقه مفرط حضرتشان به خانواده ماسکول که حالا صاحب دختر کوچکی نیز شده بودند بر عموم احباب معلوم و واضح بود ، علی رغم مخالفت برخی از احباب در مورد این سفر با این استدلال که اغلب اهالی و سکنه شهر کاتولیک و بسیار متعصب هستند و غرق در دریای تقالید ، حضرت عبدالبهاء در تصمیم خود برای سفر به کانادا مصمم باقی ماندند . حضرت عبدالبهاء در طول اقامت کوتاه خود در شهر مونتریال سه روز در منزل خانواده ماسکول اقامت فرمودند و بعد به هتل تشریف بردند در طول این مدت در هفت جلسه غیر رسمی و هشت جلسه عمومی شرکت کردند و بیش از ۲۵۰۰ نفر موقّع به شنیدن فرمایشات ایشان شدند . جراند انگلیسی و فرانسه زبان راجع به سفر ایشان به امریکای شمالی و سخنرانی هایشان مفصلًاً مقالاتی نوشته شدند . مقالاتی که در مونتریال راجع به سفر حضرت عبدالبهاء بچاپ رسید از تمام مقالاتی که در سراسر اروپا و امریکای شمالی تهیه و چاپ شده بود جامع تر و کاملتر بود . اگرچه حضرت عبدالبهاء قصد داشتند فقط دو یا سه روز در مونتریال اقامت نمایند ولی مدت این سفر را به ۹ روز افزایش دادند .

اخبار مربوط به این آئین جدید تا سال ۱۹۱۲ به تمام استانهای این کشور پهناور رسید و در سال ۱۹۱۷ یا

- ۱۹۰۲ - خانمی می ماکسول به کانادا آمده اولین جامعه بهائی این کشور را در ماه اگست این سال در شهر مونتریال بنیان گذاردند .
- ۱۹۰۶ - علی قلی خان اولین بهائی ایرانی از کانادا دیدن کرد .
- ۱۹۱۲ - حضرت عبدالبهاء از تاریخ ۲۰ اگست الی ۶ سپتامبر در کشور کانادا اقامت داشتند .
- ۱۹۱۴ - اولین مراسم عقد و ازدواج بهائی در کانادا بین دکتر ضیاء بغدادی و زینت خانم در روز ۲۰ آپریل در شهر مونتریال منزل آقا و خانم ماکسول انجام گرفت .
- ۱۹۲۲ - محفل مقدس روحانی ملی امریکا و کانادا در ماه آپریل این سال تشکیل شد .
- اولین ضیافت نوزده روزه بطرور رسمی در روز ۱۱ دسامبر این سال در شهر مونتریال تشکیل شد .
- ۱۹۲۶ - در ماه اکتبر این سال علیا حضرت مری ملکه رومانیا از شهرهای تورنتو ، مونتریال ، اوتاوا و وینپیگ بازدید نمودند .
- ۱۹۲۷ - اولین محفل روحانی محلی در شهر ونکوور در ماه زیانویه این سال تشکیل شد .
- ۱۹۲۷ - ازدواج ولی عزیز امراهله با سرکار خانم ماری ماکسول ۲۴ مارچ این سال انجام پذیرفت .
- ۱۹۲۸ - تشکیل ۲ محفل روحانی جدید در مانیکتون ، سنت لامبرت و تورانتو .
- جامعه بهائی تورانتو اولین غرفه بهائی را در نمایشگاه ملی کانادا برپا نمود . بیش از ۱۵۰۰ نسخه اطلاعات راجع به دیانت بهائی توزیع گردید .
- ۱۹۴۸ - تشکیل اولین محفل روحانی ملی کشور کانادا در شهر مونتریال در آپریل این سال انجام پذیرفت .

روحانی جهت انتخاب اعضاء نخستین محفل روحانی ملی کشور کانادا در منزل خانم و آقای ماکسول تشکیل شد . در این جلسه تعداد ۱۱۲ نفر از احباب حضور داشتند که ۱۲ نفر از ایشان نمایندگان و اعضاء محافل روحانیه محلیه بودند .

اعضاء اولین محفل روحانی ملی بهائیان کانادا عبارت بودند از :

John Robarts	(از انتاریو)
Emeric Sala	(از کوبک)
Laura Davis	(از انتاریو)
Sigfried Schopflocher	(از کوبک)
Roland Estal	(از منی توبا)
Lloyd Gardner	(از انتاریو)
Rosemary Sala	(از کوبک)
Dorris Richardson	(از آتنریو)
Ross Woodman	(از انتاریو)

چند تاریخ مهم در تاریخچه دیانت بهائی در

کشور کانادا :

- ۱۸۹۲ - خانواده مگی ساکن لندن انتاریو برای اولین بار در سپتامبر این سال در شهر شیکاگو مطالبی راجع به این امر اعظم شنیدند .
- ۱۸۹۸ - ادیت مگی اولین بهائی کشور کانادا به دیانت بهائی ایمان آورد .



اعضاء محفل ملی کانادا

در حال حاضر

از راست: کریم مکای - جسین بانی - جودی فلیسن - عنایت روحانی - سوزان لایزر - مارگوت لوئیز - جنیال نیوکرک - لویزلابلامنک و گلن آیفورد

پوران بقائی

ضمن مصاحبه با خانم سوزان لاینر عضو محترم
محفل ملی به نکات مهمی برخورد کردم که با شما
خوانندگان عزیز در میان میگذارم :

۱ - زیارت احباب از منزل متبرکه ماکسول که بمدت
سه روز حضرت عبدالبهاء در آن منزل سکونت
نموده و میهمان خانم می ماکسول بوده اند .

۲ - اهداء نسخه اصل « فرمان تبلیغی حضرت
عبدالبهاء روح ماسوا فداه خطاب به احباب کانادا »
توسط عضو و نماینده محترم محفل ملی امریکا

Mr. Jack McCants.

۳ - جناب مهندس فریبهرز صهبا مسئول پژوهه های
ساختمانی قوس کرمل راجع به پیشرفت تراس ها و
دیگر برنامه های ساختمانی در دست اجراء ،

انجمن شور روحانی ملی بهائیان کانادا

پنجاه سال پیش اولین محفل روحانی ملی کانادا در
مونتریال تشکیل گردید و امسال کانونشن ملی
بمناسبة بزرگداشت پنجاهمین سالگرد آن جشن
فرخنده کانونش ملی در مونتریال که به قدم
حضرت عبدالبهاء جل شناه مشرف شد با حضور
تقرباً ۱۲۰۰ نفر از انعقاد یافت در جلسه مشاورین
عزیز قاره ای جناب دکتر عبدالیاثق قدیریان و
جناب دکتر دیوید اسمیت و ۱۲ نفر از هیئت
معاونت و عده ای از خادمین قدیمی عالیقدیر بعنوان
میهمانان محفل و مستمعین شرکت نموده بودند .



صلوح مبارک حضرت عبدالبهاء که توسط نماینده محفل ملی امریکا آقای جک مک کانترز بناینده محفل ملی کانادا آقا گلن آیور دستیم شد .

مشاوره و محاوره بین نمایندگان مشاهده میشد بnde را بر آن داشت که راجع به این کانونشن راپرت مختصری تهیه و تقدیم نمایم .

۱ - نظم و ترتیب در اداره جلسات و شروع و ختم جلسه رأس ساعت مقرره جالب توجه و چمشگیر بود .
۲ - حضور اعضاء محفل ملی استرالیا در صحنه و کزارش انفرادی آنان از کانونشن بین المللی بر روحانیت جلسه میافزود .

۳ - شب بعثت حضرت اعلیٰ جلسه عمومی بزرگی با حضور شهردار شهر عالیجناب گری بالدون Mayor Garry J. Baldon و عده زیادی از دوستان غیر بهائی در سالن زیبای محل کنفرانس تشکیل کردید . شهردار نطق افتتاحیه را با تکبیر الله ابهی شروع نمود و سپس در باره تعالیم دوازدگانه صحبت نموده و آنان را ستود و درمان درد بشری دانست و احباء را بهترین شهروندان آن شهر معرفی نمود . پایان جلسه با آوای دلنشیں خواننده از نیوزیلند خاتمه یافت که با خواندن آهنگ الله ابهی تأثیری شدید بخشید و چنان جذبه و سروری بوجود آورد که سراسر سالن به هیجان آمد چنانکه دسته جمعی احباء دستها را در دست یکدیگر گذارد و تکبیر الله ابهی را تکرار میکردند و گوئی موجی از اقیانوس محبت سطح سالن را احاطه نموده و قلوب دوستان را ملامال از عشق و محبت نموده بود در آن حال عظمت جمال مبارک چون آفتابی تابان نمایان بود .

سخنرانی مفصل و بسیار جالبی فرمودند و اضافه کردند که احداث مشروعات کوه کرمل مشعل فروزانی برای دخول افواج مقبلین خواهد بود .

۴ - محفل مقدس ملی یک میهمانی عصرانه با حضور عده ای از مقامات عالیرتبه و سرشناس مملکتی و عده ای از دوستان بهائی و غیر بهائی ترتیب دادند جالب آنکه یکی از میهمانان سرشناس غیر بهائی ضمن صحبت خود آرزو کرد که عده بهائیان کانادا تا سال آینده دو برابر گردد .

۵ - در طول کنفرانس مطالب بسیاری در جرائد از جمله روزنامه معروف Gazette درج گردید و قسمتی از برنامه ها از تلویزیون و رادیو پخش شد . در جلسه کانونشن گرمی و محبت دوستان موتربیال از برکت قدم مبارک حضرت عبدالبهاء چنان حرارتی در قلوب بوجود آورده بود که فراموش ناشدنی است .

انجمن شور روحانی ملی بهائیان استرالیا

در سفر اخیر به استرالیا سعادت شرکت در کانونشن ملی که از تاریخ ۲۱ تا ۲۲ می با حضور ۲ نفر از مشاورین عزیز قاره ای جناب دکتر سیروس Dr. David نراقی و جناب دکتر دیوید چیتل برو Chittle Borouch و چهار نفر از اعضای هیئت معاونت و ۹۷ نفر نمایندگان از استرالیا و نیوزیلند و قریب ۱۶۰ نفر از مستمعین در شهر Gold Coast تشکیل گردیده بود نصیب گردید . روحیه اتحاد و اتفاق و محبت و صمیمت بیش از حد که در

شرح دو واقعه مهم تاریخی

در کشور کانادا

در اوان طفولیت رفعت مقام و منزلت اب بزرگوار خود را شناخته و با رجای فدا در ره آن دلبر یکتا در جمیع بلایا و رزایا واردہ بر آنحضرت شریک و سهیم گردید . بعد از صعود سلطان بقا از عالم ادنی به جهان بالا و ملکوت ایهی آن یوسف بها گرفتار بغض و حسد برادران شد و بواسطه دسیسه ها و گزارشہای کذب آنان و سایر دشمنان لدود و عنود به حکومت عثمانی باز دچار بند و زندان گردید.

تا آنکه در سنه ۱۹۰۹ حکومت و خلافت عثمانی دچار تحول و انقلاب شد . و با اعلام آزادی زندانیان دینی و سیاسی آن حضرت نیز از زندان آزاد کشت.

این خبر مسرت بخش آزادی هیکل انور چون بامریک رسید احبابی آن دیار دعوت نامه و عرايض بی شمار به محضر مبارک تقدیم و رجای سفر بامریک فرمودند .

از آنجا که زحمت و سختی زندان جسم لطیف را ضعیف و بنیه را تحلیل بردہ بود لذا بعد از چند ماه توقف در حیفا بمنظور تقویت قوای جسمانی و تغییر آب و هوا به خطه مصر تشریف بردہ و با وجود وصول مکاتیب بسیار و دعوت نامه های مکرر از یاران امریک قبول سفر بآن دیار را نمی فرمودند .

بعد از یازده ماه توقف در مصر بسویس تشریف بردہ و از آنجا بنا باستدعای احباء پاریس و لندن به آن دو کشور سفر فرموده و با ایراد نطقها و خطابه ها در مجامع عمومی و کلیساها و محافل خصوصی یاران و افراد ، اهمیت و عظمت و لزومیت امر بهانی را در این عصر و زمان بكل ابلاغ فرمودند .

یاد آن زمان گرامی باد که جناب داگلاس مارتین در شهر تورانتو ضمن ایراد نطق در مجمع یاران سخن را بدانجا کشاند که کفت ، در کشور کانادا دو واقعه مهم تاریخی از نظر اهل بھاء سبب سعادت و برکت این کشور شده است .

اول سفر حضرت عبدالبهاء بکانادا ثانی هجرت یاران مهد امرالله بعد از تحولات اخیر ایران سال جاری را محفل مقدس روحانی ملی بهانیان کانادا بمناسبت سالگرد صدمین سال استقرار امر بهانی در کانادا و پنجاهین سال تأسیس محفل روحانی ملی سال فرخنده شمرده و مقرر داشته که انجمن شور روحانی Convention در شهر مونترال که محل موطئ اقدام مرکز میثاق امر بھاء در اسفار تاریخی خود بامریکا قرار گرفته با شکوه فراوان بطور باز با شرکت کثیری از یاران برگزار گردد ، لهذا در باره این دو واقعه مهم تاریخی در این شماره ، عنديليب اگر سختی نوشته آید مناسب حال و مقال است .

اول : سفر بهجت اثر و پر بار و شمر حضرت مولی الوری روحی لعظمة الفداء بامریکا و کانادا مقدمه : حضرت عبدالبهاء که در الواح و آثار جمال مبارک باللقب غصن الله الاعظم ، سرالله الاکرم و بسیاری القاب منیعه دیگر مخاطب و ملقب کشته فرزند ارشد آنحضرت و وصی منصوص و مبین آیات الله و مرکزمیثاق امر بھا در این ظهور امنع اقدس میباشد .

بامريك تشريف ببرند^(۱) و آن حضرت بعد از تأمیل فرمودند :

« خير يكسر ميرويم و توکل بر عون و صون جمال مبارك ميکنيم او حافظ و حارس معنوی است » سرانجام حضرت مولی‌الوری در تاریخ ۲۵ آپریل ۱۹۱۲ با کشتنی سدریک به مقصد امریک از بندر پورتسعید حرکت فرمودند . در ناپل ایطالیا کشتنی توقف نموده و چند تن از یاران امریک و نیز آقا و خانم و دکاک و دخترشان از کانادا به ناپل وارد و بشرف لقا فائز کشتند .

روز ۱۱ اپریل ۱۹۱۲ شهر نیویورک بقدوم مرکز میثاق نیز آفاق متباهی و مفتخر کشت و سپس بدینه میثاق ملقب کردید .^(۲)

چون خبر سفر حضرت عبدالبهاء بارویا باکاهی یاران امریک رسید بعضی بحضور شتافته و بشرف لقا فائز و مستدعیات احبابی امریک را مبنی بر قبول سفر بآن صفحات کرارا معروض می داشتند ، و هیکل اطهر از اروپا به مصر مراجعت فرموده و پس از ۵ ماه توقف در آن دیار نظر بتقادهاهی بی شمار احباء و مجامع صلح و کشیشها اراده آن جمال پر انوار به سفر بآن خطه و دیار به منظور تبلیغ امر ملیک مختار و نشر نفحات الهیه و اعلاء کلمة الله، بیاران امریک ابلاغ گردید . قبل از حرکت از مصر بعضی از دوستان الهی بلحاظ آسایش مبارک رجا نمودند که آنحضرت از راه خشکی تا بریتانیا سفر نموده و از آنجا با کشتنی تیتانیک که بزرگترین کشتنی جهان در آن زمان بوده



اطاق اسراحت حضرت عبدالبهاء در منزل ماکیول

چون از کوه پانین آمدند هریک بطريقی رفت و دیگر
برنگشت اینست که اینگونه آثارها را یادکار
گذارند . . . ”

اول سپتامبر ۱۹۱۲

در آن روز فیروز آن جمال دل افروز
بکلیسا موحدین بر حسب دعوت تشریف بردند در
جلوی درب کلیسا کشیشی بانتظار تشریف فرمانی
مبارک بود لذا در نهایت ادب بازوی مبارک را گرفته و
با تعظیم و احترام تا محراب کلیسا روی کرسی که
مخصوص اسقف بود برد ، و خود نیز آیاتی از کتاب
اشعیا را که بتلویح اشاراتی به حضور دلب شرق دارد
تلاؤت وسیس درمورد معرفی هیکل اطهر چنین گفت:
” امروز مفترخیم بحضور پیغمبر صلحی که پیام او
پیامی است الهی ، خداوند او را برای ازاله جنگ و
جدال مبعوث فرموده لقايش در این کلیسا سبب
افتخار ابدی و تحقق امید و دعاهاي ناس از قیود
تقالید است و ارتفاع علم وحدت عالم انسانی ، هیکل
رافت و صاحب بناء عظیم و ملهم افکار جدید و
مؤسس این قرن عظیم است . اگرچه سالها زجر و ام
کشیده و بلایای شدیده دیده ولی قوه روحانیش مانند
آب جاری ، اگر جسدشان بارها صدمه دیده ولی
روحشان جانبخش و غیر مصلوب است چون زحمات
سفر صحرا را تحمل فرموده تا باین ممالک تشریف
آورده اند لهذا از صمیم قلب خوش آمد و شکر تعالیم
ایشان را میگوئیم که سبب انتعاش قلوب است . و مایه
برکت و سعادت ابدی و حال حاضر ، عبدالبهاء بلسان
خود با شما صحبت می کنند . سپس آن حضرت بالای
صحنه کلیسا تشریف برد و خطابه ای غراء ایراد

سفر حضرت عبدالبهاء به کانادا

صبح روز ۲۰ اگست ۱۹۱۲ طلعت میثاق عزم سفر
بکانادا فرموده و قبل از نیمه شب به شهر مونترال وارد
و در ایستگاه راه آهن مستر ماکسول افتخار شرفیابی
حاصل نمود و با دو کالسکه که حاضر نموده بود
حضرت عبدالبهاء و ملتزمین حضور را بخانه خود برد .
۲۱ اگست :

صبح آنروز کشیش کلیسا موحدین مشرف
شد و طلعت میثاق بیاناتی در باره اوهام و تقالید
مذهبی که منافی علم و عقل است ایراد فرمودند . در
سر میز نهار ، مستر ماکسول وارد و عرض کرد در
اداره کمرگ اولین چندانی که مأمور باز نمود چشمش
بعکس مبارک افتاد و کفت این عکس پیغمبر ایرانی
است ، کفتم بیل ، کفت دیگر تفتیش لازم نیست .
عصر آنروز بنا بخواهش مستر ماکسول برای گردش
در شهر با کالسکه حرکت فرمودند ، در جلو کلیسا
نووتردام (کلیسا کاتولیک ها) پیاده شده بداخل
کلیسا تشریف برد ، تزینیات و مجسمه های داخل
کلیسا بنظر مبارک رسید . بیرون درب کلیسا هنگام
خروج بحضوران فرمودند :

” به بینید یازده نفر حواری چه کردند ، چگونه
جانفشنای نمودند بشما میگوییم که بر اثر قدم آنها مشی
کنید چون انسان منقطع باشد عالمی را منقلب نماید
حواریان مسیح بالای کوه اجتماعی نمودند و با
یکدیگر معاهده کردند که تحمل هر مشتقی بنمایند
و هر مصیبی را موهبت و هر مشکلی را آسان دانند .
هر کس عیال دارد او را آسوده نماید و هر کس ندارد
مجده بماند و راحت و حیات فدا کند . این بود که



قسمت داخل سنت جیمز کتدral

القاء این خطابه روح پرور و مناجات آخر آن روح جدیدی در شنوندگان بخشد و چنان بشور و انجداب آمدند که در آخر جلسه برای عرض اخلاص و خصوص افتخار شرفیابی یافتند . عصر آنروز جمعی از کشیشها و پروفسورها و روزنامه نویسها حضور مبارک رسیده و بیانات الهی را ز ف اطهر بگوش خود شنیدند . قوله العزیز ” چنانچه بسبب مدنیت مادی صنایع ترقی

فرمودند که مطلع آن اینست :

” هوالله ، خداوند عالم جمیع را از تراب خلق فرموده و جمیع را از یک عنصر خلق کرده کل از یک سلاله خلق نمود ، ” الی اخر بیانه العزیز ، این خطابه احلى حاوی مسائل مهمه امری است که در مجموعه خطابات انتشار یافته مطالعه آن با امعان نظر بمنظور امر مهم تبلیغ نهایت ضرورت را دارد . ”

رنیس مجلس بعمل آمد خطابه مبارک در باره اقتصاد و اعتدال و انتظام امور و آسایش جمهور بود .

چهارم سپتامبر :

چون یاران کفتگو در باره مجلس اشتراکیون و قدرت و نفوذ بیان مرکز میثاق می نمودند لذا باحباء حاضر فرمودند :

” عظمت حضرت بهاء الله وقتی معلوم میشود که بموضع عمل و اجراء در آید هنوز از صد یکی اجراء نشده شما حال باید فکرتان این باشد که این تعالیم مبارک را اجراء دارید ”

و سپس باللحاظه ترجمه بعضی از نوشته های جراند فرمودند : ” دیگر تأییدات جمال مبارک است که میرسد و الا اکر پادشاه ایران باینجا می آمد ممکن نبود یکی از این مجالس را مهیا کند . ”

عصر آنروز بگردشگاه عمومی تشریف برده و چون ترجمه بعضی از روزنامه ها که در باره اوصاف مبارک و شرح محافل آنروز عصر نکاشته بودند بلحاظ انور رسید فریاد برآوردند :

» ای بهاء الله بفادیت ، حرفی زده ای که منکر ندارد چه امر عظیمی تأسیس فرموده ای که هر مجمعی را قانع کند ، هر فرقه ای بر عظمتش گواهی دهد در کنائس ارواح را باهتزاز آرد تیاسفیها را هیجان دهد ، روحانیون را روحانیت بخشد . موحدین را بحقیقت توحید آگاه نماید اشتراکیون را راضی و شاکر گرداند مجالس صلح را انبساط و طرب آرد هیچ حریزی جز خضوع مفری نیابد این معجز است این اقوی قوای عالم وجود است این تأیید جمال مبارک است ... »

نموده ، علوم و فنون توسعه یافته همین قسم اسباب حرب و قتال و خونریزی و هدم بنیان انسانی و مشکلات سیاسی نیز اشتداد جسته پس این مدنیت جسمانی بدون قوه معنویه و مدنیت الهیه سبب راحت تمام و آسایش تام نشود بلکه مشکلات بیشتر شود و شدائد ازدیاد یابد . . . ”

دوام سپتامبر :

مستر مکسول مشرف شد و عرض نمود همسایه ما رجا نموده که بخانه او تشریف فرما شوید . حضرت مولی الوری پس از دیدن همسایه ها بهتل تشریف برداشت . سه اطاق کرایه کردند . پس از مراجعت به منزل مستر مکسول جمعی منتظر نزول اجلال مبارک بودند . در جمع حاضران بیاناتی راجع به بعضی از اعتقادات مسیحان از جمله اقرار گناه نزد کشیشها طلب بخشایش از آنها فرمودند که این امروز افراد با شعور را بی دین می کند عصر آنروز جمعی از پروفسورها و روزنامه نویسها و کشیشها مشرف شدند نطق مبارک در جمع حاضران در باره ترقیات مادی و صنایع بود که اینگونه ترقی بدون قوه معنوی سبب آسایش انسان نشود .

سوم سپتامبر :

صبح روز مزبور بعضی از روزنامه ها که حاوی مباحثی راجع به بیانات مبارکه و شرح محفل شب گذشته بود تقدیم حضور مبارک شد و بعد از شرفیابی پروفسورها و کشیشها مجدد بیاناتی در باره روابط انسانیه و صلح عمومی و شرح تعصبات مضره بیان فرموده و در شب نیز به مجمع اشتراکیون تشریف برده و در آنجا علاوه بر احترامات فائقه که از

پنجم سپتامبر :

همچنین حاخام اسرائیلان از شنیدن بیانات مبارکه شور و نشاط عجیبی یافت ، شب هیکل اطهر بکلیسای متودیست تشریف بردند و در آنجا اعلانی در بالای کلیسا ، روشن با نور برق ، نصب شده بود که (پیغمبر شرق امشب دراصل دین بهانی و سعادت، عالم انسانی در این کنیسه صحبت میفرمایند)

چون ترجمه این اعلان بعرض مبارک رسید فرمودند « کم کم مردم ما را با اسم پیغمبری مشهور نمودند

در آنروز کشیش بزرگ شهر مونترال مشرف شد و از استماع نطق مبارک در باره مقصود از ظهور مسیح و مظاهر مقدسه اظهار شکر و ثنا نمود باو فرمودند « امشب در کلیسای متودیست صحبت میکنم اگر میل دارید بیانید »

در همین وقت نویسنده روزنامه تورانتو وارد و از تعالیم و تاریخ امر بتفصیل یادداشت برداشت و



داخل کلیسای سنت جیمز متودیست
St. James Methodist

”بعضی گمان نموده بودند که سلسله انبیاء و فیوضات خدا محدود است و منقطع ، حال ما کمال افتخار را داریم که بگوش خود این تعالیم را شنیدیم از پیغمبری شرقی که جانشین انبیای الهی است و هرگز پیام ایشان را فراموش نخواهیم نمود الحق این تعالیم صلح عمومی و وحدت عالم انسانی و توزیع ثروت باین قانون صحیح اقتصادی و مواسات و تساوی حقوق و لسان عمومی جمیع اساس ترقیات عالم انسانی است .“ بعد قسیس برخاست و گفت ”این اشتباه بزرگی است که بعضی گمان می کنند عالم غرب بکمال رسیده و در شرق تعالیم و فیوضاتی نیست که غرب محتاج بآن نباشد و حال اینکه حضرت عبدالبهاء مطالبی میفرمایند که تا حال آنرا نشنیده و ادراک ننموده ایم“

کاش این اسم را بر میداشتند ” در اطاق کلیسا عده ای قسیسها با نهایت خضوع و ادب مشرف شدند و چون حضرت عبدالبهاء در صحن خطا به جلوس فرمودند کشیش اشارت به برخاستن و تعظیم نمود ، همه ایستادند و نهایت تکریم و احترام را مرعی داشتند ، آنگاه کشیش مطالبی در باره متروک ماندن احکام انجیل و نیاز مغرب زمین بصلاح و سلام و ترغیب حاضران بشنیدن خطابه حضرت مولی الوری بیان نمود ، سپس آن جمال منیر ایستاد و خطابه ای غرزا در عدم انقطاع فیوضات الهیه ایراد فرمود ، آنچنان بیانات مبارکه بر دلها نشست که بعد از اتمام یکی از حاضران که قاضی بود برخاست و چنین گفت :



نمای هتل ویندزور Windsor که حضرت مولی الوری پس از سه روز اقامت در منزل آقا و خانم ماسکول بدانجا تشریف برداشتند .

ششم سپتامبر :

مراجعةت بارض اقدس فرمودند و چون ذکر مراجعت بارض اقدس فرمودند " احباء عرض کردند که شاید بر سر هیکل مبارک در عکا رحمت ایجاد شود فرمودند : " خیر آن دستگاه پیچیده شد و آن اساس بهم خورد " :

روز وداع

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران
کاز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
حضرت عبدالبهاء مخارج یک هفته اقامت در هتل را که هفتتصد دلار معادل هفتتصد تومان بود پرداختند و در آن حین بعرض مبارک رسید که مدیر کمرک کفته اسبابی که تعلق باهل بهاء دارد تفتیش لازم ندارد . لذا حضرت عبدالبهاء شرحی جامع در باره امانت و صدق بیان فرمودند و ساعت ۹ صبح شهر مونترال را بقصد حرکت به بافلو ترک کردند در ایستگاه راه آهن توراتتو بعلت تعویض ترن توقف فرموده و هنگام مشی اظهار خستگی میفرمودند که هنوز راهی طی نشده خسته شده ایم ، زیرا قصد مبارک از مراجعت بامریکا ، ادامه سفر بکالیفرنیا بود که راهی طولانی و با ترن های بطنی السیر آنروز مسلمًا پرزمخت و خستگی آور بوده است .

خاصه هیکل لطیفی که سالهای بسیار در دوران استبداد ، ایام حیات را در زندان آنهم در اخرب نقاط جهان گذرانده و صدمات و بلیات لاتحصی از خویش و بنگایه در سبیل امر ملیک ملکوت جلال قبول و تحمل فرموده است ، مدت توقف آنحضرت در ایستگاه توراتتو حدود دو ساعت بوده است .

صبح باطاق خدام تشریف فرما شده و چشم مبارک بانبار جراندی افتاد که احباء برای ارسال به مجتمع شرق تهیه نموده بودند فرمودند " چه کرده اید اینهمه جراند برای چیست ؟ عرض نمودند که اینها نمونه ای از قیام و قدرت و نفوذ امر مبارک است .

آنروز حضرت مولی الوری قصد عزیمت داشتند و بعلت سرماخوردگی و زکام چند روز حرکت مبارک بتأخیر افتاد و از آنروز به بعد جز منزل مستر و مسیس مکسول بجایی دیگر تشریف نبردند .

در آنروز مسیس مکسول عرض نمود وقتی در عکا مشرف بودم از داشتن اولاد بکلی مأیوس بودم الحمد لله که رجای من و دعای مبارک در روضه مبارک مستجاب شد ، بسیار در باره او و طفلش اظهار عنایت فرموده و فرمودند " منزلی که طفل ندارد مثل اینست که چراغ ندارد " (۲)

هفتم سپتامبر :

در جمع نفوسى که در هتل گرد آمده بودند مطالبی در باره فصول اربعه و مقایسه آن با بهار الهی که هنگام ظهور مظاهر رحمانی است فرموده و در عصر آنروز بیانات حضرت مو الوری در باره وحدت اصول ادیان الهی و علت تجدید آن بود .

هشتم سپتامبر :

بیانات مبارکه تماما در باره وصایا و نصایح و مواعظ الهیه و وداع با یاران بود فرمودند که " من تخمی افشارندم شما باید آنرا آبیاری کنید نفوس را باداب الهی تریت نمایید روحانی کنید ، بوحدت عالم انسانی و خدمت بصلح عمومی دلالت نمایید " در آنروز راجع بایام سجن سخن فرمودند و چون ذکر

دلیل گرفته و روانه زندانهای مخوف نمودند و بسیاری از آنان را بعد از شکنجه های گوناگون کشتند و اموال و املاکشان را مصادره و تصاحب نمودند و یا بتاراج بردنند .

هرچند بهائیان بلا را در سبیل خدا عین عطا دانند و سبب رستگاری ابدی شمرند ولی نباید از نظر دور داشت که قبول زجر و عذاب و تحمل شکنجه و زندان بسیار سخت و ناگوار است ، اعتقاد راسخ و ایمان کامل خواهد و صبر و استقامت و تسليم و رضا طلبید . انبیای الهی و مقربان در کاه کبریانی در هر دور و زمان گرفتار معاندان نادان شده و تحمل بلایای لاتحصی نمودند .

بهر حال انقلاب اخیر ایران که از چشمہ زلال رحمة للعالین جاری شده بود بر خلاف آنچه تصور میرفت باز بهائیان دچار ظلم وعدوان گشتند . بد اندیشان جفا کار تنها بقتل و آزار و مصادره اموال ، و املاک اکتفا ننموده بکه سلب حقوق انسانی و آزادی را از آنان نموده ، چنانکه جوانان بهائی از تحصیل در دانشگاهها منع شدند و افراد از اخذ گذرنامه رسمی برای سفر محروم گشتند ، بعلوه بهائیان را از ادارات دولتی و ملی اخراج نمودند لذا با توجه باینگونه وقایع مدهشه گروهی تاب مقاومت نیاورده و بقصد ادامه تحصیل و یا حفظ جان خود و خانواده از همه چیز گذشته راهی کشورهای مجاور شده تا بعنوان پناهنه در سایر کشورهای جهان ساکن شوند چون هر روز بر تعداد متقارضیان پناهندگی افزوده میشد

۱ - متسافنه کشتی تیتانیک در دریا باش سانحه غرق شد . احباء بعد از شنیدن این خبر رقت آور جانکداز در عین تأسف و تحسر از غرق کشتی واینکه عده کثیری از مسافران جان خود را از دست داده اند شکر الهی را نیز بجا آورده اند چه که حضرت عبدالبهاء موافقت با پیشنهاد آنان مبنی بر سفر به بریتانیا و حرکت با کشتی مزبور نفرموده بودند .

۲ - شرح مفصل اسفار مبارک حضرت عبدالبهاء در امریکا و علت عدم قبول سفر بآن دیار در مجله عنديلیب سال مقدس ۱۹۹۲ شماره مخصوص عهد و میثاق (۴۳ - ۴۴) نوشته شده ، یاران میتوانند مراجعه نمایند . لذا با توجه به مطلب بالا در این مقال فقط اکتفا بشرح سفر مبارک بکانادا شد .

۳ - طفیل که بدعای حضرت عبدالبهاء حق سبحانه و تعالی به خانم و آقای مکسول عطا فرموده امة البهاء روحیه خانم ایادی امرالله حرم مبارک حضرت ولی محبوب امرالله میباشند که کثرت خدمات و خدمات ایشان در امر الهی سر لوحه و دیباچه کتاب خدمت در این قرن انوار است .

۴ - خانه خانم و آقای مکسول در موتزال که محل نزول اجلال مبارک قرار گرفته طبق فرمان حضرت ولی محبوب امرالله جزو اماکن متبرکه امیریه محسوب شده است .

مأخذ : بداعی الاثار و عبدالبهاء در کانادا .

دوم مسئله پناهندگی و مهاجرت بهائیان ایران بکانادا و سایر ممالک جهان

بعد از انقلاب اخیر ایران ، دگر بار بهائیان مظلوم گرفتار ظلم و جفای مردمان تبه کار شدند دختران معصوم و بیکنایه در عنفوان جوانی به حب محبوب یکتا . جمال ابھی طناب دار بوسیدند و پاکوبان و دست افشار بکوی دوست شتافتند . اعضاء محافل مقدسه روحانیه بهائیان ایران که خیرخواهان عالم انسانی بوده و مطیع قوانین دولت وقت ، بدون هیچگونه خطأ اسیر گشتند و جام شهادت را لاجر عه نوشیدند و برفیق اعلى پیوستند . عده ای از بهائیان را بجرائم شرکت در تشکیلات بهائی و اتهامات کذب و واهی بدون مدرک و

بهر حال اداره مهاجرت کانادا با همکاری جامعه بهائی به منظور حسن انتظام امور برنامه ای، برای اسکان بهائیان در ۱۶۰ شهر و قصبه در استانهای کانادا تنظیم نمود، که سه هزار نفر مطابق برنامه در نقاط مزبور مستقر شدند.

البته باید خدمات و زحمات لجه مُجلّه ملی امور احبابی ایرانی را در آن ایام در انجام امور که شایان تقدیر و فیر است از نظر دور داشت.

چون مدتی بر این منوال گذشت نظر بکثرت افراد مقاضی، امر پناهندگی بهائیان در سایر نقاط جهان نیز مورد توجه قرار گرفت.

در سال ۱۹۸۴ بر طبق پیام منیع معهد اعلی به محافل

و اوضاع بهائیان ایران نیز در آن ایام از لحاظ امنیت جانی و مالی مبهم و نامعلوم بود لذا محفل روحانی ملی بهائیان کانادا، نگرانی خود را از وضع بد موجود و بی سامانی خواستاران پناهندگی با مقامات رسمی و ذی صلاحیت کانادا در میان گذاشت. مسئولان امور بعد از اطلاع بر حقیقت حال، وعده مساعدت و کمک بجامعه بهائی کانادا داده و از آن تاریخ به بعد همکاری شایان توجهی میان جامعه بهائی و اداره مهاجرت کانادا بوجود آمد، تا آنجا که در سال ۱۹۸۱ سخنگوی اداره مهاجرت صریحاً اعلام داشت که برای قبول پناهندگان بهائی ایران حق تقدّم قابل شده اند.



از راست بچپ جناب جو کلارک وزیر امور خارجه کانادا، خانم مونا مُژکانی، جناب رابت کلارک سفیر محترم کانادا، جناب دنس اسکاون دبیر اول وکنسل سفارت کانادا در پاکستان ۱۹ دسامبر ۱۹۸۵

و حوادث ناکوار و مشکلات بی شمار ببار آورده سرانجام تایج مصائب و مشکلات به نفع جامعه بهانی تمام شد و موجب اعلاه و اعتلاء امر بهانی در جهان گشت ، شرح امور کذشته در تاریخ امر بهانی ثبت است تکرار ضرورت ندارد .

بعد از انقلاب اخیر ایران باشر قتل و غارت بهانیان و هجرت و پناهندگی گروهی از آنان ، نتائج و ثمرات و آثاری بظهور رسید که اگر صد یک آن نگاشته شود هر آینه این مقال بصورت کتابی در آید ، ولی بقصد اکمال بنحو اجمال مطالبی ذیلاً نگاشته میشود بعد از جریان اخیر ایران و ظلم و ستم های واردہ باهل بهاء ، روزنامه ها و مجلات و تلویزیونها و رادیوهای جهان به حمایت جامعه ستمدیده ایران پرداخته و دیانت بهانی را ، دیانتی مستقل ، الهی و جهانی بعالم معرفی و تعالیم بهانی را که داروی شفابخش عالم انسان در این دوران تحول جهانیان است منتشر ساخته و هرگز کسی تصور نمی نمود که روزی امر بهانی و تعالیم بدیعه اش باین سرعت بمردمان جهان اعلام کردد . گویا مشیت نافذه الهیه براین امر تعلق کرفته که امر الهی در این عصر دگرگونی ، بجهانیان ابلاغ و بسمع هوشیاران برسد .

با ورود پناهندگان بهانی بشهرها و همکاری و مراوده آنان با احياء ، محافل روحانیه تازه بواسطه تکمیل اعضاء تشکیل شد و بعضی از یاران پناهندگه نیز در نقاط منفرد توطن اختیار کرده ندای جانفرای الهی را بگوش اهالی رساندند .

در امر مهم تبلیغ امرالله و ابلاغ کلمة الله پیشرفت سریع و غیر قابل انکاری تحقق یافت که امر بهانی از مرحله

مقدسه ملیه ، دفتر بین المللی امور پناهندگی در بهانی سنتر کانادا (دفتر محفل ملی) بسرپرستی سرکار خانم مونا مژگانی بنا به پیشنهاد محفل مقدس ملی و تائید بیت العدل اعظم الهی به منظور مجری و هم آهنگ کننده امور پناهندگان در سطح جهان تأسیس شد .

ناکفته معلوم است که زحمات و خدمات تاریخی موقفیت آمیز خانم مونا مژگانی در اسفار متمادی به ۲۷ کشور جهان و ملاقات و مذاکرات پی در پی ایشان با زمامداران کشورها بقصد جلب موافقشان به قبول پناهندگان بهانی تا چه پایه در خور تقدیر و تحسین است . بمحب آمار بیش از ده هزار نفر بهانی بعنوان پناهندگه در اکثر کشورهای آزاد جهان استقرار یافتند که سه هزار نفر از آنان بشرحی که گذشت در کانادا مستقرند .

طرفه حکایتی است بگواهی تاریخ ، در احیان ظهور مظاهر احديه نزول بلايا و رزايا و مهاجرت مقبلان و پیروان بنقاط بعيده همواره سبب ترقی و تعالی و اشتهر امر الهی و علت پیشرفت امر تبلیغ و ابلاغ کلمة الله شده ، خواه ترك وطن و دیار باختیار بوده و یا بحکم اجبار چنانکه در این برهه از زمان نیز قبل از انقلاب اخیر ایران و بعد از آن علاوه بر پناهندگان عده ای از بهانیان راسا تقاضای مهاجرت بساير کشورها نموده و پس از تحصیل موافقت به آنجا رفته و توفیق خدمت یافته اند . بر آکاهان پوشیده نیست که اهل بهاء از بد و ظهور تا حال گرفتار ظلم و ستم اولی البغضا بوده و اگر بعضاً کاه برای مدتی کوتاه آتش عناد در زیر خاکستر پنهان بوده باز در گوش و کنار شعله ور شده

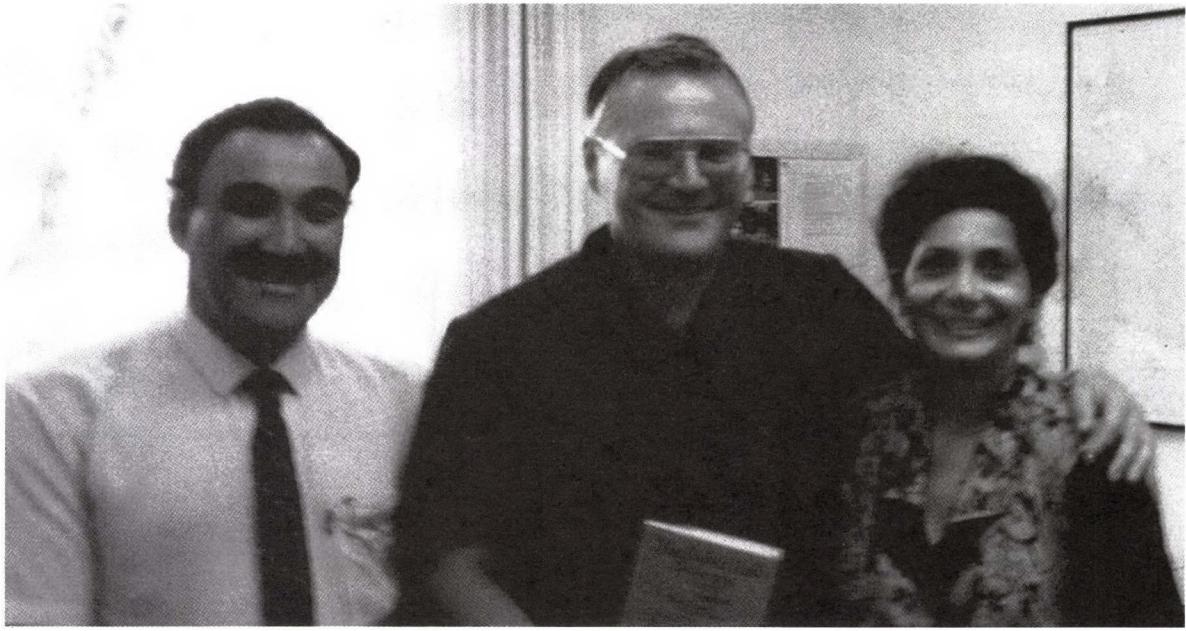
مجهولیت خارج و چنان اشتهری در عالم یافت که اطفال و نوجوانان بهانی که بکشورهای تازه وارد شده بودند در مدارس و دانشگاهها بادامه تحصیل پرداخته محیر العقول بود.



اولین گروه پناهندگان بهائی ایران در راول پنڈی پاکستان می ۱۹۸۲



پیک نیک در پارک اسلامبول با گروه بهائیان پناهندہ ایرانی جون ۱۹۸۲



از راست بچپ - خانم مونا مژکانی ، جناب دانلد مگیل ری دبیر اول و
کنسول کانادا در پاکستان و آقای کامران کریمیان

دیگر شدند ، لذا عده زیادی از اطباء مزبور با گذراندن امتحان و یا ادامه تحصیل در کشور مقیم بشغل شریف طبابت مشغول گشته و تعدادی با مطالعه و مذاکره دفتر بین المللی بهائی با مقامات رسمی بزریل بدان کشور رفته و موقیت های شایان توجهی از نظر خدمت بردم در امور درمانی و تبلیغ امراللهی بدست آورده‌ند. شرح تفصیلی خدمات آموزشی جامعه بهائی ایرانی در ممالک مختلفه خود داستانی است شنیدنی که این گفتار را گنجایش آن نیست .

بهر حال در سال ۱۹۹۱ طبق پیام منع معهد اعلیٰ موضوع پناهندگی صورتی دیگر یافت و دفتر پناهندگی بین المللی بهائی در کانادا تعطیل شد .

با تقدیم تحيات بهائی

و امروز اکثر آنان جوانانی مطلع و بصیر و دانشمند میباشند که خدماتشان در امراللهی و دنیوی چشمگیر است .

خانواده‌ها و جوانان بهائی بعد از مدتی اقامت، مسافرت بنقطه دیگر جهان نموده و به کشورهایی که از نظر امری نیاز به مهاجر داشته اند رفته و بخدمت مشغول شده اند .

بسیاری از جوانان بهائی در تعطیلات مدارس و دانشگاه به‌قصد تشویق و تبلیغ بکشورهای دیگر سفر نموده و موفقیت های شایان توجهی بدست، آورده اند با وجود آنکه زندگانی آنان با خانواده راحت بوده و از آسایش کامل برخوردار بوده اند .

بعد از انقلاب اخیر ایران با الغاء پروانه طبابت دکتر های بهائی بسیاری از آنان راهی کشورهای

جلال الدین رومی

بهار

جلوه گلشن به باغ همچو نگاران رسید
شاخ گل سرخ را وقت تشاران رسید
لطف خدا یار شد ، دولت یاران رسید
معطی صاحب عمل سیم شماران رسید
همچو گل خوش کنار وقت کناران رسید
زرگر بخشایشش و امکزاران رسید
خوف تشاران گذشت ، مشک تشاران رسید
آمد میرشکار صید شکاران رسید
بلبل سرمست ما بهر خماران رسید
اصل طربها بزاد ، شیره فشاران رسید
از ره جان ساقی خوب عذاران رسید

دی شد و بهمن گذشت ، فصل بهاران رسید
زحمت سرما و دود رفت به کور و کبود
باغ زسرما بکاست ، شد ز خدا داد خواست
آمد خورشید ما باز به برج حمل
طالب و مطلوب را ، عاشق و معشوق را
بر مثل ، وامدار جمله به زندان بُند
جمله صحراء دشت پرزشکوفه است و کشت
هر چه بمردنده پار حشر شدند از بهار
آن کل شیرین لقا شکر کند از خدا
وقتنشاط است و جام ، خواب‌کنون شد حرام
جام من از اندرون باده من موج خون

حرام بی ته بی آله و کل

حرام بی ته بی آواز بلبل

حرام بی اگر بی ته نشینم

کشم در پای گلبن ساغر کل

آله کوهسارانم تویی یار

بنفسه جو کنارانم تویی یار

آله کوهساران هفتة بی

امید روزگارانم تویی یار

هزاران لاه و کل در جهان بی

همه زیبا بچشم دیگران بی

آله مو به زیبایی در این باغ

سرافراز همه آلایان بی

بابا طاهر عربان

بهار

بهار آیو بهر شاخی کل بی
بهر لاه هزاران بلبلی بی
به هر مرزی نیارم پا نهادن
سبو کز مو برسوز دلی بی

بی ته گلشن بچشم گلخن آیو
واته گلخن بچشم گلشن آیو
گلم ته گلبنم ته گلشنم ته
که واته مرده را جان برتن آیو

ویران کرده بودند نامه محکم و صریحی از طرف محفل روحانی به دادستانی نوشته بود که حتی مرده‌ها هم در امان نیستند و این بیان حضرت بهاء الله "ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نماید که قسم یاد نموده ام از ظلم احدي نگذرم . . ." مذکور داشته که بعد از رسیدن این نامه بدست آنها مدت یک هفته او را زندان کردند بعد از آزادی محفل صلاح دانست که او از زاهدان برود سفری به شیراز و سایر شهرهای دیگر بسرکشی دوستان رنج کشیده و دربر رفت وقتی شنید که برادرش فرید شرخ در طهران زندانی شده و در تعقیب او هستند بطهران رفت و خود را معرفی کرد چند سال در زندان طهران و زاهدان بود اینقدر بزندانیان محبت کرده بود که همه شیفته اخلاق و رفتار او بودند هروقت ما بملقاتش میرفیم از پشت شیشه‌های ضخیم و با گوشی تلفن صحبت میکرد و صدای قهقهه اش بلند بود . شش ماه قبل از شهادتش خبر داشت که حکم اعدامش صادر شده وصیت نامه اش را تنظیم کرده بود در یک ملاقات من به او گفتم فدرس جان تو اگر قبل از پاسخی نباشی شهید نمیشوی گفت من قبل از پاسخی هستم گفتم بخارط بچه‌های کوچکت ، گفت آنها را بخدا می‌سپارم .

اینک چند قطعه شعری از هم بندهای او که در شهادتش اعتصاب کردند درب و شیشه‌ها را شکستند و فدرس را صدا میزدند که حاکم شرع حاجی آفای قربانی آنها را تهدید کرده بود تا ساكت شوند . ذیلاً

درج می‌گردد :

انقطاع و استقامت

احتراماً این ذرّة فانیه مزین موقن (آزاده) اخیراً از ایران به این نقطه آمده ام ، چندی قبل یکی از شماره‌های مجله عدلیب سالهای قبل را که شرح شهادت فدرس عزیز در آن چاپ شده بود مطالعه می‌کردم نظر باینکه از دوران کودکی او را میشناختم و در زندان زاهدان هم چند مرتبه به ملاقات او رفتم میخواستم چند سطری از مشاهدات خود را در اواخر ایام حیات آن شهید مجید و روحیه شاد و خوشحال او و هم شعرهای شعرای بهانی و غیر بهانی که در شهادتش سروده بودند بنگارم گرچه قلم نارسای این فانیه از آنهمه شجاعت و استقامت آن نفس نفیس عاجز است ، اوایل انقلاب بود و او در کنار خیابان جلو چاپخانه اش ایستاده بود و شاگردش بنام (طاهر) مشغول جمع آوری کاغذها و وسائل شخصی آن شهید مجید بود ، فدرس عزیز گفت اینهمه ماشینهای چاپ که بیش از صد میلیون ارزش دارد و وسائل بیشمار دیگری که نمیتوان شماره کرد در این چاپخانه موجود است و من جمع نمیکنم این بیچاره نگران چند برگ کاغذ و مداد است . بعد اضافه کرد که چاپخانه وماشینهای چاپ را صد میلیون نقد میخیریدند که وجه آنرا در آمریکا تحويل دهند و من قبول نکردم چون این باعث میشد که برای سایر دوستان مزاحمت ایجاد شود . به او گفتم ممکن است اینها را مصادره کنند گفت اهمیت ندارد . او منشی محفل روحانی زاهدان بود در موقعی که کلستان جاوید زاهدان را

براه مردمان کردن فدا جان
 که تا صافی کنی مرآت جانان
 براه حق نهادی جان و سر را
 که تا بینا کنی جان و بصر را
 الا فدرُس که با خونت نوشته
 که دینت حق و آئینت بهشتی
 که امر حق بود زیشان پدیدار
 بسی خفته ازاین خون کشته بیدار
 ز خمر عاشقی مدهوش گشتند
 چو رأی بیدلان بیهوش گشتند
 براه حق بیازند جان و تن را
 ز بهر امر حق گویند سخن را
 بهر کوی و بیابان خانه خانه
 نویسند نام ابھی را نشانه
 ندای حق انا الحق را به فریاد
 همی گویند اندر گوش شداد



زندانیان غیر بهائی این شعر را سروده بودند
 زندان شهربانی زاهدان ۶۵/۲/۲۰

یاد آور شبرخ

عقربکهای ساعت زنگ نیمه شب را نواخت
 وقتی که جغد سیاه سکوت شب را شکافت
 دردم سپیده ای صبح کاذبی دمید
 دست نا امید صبح شبرخ ما را شناخت
 جغد عفریته مرگ ، پرده های سرخ درید
 قلبی بی فرهنگ سرخی لاه ای دید
 شاهین عدل الله با همه تیز پری
 بر رخ شب نشست ، بسکه بیهوده پرید
 آدم ، ای آدم صبح صادق ندمید
 شفق سرخ شما ، رنگ سرخش را ندید
 بهر پویانی دین ، بهر اثبات یقین
 شبرخ آزاده سوی آزادی پرید .

آقای مهرداد میثاقی محصل کلاس ۱۲ سراوان
 شعری سروده اند که ذیلاً چند بیت آن نقل میگردد .
 الا ای عاشق شوریده حالت
 که عشقت میکند بر حق دلالت
 ندای عشق دادی در شب تار
 ندای تو شفای هر چه بیمار
 درفش وحدت ایمان کشیدی
 دراین میدان جانبازی چه دیدی
 شهادت جای جای سربلندی است
 که جای فرد خاص و ارجمندی است

اسکیموها

« اگر همتی نمائید که در میان اسکیموها نفحات الهی منتشر شود تأثیر شدید دارد ، خدا در قرآن عظیم میفرماید : « و اشرق الارض بنور ربها » یعنی زمین بنور خدا روشن می شود آن نور توحید است ، لا اله الا الله مملکت و جزائر اسکیموها نیز از قطعات ارض است باید از هدایت کبری بهره مند گردد و عليکم و عليکن التحیته و الثناء ع ع »

چشمانی تنگ و گونه های برآمده میباشند . موهایشان سیاه پر کلانی و پوست آنها بین قهوه ای کمرنگ و پر رنگ تغییر مینماید . دارای بدنهای قوی و اکثرا تنومندی میباشند . مردهای ایشان بسیار عضلانی و در اکثر موارد صورتهای آنها بی مو میباشد .

با داشتن منطقه مسکونی ۱۵۰ کیلومتر، اسکیموها دارای کسترده ترین ناحیه جغرافیانی نسبت به دیگر اهالی بومی میباشند و پراکنده ترین نژاد روی زمین اند . اسکیموها اصولاً مناطق جغرافیانی ذیل را در بر میگیرند .

۱ - اسکیموهای گرین لند : در نواحی جنی گرین لند ساکنند و دارای دو کروه می باشند یکی از ساکنین سواحل غربی متمند بوده و گرین لندرز Green Landers نامیده می شوند .

۲ - اسکیموهای مرکزی : شامل

الف - اسمیت ساند Smith Sound در گرین لند شمالی ب - جزیره بافین Baffin Island شمالی و شرقی .
ج - ساکنین خلیج هادسون غربی Hudson Bay

اسکیموها مهاجرینی میباشند که از آسیا به سواحل شمالی قاره امریکا و جزائر منجمد شمالی ، شمال کانادا ، سواحل غربی ، گرین لند و نقاط نهانی نواحی شمال شرق آسیا کوچ کرده اند .

اصل و مبدأ شکل و قیافه (ترکیب بدنی) دسته

بندي ناحيه اي اسکیموها

اسکیموها عضو شاخه ای از نژاد مغولهای قطب شمال میباشند . نام اسکیمو معنی خامخوارها میباشد و در ابتدا به اسکیموهای شمال امریکا توسط سرخپوستهای الگان کوئین Algonquin Indians اطلاق می شد . اسکیموها خود را اینوئیت Inuit مینامند که به معنی " بشر " یا " مردمان " میباشد . نام اسکیموهای سیبری یوئیت Yuit میباشد .

Funk & Wagnall مشخص نمیکند که چه کسی این نام را به آنها داده است ، قد اسکیموها بین ۱۵۷ و ۱۶۸ سانتیمتر میباشد و دارای صورت های پهن و گرد با

صحبت می کنند . زبان آنها مانند زبان سرخپوستان امریکا از نوع زبانهای چند ترکیبی یا آمیخته Polysynthetic که چند قسمت یک جمله (مانند فعل ، اسم و صفت) را با هم به صورت یک کلمه ترکیب میکنند . در زندگی روزمره یک اسکیمو باید بیش از ۱۰۰۰ لغت استفاده کند . به دلیل اینکه زبان اسکیمو یکی از سخت ترین و پیچیده ترین زبانهای دنیا میباشد سیاحان و یا تاجران انگشت شماری موفق بیادگیری آن شده اند . و در نتیجه برای مکالمه از یک زبان مرکب از لغات گرفته شده از زبانهای مختلفه مثل اسکیمو ، دانمارکی ، انگلیسی ، اسپانیولی و هارایی استفاده کرده اند .

Fold نمونه های زیادی این ادبیات محلی (یامی) Literature اسکیموها وجود دارد (اکثرا از گرین لند) و چند نفر از نویسندها و شاعران گرین لندی به زبان اسکیمو کتاب نوشته اند . اساطیر اصلی ملی اسکیموها در جزیره بافین و در لابرادور جمع آوری شده اند . آداب و رسوم اسکیموها مانند زبان آنها و با وجود پراکندگی آنها بسیار یکسان است .

یک همسری رسم معمولی اکثر اسکیموهاست ولی داشتن بیش از یک همسر در بین آنها قدغن نیست و در بین زنان و مردان هر دو دیده میشود .

غذای اسکیموها اصولاً ماهی ، خوک آبی ، نهنگ و پستانداران دریانی مشابه دیگر میباشد که گوشت آنها به صورت پخته ، خشک یا یخ زده مصرف می شود . خوک آبی قسمت اصلی غذای زمستانی و با ارزش ترین کالای آنها میباشد که از آن غذای سگ ، پوشک و

Southampton Island د - ساکنین بوتیا پینینسیولا h - گروهی از جزیره ساتهمپتون ۲ - اسکیموهای لابرادور : در طول ساحل مقابل نیوفانلند تا خلیج هادسون و در قسمتی از سواحل جنوبی جزیره بافین زندگی می کنند . ۴ - اسکیموهای جزایر ساحلی Banks Island که شامل اسکیموهای جزیره ویکتوریا و اطراف خلیج کورونیشن کلف میباشند . ۵ - اسکیموهای رودخانه مک کنزی که در دهانه رود مک کنزی در سواحل جزیره هرشل Herschel می باشند . ۶ - اسکیموهای آلاسکا که در مناطق اصلی آلاسکا زندگی می کنند . ۷ - اسکیموهای سیبری در نواحی نزدیک به دماغه شرقی ساکن می باشند .

اسکیموها مردم بومی شمال امریکا می باشند و بعضی از اولین مناطق مسکونی آنها به ۸۰۰۰ سال پیش بر Anthropologists میگردد و اکثر مردم شناسان معتقدند که آنها از آسیا به صورت تدریجی از طریق تنگه بربنگ Bering Strait [نام آبهایی است که بین امریکا و آسیا در نواحی نزدیک به قطب شمال قرار دارد] به شمال قاره آمریکا کوچ کردند . اسکیموها بعد از سرخپوستان امریکانی به دنیای جدید کوچ کرده اند و به نظر میرسد که قبل از قرن دهم به گرین لند رسیده اند .

زبان و فرهنگ :

با وجودی که اسکیموها در چنان مناطق کسترده ای پراکنده میباشند (با جمعیتی حدود ۲۵۰۰ تا ۲۸۰۰ نفر) تمام آنها به یک زبان واحد

های موقت زمستانی از مکعب های یخی روی هم گذاشته میسازند که به شکل نیمکره و تا اندازه ای شبیه کندوی عسل می باشد . این نوع خانه های یخی محل مسکونی دانشی اسکیموهای جزانر مرکزی می باشند . در گرین لند فقط اسکیموهای اسمیت ساند (حدود ۲۰۰ نفر) بطرز ساختن خانه های یخی آشنا هستند و هنر آن در آلاسکا استفاده نشده است . طریق اصلی رفت و آمد اسکیموها قایق یک نفره یا دو نفره کایک Kayak قایقهای پهن و تخت یومییک Umiak و سورتمه های سگی می باشد . قایق اسکیموها ، کایک ، کرجی پارونی است که توسط مردان استفاده میکردد و دارای طول حدود ۴/۵ متر و پهنای میانی حدود ۴۰ سانتیمتر میباشد و تمام آن بوسیله پوست خوک دریانی پوشیده شده است بغیر از قسمت میانی آن که حفره ای گرد برای نشستن تنها سرنشین آن دارد . پوست دور این حفره توسط اسکیموهای کرین لند و آلاسکا طوری ساخته شده که میتوان آنرا دور سرنشین محکم کرد و قایق را کاملاً آب بندی Waterproof کرد . این قایق توسط یک پاروی دو طرفه حرکت می کند . بندرت این قایقها برای دو نفر هم ساخته می شود . قایقهای پهن و باز یومییک که فقط توسط زنان استفاده میشود و طول در حدود ۱۰ متر و پهنای در حدود ۲/۵ متر دارد ، از اسکلت چوبی که توسط پوست شیرماهی Walrus پوشیده شده ساخته شده است . این قایق قادر بحمل چندین نفر و وسائل آنها می باشد .

سورتمه که توسط سگها کشیده میشود بوسیله تمام اسکیموها بغیر از اسکیموهای جنوب غربی کرین لند

مواد لازم برای قایق سازی ، خیمه سازی و زوبین خاردار Harpoon Lines و همچنین سوخت برای کرما و چراغ استفاده می کنند . اسکیموهای داخلی و مرکزی آلاسکا و کانادا در تابستان گوزن شمالی Caribou شکار می کنند و از پوست آن پوشال فراهم می کنند . به مقدار کمتری شکار خرس قطبی ، رویاه ، خرکوش صحرانی و پرندگان قطبی مخصوصاً مرغان دریانی جزو شکار آنها میباشد .

مردان و زنان اسکیمو هر دو یکنوع لباس میپوشند که شامل پوتین ، شلوار و یک ژاکت تنگ و چسبان با یک کلاه چسبیده به آن که همه از پوست و پشم دوخته شده اند . کلاه ژاکت ها بصورت کیسه راحتی در میآید که زنان شیرده بچه های خود را در آن به پشت خود حمل می کنند .

خانه و وسائل حمل و نقل :

ایکلوها Igloos یا خانه اسکیموها از دو نوع میباشند :

۱ - خیمه تابستانی ۲ - خانه زمستانی

خیمه ها یا توپک ها Tupeks از پوست خوک دریانی یا پوست گراز ماهی ساخته شده اند . خانه های زمستانی وابسته به محل آنها بطور قابل ملاحظه ای با یکدیگر متفاوت می باشند و معمولاً از سنگ ساخته میشوند که اسکلت آنها با چوب یا استخوان نهنگ می باشد و روی آنها را با علف یا خزه می پوشانند ورودی به خانه های زمستانی یک دالان باریک و دراز میباشد که فقط یک نفر با خزیدن روی دستها و زانوها قادر به گذشتن از آنها می باشد . در برخی نواحی مثل شمال آلاسکا کلبه ها نیمه زیرزمینی می باشد . بعضی از اسکیموها هنگام سفرهای طولانی خانه

همچنین اکثر اسکیموهای لابرادور و جنوب الاسکا بدیانت مسیحی کرده اند.

هنر و کارهای دستی اسکیموها :

هنرهای دستی اسکیموها شامل کنده کاری و خیاطی می باشد . عاج شیرماهی و نهنگ که بیشتر از هر ماده دیگر قابل دسترس میباشد . برای کنده کاری استفاده میشود . اینها را بصورت پیکرهای کوچک حیوانات و انسان و یا بصورت دسته ، دستگیره و یا دیگر قسمتهای تزئینی ابزار و اسلحه کنده کاری می کنند . چوب و استخوان نهنگ را برای ساختن نقاب برای مجالس مختلف کنده کاری می کنند که بعضی از آنها باندازه ای کوچک می باشد که زنها آنها را برای مراسم های رقص و پرستش بر سر انگشتان خود استفاده می کنند . زنان برای دوختن لباس و لحاف بطرحهای مختلف از خرها و پوست پرندگان رنگارنگ بصورت تکه دوزی استفاده می کنند . منجوق کاری بصورت طرحهای هندسی سنتی اسکیمونی اخیرا (در اوائل قرن بیستم) بعنوان نوعی دیگر از تزئین لباس بکار برده شده است . امروزه اسکیموها اکثرا کارهای دستی خود را میفروشند و خودشان از ابزار و البسه کارخانه ای استفاده مینمایند .

فرهنگ اصیل اسکیموها را میتوان نمونه موفق و برجسته ای از تطبیق کردن به آب و هوای سرد ساحلی از طریق مهارت‌های کامل و پیشرفته در شکار و ماهیگیری بشمار برد .

توضیح :

اطلاعات مذکور در این مقاله از نظر تبلیغ امرالله میان قبایل اسکیموها با توجه به نقشه منیعه چهار ساله نهایت اهمیت را دارد . عندلیب

استفاده میشود . در مناطقی که آهن توسط فروشنده‌گان سیار سفید پوست یافت میشود تا اندازه زیادی آهن جای عاج و استخوان نهنگ را گرفته است .

سیستم جامعه اسکیمو و عقاید مذهبی آنها :

جامعه های اسکیمو دارای یک سیستم کمونیستی ابتدائی است که در آن فقط مواد خام مانند وسائل تفریحی و ماهی جزو وسائل عمومی محسوب گردیده در صورتی که محصولات کارخانهای مانند وسائل شکار و ماهیگیری ، ظروف خانگی و البسه جزو وسائل شخصی شمرده میشود . اسکیموها هیچ پادشاه یاری‌سی ندارند و دارای هیچ سیستم تشکیلاتی قبیله‌ای Tribal Organization ، قوای ارتش یا نیروی پلیسی و زندان نمی باشند . تنها صورت مجازات در میان آنها طرد از جامعه Social Ostracism و یا مرگ است . اما اینها تنها در موارد خیلی شدید و بعد از مذاکرات طولانی در یک قبیله اجراء می گردد .

مذهب بومی اسکیموها یک صورتی از کاهنیت Schamanism میباشد و بر طبق این عقیده تمام موجودات چه جاندار و چه بی جان ، دارای روح می باشند . تمام پدیده ها توسط یک یا چند روح بوجود می آیند . ارواح تحت تأثیر هیچ دعانی واقع نمیشوند بلکه بوسیله طلس و جادو کنترل می شوند .

یک روح به حالت عادی نه خوب و نه بد است بلکه فقط وسیله ای است برای ظاهر شدن خوبی و بدی کسانی که آنها را کنترل مینمایند . تحت کنترل در آوردن ارواح شغل رسمی کاهنان اسکیمو می باشد اما هرکسی با یک دوا یا طلس میتواند ارواح را کنترل کند . حدود ۲۲۰۰۰ اسکیموی مقیم کرین لند و

از جا ب هر شنید فتح عطشم

مطرب عشق

مطرب عشق چوار شوق بز در حمبه چنگ
جان بر قص آن مدار آن نغمه و شور و آهند
گل عذاری که همان بود بخلو گمک راز
پرده برواشت خسار و زود از دل نگ
گلشان جان شد از آن طرف نظر بخانگ
دیده گمبو د که میند بجهان صورت خوش
آن که از حوصله کون ممکان بسیرون بود
سحر او بین که چینین خمیه بز دو دل تگ
موی شکین پو بر آن عارض چون مرشد
نور باطنست دیگور بیفتاد بچنگ
حاسدان از پی آزار و عذاب ش بی تاب
عاشقان در راه جان باختش پی هنگ
ای فرمادن در وادی حریرت بر خیز
کاروان میر و ذار پیش مکن صبر و دنگ
محتب را تو برا بر مشمرا بمن مت
اور نمیگش بر این شیشه و من شیشه بگ
نمایید ممکن ابی یشخ که در روز حساب
نه توئی رومی رومی نه نمی زنگی زنگ
«آوت ۱۹۹۳»

کامران زمانیان

بعدا ظاهر گردد . . . ” ترجمه: حضرت بهاء الله ص ۲۵ و همچنین می فرمایند : (نص فارسی / عربی در دسترس نبود .

The well - being of mankind , it, peace and security are unattainable unless and until it unity is firmly established

یکی از وسایل مهمه ایجاد اتحاد و یگانگی امم و ملل ، تبادل اطلاعات در زمینه های مختلف علمی و صنعتی ، اقتصادی ، اجتماعی و حتی درک و فهم فرهنگ و آداب و رسوم یکدیگر می باشد که فقط بوسیله یک سیستم ارتباطی جهانی که خارج از دایره منفعت طلبی دولتی و تجاری باشد واقع پذیر است . اینترنت یک چنین پدیده نوینی است .

تاریخ اینترنت :

پایه مقدماتی اینترنت در سال ۱۹۶۹ میلادی بوسیله وزارت دفاع امریکا با همکاری با یک گروه تحقیقاتی داخلی گذاشته شد . مبحث تحقیق ارتباطات کامپیوتری ” Digital Comunication ” با توجه به اختلال جنگ سلاحی اتفاقی بین شرق و غرب بود . در آن زمان تنها سیستم ارتباطی کشوری و دنیوی سیستم و خطهای تلفن بود که کامپیوتر و مدارهای مخابراتی را به هم وصل می کرد . این سیستم که هنوز مورد استفاده همه ما است . یک نقص کلی در طراحی و نقشه اولیه اش داشت که مبنی بر لزوم قطعی تلفن خانه های محلی برای مرتبط کردن خطوط تلفن بود . بدین صورت که اگر یکی از این تلفنخانه ها

اینترنت

Internet

یک انقلاب ارتباطی بین المللی :

” اینترنت ” که به مثال یک سیستم شبکه ای ارتباطی بین کامپیوترهای مختلف در سراسر شهرها کشورها و قاره هاست . در مدت بسیار کوتاهی که متجاوز از ده سال نمی شود دنیای ارتباطی مخابراتی، اقتصادی ، اجتماعی و علمی را زیر سلطه غالب خود کرفته و اثر و نفوذ عجیب و حیرت انگیزی از لحاظ سرعت پخش اطلاعات درسراسر کرده زمین داشته و خواهد داشت .

اهل بها با کمی تفکر و تحقق در آثار حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلی ملتفت نیروی محرك پدید آورنده این انقلاب ارتباطی دنیوی خواهند شد و شهادت خواهند داد که پیش آورنده مقام این اختراقات و پیشرفت‌های علمی به جز انعکاسی از شعاع پر قدرت و نافذ روح القدس در مرآت روح و قلب بشری نیست همانطور که می فرمایند :

” . . . ویستشرق هذالاسم على كُلِّ ما يكون و تظہر منه الصنایع باسباب الملک . . . كل ما تشهدون ظهورات الصناعية البدیعه كلها ظهر من هذالاسم و یستظہر من بعد مala سمعتموه من قبل . . . ”

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ص ۷۴ ، ۹۷ ، ۹۹ ” کلام او بر همه نور می افکند و حیات می بخشد و با آن اسباب ظاهره و صنایع و علوم ظاهره و کامل می شود . . . هرآنچه از علم و فرهنگ ظاهر شده از این اسم مبارک است و چه بسا چیزها که هرگز نشنیده اید

ثانیه به سراسر کشور داشت.

طرز کار اینترنت به این صورت است که هر پیام، نوشته یا پرونده‌ای که برای ارسال مهیا می‌شود قبل از ترک کامپیوتر فرستنده از طریق خط تلفن به چندین قسمت یا بسته‌های کوچکی که شامل یک یا چند خط از آن پرونده می‌باشد تقسیم شوند. هریکی از این بسته‌ها قادر به کاوش و دریابی آدرس و محل کامپیوتر گیرنده خود می‌باشند و به طرق مختلفه (خطوط تلفن ماهواره میکروویو) به آنجا رسیده متعدد شده و به صورت پرونده یا نوشته اولیه در کامپیوتر گیرنده نمایان می‌شوند. به این دلیل است که پیش کیری طول انتقال هر پیامی مشخص نخواهد بود چه که یکی از این بسته‌ها به علت شلوغی خط اتصال ممکن است ساعتها در راه باشد و بقیه را به انتظار خود بگذارد و در اوقات دیگر به علت آزادی خطوط اتصالی مانند رعد از یک سر دنیا تا سر دیگر حرکت کند.

در نتیجه پیامهای فرستاده شده از طریق اینترنت غیر قابل اطمینان "Unreliable" تلقی می‌شود بطوریکه تعدادی از این پیامها هرچند که در حد آن کم می‌باشد ممکن است بدون دلیل در حین انتقال کم شده و مکانشان نا معلوم کردد.

"غیر قابل اطمینان" به ارسال پیامها و پرونده‌های محلی دولتی و تجاری باعث شده که شرکتهای محدودی خطوط ارسالی خصوصی خود را در سراسر کشور بر پا کرده و آنرا در اختیار دولت و اندکی از شرکتهای غیره کذاشت و برای آن حق اشتراکهای هنگفت طلب کنند.

مورد حمله دشمن قرار می‌گرفت ارتباط با کلیه حوزه هائی که در تماس با این مرکز بودند سلب می‌شد. به همین دلیل لزوم به یک سیستم تغییر پذیرنده و یا "باهوشی" بود که قادر به تغییر خط ارتباط بین دو حوزه متمایز جغرافیائی باشد. تئوری این سیستم جدید در سال ۱۹۶۹ داده شد و بعد در زیر پرچم Advanced Research Reject Agency Net آرپانت (Arpanet) در سال ۱۹۸۲ شهرت یافت. در ابتدا سیستم مجزا که یکی برای ارتباط مقدار محدودی از دانشگاهها و دیگری برای ارتباط حوزه‌های ارتشی بود. تأسیس یافت و چون کم ضرورت ارتباط بین این دو سیستم واجب شد به اسم اینترنت یا خط اتصال بین شبکه‌ای معمول شد.

بیشترین استفاده از اینترنت در خصوص فرستادن و دریافت پیامها و پرونده‌های الکترونیکی بود که در صرفه جویی در وقت پژوهش کران و محققان نقش بزرگی داشت.

در سال ۱۹۸۶ مؤسسه علوم ملی در امریکا National Science Foundation قدم بزرگی در ارتباط سراسری دانشگاهها و توزیع اینترنت بین آنها برداشت، این مؤسسه به علت استفاده از جدیدترین و پرقدرترين کامپیوترهای روز Super Computer و برنامه‌های جدید اداری آنها که به اسم یونیکس و تی سی بی / آی سی پی Unix & TCP / ICP ارائه شده بود. این مرکز را بطور خیلی سریع به هم اتصال داد، چنانچه مثلثاً با استفاده از اینترنت و خط اتصال تی ۲ که قادر به انتقال ۴ میلیون رقم یا حرف در ثانیه می‌باشد توانانی فرستادن ده کتاب هزار صفحه‌ای را در یک

نگذشت که نسخه میکروسافت Microsoft هم بیرون آمده در دسترس توده مردم قرار گرفت . مارک اندرسن در سال ۱۹۹۴ کمپانی خصوصی خود را به اسم نت اسکپ Netscipe شروع کرد و برنامه جدیدی بنام "نویگیتور Navigator" برای www و اینترنت ارائه داد که باعث پیشرفت روز افزون و سریعتر اینترنت و www شد . این کمپانی در حال حاضر یکی از بزرگترین کمپانیهای برنامه های کامپیوتری Software در تاریخ بشر است .

برخورد و اصابت این اختراع با عالم بشری :

شروع و آغاز اختراعات و کشفیات ارتباطی و مخابراتی همانطور که همه از آن با خبرند ، با ابداع سیستم مخابراتی مورس Morse در ۲۲ ماه می سنه ۱۸۴۴ میلادی مصادف و مقارن با شب اظهار امر حضرت نقطه اولی به ملاحسین بشرویه ای بود . مورس در اولین پیام الکترونیکی اش این جمله تاریخی را ارسال داشت " خدا چه پدید آورد؟ What has God wrought?

این اختراع که به دیده اهل بها جز انعکاسی از پرتو روح القدس در مرآت قلب و روح بشری نیست ترازوی پیشرفت کند عالم بشری را نا میزان کرد و بذری پرمایه در خاک بی جان دنیا که به دست باغبان الهی مستعد شده بود بیفشداند که اثراتش تا قرون و اعصار آینده در معرض دید عالمیان خواهد بود .

وقتی که حضرت بھاءالله جل ذکرہ الاعلی وحدت عالم انسانی را به نوع بشر ابلاغ کردند وسیله مراتب و تشکیلات لازمه برای حصول به این هدف جلیل و اعظم را نیز مهیا ساختند . حال به نظر می رسد که

از طرف دیگر شرکتهایی از قبیل Hot mail بوجود آمده که حق اشتراك مجاني به پست الکترونیکی Email را به هر شخص نوعی در هر کجا از دنیا در صورت پست در خواستنامه ای به آدرس www hotmail.com می دهد . این امر باعث اتصال واقعی و محسوس نوع بشر چه ثروتمند و چه بی بضاعت در نقاط مختلفه جغرافیائی از قطب شمال تا خط استوا و از آمریکای شمالی تا استرالیا در حال حاضر گردیده است .

شبکه اتصالی جهانی World Wide Web

در مارس ۱۹۸۹ دانشمندی بنام تیم برنرزلی Tim Berners Lee از آزمایشگاه فیزیک اتمی اروپا مستقر در سوئیس با گروهی دیگر از پژوهشگران برنامه جدیدی ارائه داد که قادر بود تصاویر عکسی کامپیوتری را به سرعت برق از طریق شبکه اینترنت انتقال دهد Hyper Text این اختراع جدید که به نام World Wide Web (www) مشهده استفاده و ارسال اطلاعات به عنوانی معرف شد . طرز استفاده و ارسال اطلاعات به مختلف را سهل و آسان تر ساخت و باعث شد که توده مردم که تعلیم و فن استفاده از کامپیوتر را نداشتند بتوانند به آسانی از محسنات این تکنولوژی جدید ، اینترنت که مسافت بین کشورها و قاره ها را کوتاه کرده و عالم بشری را از لحاظ فکری به هم نزدیکتر ساخته بود بهره برند .

در سال ۱۹۹۲ مارک اندرسن Marc Anderessen با گروهی دیگر از همکارانش اولین برنامه کامپیوتری را که اجازه ورق زدن تصاویر و صفحه های عکس و پنجره ای را در روی صفحه کامپیوتر به طور خلی سریع و کامل می داد به ارائه گذاشت . چندی

پیشرفت‌های روز مره اینترنت آشنائی کامل نداریم و این وسیله تحقق به وحدت ارتباطی نوع بشر را در سراسر کره ارض هنوز نشناخته ایم و بطوری که باید و شاید آنرا در تکامل و پیشرفت قلمرو وحدت عالم انسانی نگرفته ایم ولی تا آنجا که مقدور یک جامعه در حال رشد از لحاظ منابع اجتماعی ، اقتصادی ، صنعتی و تجاری است در پایدار کردن حوزه های شبکه ای اینترنت کوشیده تا آنجا که در حال حاضر با دسترسی به این حوزه ها در ارض اقدس ، امریکا ، اروپا و غیره میتوانیم به اکثر نصوص مبارکه و اخبار روزمره در جهان بهانی دسترسی پیدا کرده و از معارف الهی چه در امر بهانی و چه در ادیان گذشته اطلاع یابیم و به منظور پیشبرد و ابلاغ امر عظیم الشان بهانی به جوامع انسانی از این طریق اقدامی شایان توجه نمائیم . لذا طولی نخواهد کشید که نوع انسان در این عالم بامر بهانی و تعالیم مبارکه آشنا شده و بدین نکته توجه خواهد داشت که علت العلل این همه پیشرفت علمی و صنعتی باشر تجلیات ظهور الهی در این عصر نورانی بوده و بالنتیجه عالم وجود بودت و یکانگی نائل خواهد آمد و در این عالم استقرار تمام خواهد یافت . " عروس معانی بدیعه که ورای پرده های بیان مستور و پنهان بود بعنایت الهی و الطاف رباني چون شاعر منیر جمال دوست ظاهر و هویدا شد . شهادت می دهم ای دوستان که نعمت تمام و حجت کامل و برهان ظاهر و دلیل ثابت آمد . دیگر تا همت شما از مرائب انقطاع چه ظاهر نماید . كذلك تمت النعمة عليکم و على من فی السموات والارضین والحمد لله رب العالمین . "

كلمات مكونه

اینترنت همچنین وسیله ای باشد . این تکنولوژی جدید که اگر بدیده عنصری در آن تعمق شود پیشرفت ارتقائی همان سیستم مخابراتی مورس می باشد که در همان شب بعثت حضرت رب اعلی به عنوان هدیه به عالیان عرضه شد . اکنون باید پرسید آیا تا حال کسی منبع و سرچشمہ این اختراعات و کشفیات علمی و صنعتی را شناخته و به طراح و مهندس اصلی آن پی برده ؟

اینترنت عالم بشری را از لحاظ سرعت پخش و توزیع اطلاعات در هر زمینه فکر شده به یک دنیای کوچک مجازی تبدیل کرده بطوریکه هر فردی در آن وارد شود در کمال مساوات و برابری قادر به همکاری و بهره برداری است . اگر این پیشرفت حیرت انگیز به همین منوال ادامه باید طولی نخواهد کشید که منابع و مخازن علمی عالم انسانی در هر رشته ای در آن واحد در دسترس ملل قرار گیرد و جامعه ای پر ذکالت تر و قابل تر از آنچه که هست بوجود آورند . برای مثال یک شخص عادی چه نشسته و چه در حرکت در جنگل‌های آمازون ، کوههای هیمالیا ، صحراهای آفریقا یا هر شهر یا قریه ای قادر خواهد بود از علم دانش و حکمت بهترین پروفسورهای دانشگاههایی چون آکسفورد و یا هاروارد از طریق شبکه اتصالی اینترنت بطور دائم بهره مند شود و بدین طریق مرزاها و فاصله های جغرافیائی که همیشه مانع پیوستگی اهل عالم در علم و دانش بوده اند از بین رفته وسیله وحدت عالم انسانی از لحاظ فکری و معنوی فراهم گردد .

اثر پیشرفت اینترنت در جامعه جهانی بهائی:

با وجود اینکه ما هنوز با امکانات نهفته و

اطلاعیه

خانم دکتر سیمین شیبانی و تقاضای یاری از یاران الهی :
» چون کتابی در دست تالیف و نگارش دارم و مشغول پژوهش و کرد آوردن مطالبی در باره افسانه دلاوریها و از خود کذربهای فاتحان روحانی ممالک مختلف ، طی نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر ، فارسان میدان خدمت ، ناشران کرانقدار ، مهاجران و خادمان برآنده امر الهی می باشم . که سزاست جاودانه در گذرگاه تاریخ ثبت شود . بدین جهت دست یاری به سوی جامعه بهائی دراز می کنم تا در صورت امکان خود آن عزیزان و یا دوستان و آشنایان آن بزرگواران و یا کسانی که خاطرات و آکاهی از شرح خدمات ، زندگانی و به یاد مانده های آن نازنینان دارند آن را به آدرس زیر ارسال فرموده و مرا رهین منت خویش سازند «

Dr. S. Sheybani

4 Eugene Circle

Lincoln Park N.J 07035

U.S.A.

Tel: (937) 334 - 6951

آگهی

اخیراً جلد هشتم خوشة هایی از ادب و هنر با مقالاتی جامع تحقیقی در ۲۰۰ صفحه بقطع پستی با تصاویر زیبا بوسیله مؤسسه عصر جدید آلمان چاپ و منتشر شده است ، برای تهیه این مجموعه نفیس و سائز مجلدات خوشة ها دوستان می توانند به فروشگاههای کتب امری در هر کشور مراجعه نمایند .

بعضی از شبکه های اینترنت بهائی :

تعداد شبکه های اینترنت بهائی نسبت به عموم محدود ولی در رابطه با ادیان دیگر بسیار می باشد . در حال حاضر هزاران تن از بهائیان در سراسر عالم به تأسیس توسعه و استفاده از شبکه های اینترنت پرداخته و روز بروز بسهولت دسترسی به منابع بهائی را برای عموم فراهم می سازند . در اینجا چند نمونه از حوزه های مهم اینترنت بهائی به شرح مختصر معرفی می شوند .

۱ - www.bahai.org . این حوزه نمایانگر نظر اجمالی و مقدماتی در احکام ، اصول و تاریخ دیانت بهائی می باشد .

۲ - www.tranquillity.com این حوزه شامل اکثر کتب و آثار مبارکه حضرت بهاء الله ، حضرت عبدالبهاء ، حضرت ولی امرالله ، بیت العدل اعظم الهی و دیگر مقالات بهائی و همچنین قرآن مجید ، انجیل ، تورات ، کتب هندوها و بوداییان به زبان انگلیسی می باشد .

۳ - www.bcca.org/-glittle این حوزه شامل اکثر کتب و آثار امر بهائی و همچنین مقالها ، نطقها ، و تفاسیر مختلفه در زمینه های متعدد دینی ، علمی ، اقتصادی و اجتماعی می باشد .

۴ - Bahai-Announce @ bcca.org این آدرس الکترونیکی بطور خودکار پیام فرستنده را به بهائیان سراسر عالم پخش می کند و امکان و اشتراك به آن از طریق : Bahai-Announce @ bcca.org میباشد در اشتراك آن موجب تزئید اطلاعات امری و معارف بهائی شده که در امر تبلیغ و نشر نفحات بسیار مفید و ثمر بخش است .



The source of “Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh”
From ‘Andalib, vol.4 no. 13, (Winter 1984-1985), pp.59-71
By Dr. Vahid Ra'fati
Translated into English from its original Persian by Elham Afnan

The beloved Guardian presented the Bahá'ís of the West with his translation of some of Bahá'u'lláh's works under the title Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh in 1935. He had already translated the Hidden Words in 1923 and the Íqán in 1931, as well as some of Bahá'u'lláh's prayers. Later, he translated some other prayers and The Epistle to the Son of the Wolf, in 1936 and 1941 respectively. Considering the fact that only a very few of the important works of Bahá'u'lláh had been translated before 1935, we can imagine how important Gleanings was to the community in the West, both by strengthening them spiritually and by familiarizing them with teachings and the vision of the Faith.

A quick study of Gleanings shows that Shoghi Effendi gathered together Writings from among the earliest to the final works of Bahá'u'lláh, those addressed to Bahá'ís as well as non-Bahá'ís, and revealed both in Persian and in Arabic. Although Gleanings does not contain all of the topics discussed in the Writings of Bahá'u'lláh, it does touch upon the basic and important subjects, at least briefly, and can therefore present the essence of the beliefs and teachings of the Faith. It presents the station of Bahá'u'lláh, the purpose of His mission, and His difficulties and tribulations; the fundamental moral teachings of the Faith such as courtesy, truthfulness, justice, and obedience to the government; the most important philosophical and mystical subjects such as creation, the worlds of God, life and death, fate, progressive revelation, the station of the Manifestations, and the station of man. In addition, it includes Tablets for the Fast, Ríjván, the Tablet of Carmel and the Tablet of the Hajj, each of which is among Bahá'u'lláh's important works.

The great wealth of topics in this book has given it a special and unique place among Bahá'í publications. During the half-century since its publication, it has been studied and used as a reference in meetings, classes, and summer schools, and been quoted directly or indirectly in hundreds of articles and books in the English language. Parts or all of it have also been translated into many languages worldwide.

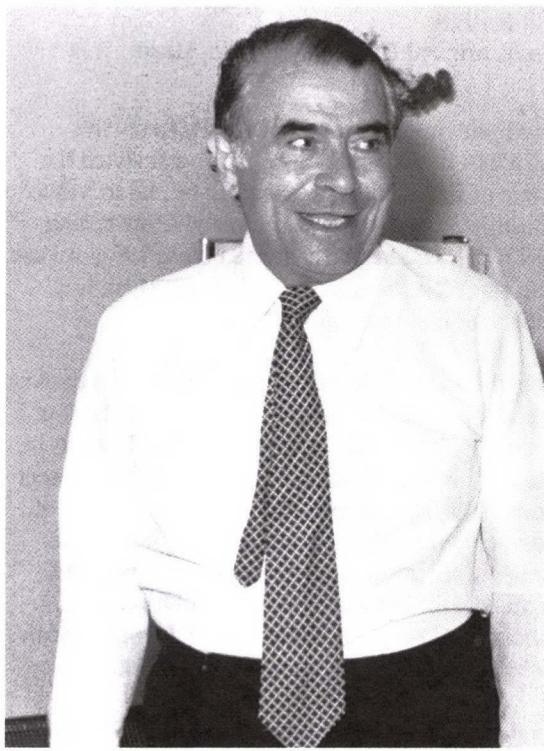
To Shoghi Effendi the importance of this book was such that he repeatedly urged the Bahá'ís, the teachers of the Faith, and especially the youth, to read and study it. For this reason, study of Gleanings has become one of the basic programs in Bahá'í summer schools and it is also taught in many deepening courses. Following the publication of this book, some of the Bahá'ís in the West submitted a number of questions about it to the Guardian which he answered but the majority of these have not yet been published.

There has always been a great desire among the Eastern Bahá'ís to read the Persian and Arabic originals of the passages in Gleanings. Abdu'l-Hamíd Ishráq-Khávári was a scholar who did much work and research to find and identify these originals by referring to published books and unpublished manuscripts alike. He was able to produce a compilation of his findings but did not complete it before his death. Finally in 1983, the Bahá'í publications committee in Germany published the originals of the Writings in Gleanings which had been compiled and prepared by the Research Department at the Bahá'í World Centre under the guidance of the Universal House of Justice.

The Persian and English versions are exactly the same except that in the English, two excerpts have mistakenly been given under the same number (#161) whereas in the Persian, each has its own number. As a result, the English has 165 selections whereas the Persian has 166.

It is of great importance for Bahá'í researchers to know both the source and the addressee for each excerpt so that they can refer to the original if necessary and study the entire work, only part of which has been translated.

www.shodjai.org/study/gwb/gwb-source.html



گوهر سلطان ، دختر شیخ نصرالله بود ، شیخ نصرالله در خانه ای زندگی می کرد که این خانه در شمال اصفهان و در چند قدمی جاده قدیم (اصفهان طهران) واقع شده است ، هنگامی که حضرت ربّ اعلی از اصفهان عازم طهران بودند آقا شیخ نصرالله افتخار عظیمی نصیبش می شود و آن زیارت طلعت اعلی است که سبب روشن شدن قلب پاکش می گردد و این روشنایی قلب شیخ نصرالله بعدها قلوب بعضی از خویشان و فرزندانش را روشن می کند . این خانه همان خانه ای است که آقا نجفی و گروهی بی خبران برای کشتن پدر نورالدین به آن خانه وارد شدند ، گوهر سلطان بهانی نبود ، اما عشق و محبتی به حضرت ولی عزیز امرالله داشت ، و همین عشق و محبت را به فرزندش نورالدین منتقل نمود ، گوهر سلطان علاقه خاصی به نورالدین داشت و می کفت :

دکتر شریا

دکتر نورالدین شریا ، یکی از بزرگمردان روزگار است ، نورالدین کوچکترین فرزند میرزا علی محمد واعظ و گوهر سلطان (فاطمه سلطان) است ، میرزا علی محمد از آن ساعتی که یک جلد کتاب امری برای صحافی به صحاف سپرد شناسائی شد و تحت نظر علماء و بی خبران قرار گرفت ، تا روزی که آقا نجفی آخوند باتفاق گروهی بی خبران ریختند در خانه (۱) تا او را به جرم بهانی بودن بکشند ، ولی هر کجا را گشتنند ، حتی با چراغ او را ندیدند ، بالاخره میرزا علی محمد اصفهان را ترک میکند و سپس ایران را و برای مدتی در مدرس هندوستان اقامت میگزیند ، لازم است نوشته شود که مادر گوهر سلطان که زن کاردان و دلیری بود در نجات دادن داماد خود از کشته شدن نقش مهمی ایفا نموده است ، وقتی میخواستند پدر نورالدین را بکشند هنوز نورالدین در جهان موجود نبود و بعدها در ۶ مارس ۱۹۲۰ در اصفهان به دنیا آمد .

هوالله

اصفهان ، جناب میرزا علی محمد واعظ عليه بهاء الله ای یار مهربان قریب غروبست و انوار فیض از افق غیب در شُرف غروب و قلب عبدالبهاء بیاد تو مشغول و قلم بذکر تو مألهٔ ، تو در اصفهان و من در زندان ، استغفارالله در اعلی غرف روضه رضوان ، ایوان است نه زندان ، اوج ماه است نه قعر چاه ، نعیم است نه جحیم ، عیش است نه طیش الحمد لله علی ذلک تو در پناه حق باش و در نشر نفحات بکوش .

این " کل محمدی " من است .

بیت از صمیم قلب عون و صون مسئلت نمود . حدود سال ۱۹۵۰ بود که میخواست طهران را ترک کند و به سراوان بلوچستان مهاجرت نماید مگر میشود که دکتر ثریا طهران را ترک کند و از خویشان و دوستان عزیزش خدا حافظی نکند ؟ هرگز ! وقت کم و دوستان بسیار ، تاکسی ، ساعتی کرایه میکند در هر خانه ای را میکوبد ، کودکان و بزرگان با شور و نشاط فراوان از خانه بیرون می ریزند و پروانه وار با دکتر ثریا وداع میکنند ، هلله ای است ! آرامش و آسایش او و بزم او در دوستی و یگانگی با مردم آشیش است ، باری در سازمان شیر و خورشید سرخ سراوان مشغول درمان دردمندان و مستمندان گردید . سپس نوبت نظام وظیفه شد ، به مراغه آذربایجان شتافت و ضمناً با یاران آن سامان همنشین شد ، بعد مهاجرت به نیشابور خراسان نمود ، در سال ۱۹۵۲ به زیارت اعتاب مقدسه فائز و باستشام نفحه جانبخش از تربت طیبه مشرف شد و از محضر انور حضرت ولی عزیز امرالله فیض موفر برد ، در حالی ارض اقدس را ترک می کرد و به لندن برای معاینه و معالجه خودش میرفت که ادعیه مولای محبوبیش بدرقه راهش بود و برای همیشه اطمینان قلبش .

در سال ۱۹۸۲ ایادی عزیز امرالله جناب دکتر جیاگری برای بعضی از خویشان او تعریف کردند : روزی من در ارض اقدس بودم حضرت شوقی افندی به من فرمودند " شما زائری را به روضه مبارکه هدایت کنید " ، زائر دکتر ثریا بود . آنچه را دکتر جیاگری در وصف زیارت دکتر ثریا بیان می کردند به مصدق بیان مبارک حضرت عبدالبهاء ظاهر شده

نورالدین تحصیلات مدرسه ابتدائی و متوسطه را در اصفهان و شیراز انجام داد . مسلمان دو آتشه ای بود . قرآن مجید را خوب میدانست و میخواند و همین دانستن کلام الله آن هم در سطح عالی بعدها توانست علماء را بحقایق قرآن آشنا و هدایت کند .

باری سپس وارد دانشکده پزشکی دانشگاه طهران شد ، در این ایام که جوینده شد و یابنده گردید . حدود سال ۱۹۴۵ بود که به امر مبارک ایمان آورد . در نهایت انجذاب و اشتغال در احتفالات جوانان ، ضیافات و کنفرانس های تحری حقیقت شرکت مینمود ، مظہر تنزیه و تقدیس بود ، یار و مددکار همه بود ، به هر خانه و خانواده ای می رسید شادی آفرین بود ، قلوب را چنان بهم متحد مینمود که صد روانشناس در کار او حیران !

زیانش بذكر الطاف الهی ناطق بود ، بطوری که دانشجویان دانشکده پزشکی بر روی تابلو آمفی تاتر مینوشتنند : « کلمات قصار ثریا » ، در سال ۱۹۴۷ به استاد خود که رئیس دانشکده پزشکی هم بود کتاب « بیان الله و عصر جدید » بزبان انگلیسی را داد ، چند روز بعد استاد به او کفت : خوب کتابی است ! بیماران مایوس را چنان امیدوار به عنایات الهیه مینمود که موجب قوت و مسرت قلب بیماران میشد . در سال ۱۹۴۹ فارغ التحصیل شد ، رساله دکترای خود را در موضوع " تاثیر تعالیم الهیه و صحت افراد بشر ، ارتباط " علم الابدان و علم الادیان " نوشت - سپس به زیارت بیت مکرم مدینه طیبہ شیراز نائل شد و از انوار آن مقر اعز مستفیض و از صاحب آن

دیگر را نجات دهیم ... ”

و در نامه مورخ ۲۹ زانویه ۱۹۸۵ چنین مرقوم میفرماید: ”... بحمدالله احباء در کمال استقامت هستند ... علمای اندونزی مثل ایران نیستند ، اهل تسنن هستند مثلاً در شهر ما علماء به بنده گفتند که تو بیا به جوانان اسلام قرآن یاد بده ، زیرا تو بهتر از علماء بلدی ، گفتم آخر من بهانی هستم ، مسلمان نیستم ، گفتند مهم این است که تو به دین دیگر هستی و دیانت ما را این قدر بلدی و احترام میکذاری ، بنابراین جوانان زودتر یاد میگیرند ، بهر حال اشخاصی که مرا در این شهر تقریباً سی سال است نگه داشته اند و دوست دارند اول مسلمانها و علمای آنها هستند خلاصه کشور عجیبی است و از هر نوع عقیده و دیانت در این کشور موجود است یعنی پنج نوع دیانت و قریب ۲۰۰ نوع مذهب و تصوف و عقیده زیرا تقریباً چهارهزار جزیره دارد هر جزیره یک نوع دین و عقیده ... انتهی

دکتر ثریا ، دوش به دوش همسر باوپایش در تعلیم و تربیت فرزندان نازنینیش : بهیه ، روح انگیز ، روح الله ، جذبیه ، رحمت الله و جرج کوشش فراوان نمود . همسر گرامیش در نامه مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۹۶ چنین مینویسد :

”... نوری جان در اندونزی و کشورهای دیگر خیلی رحمت کشید و تا آخرین نفس خدمت خودش را کرد و آخرین سفرش به هندوستان بود ... ”

در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۵ ساعت ۲ بعد از نصف شب از این عالم فانی به ملکوت ابهی در کمال سکون صعود کرد و از سجاپایی اخلاقی اینکه بسیار مهریان و

بود ، که در مناجاتی چنین میفرمایند : ”ای دلبر آفاق ، این یاران نورانی را در هر دم مظہر فیوضات رحمانی فرما و مورد الطاف سبحانی کن ، مدد از محبت حقیقی خود بخش و تجلیات عشق حقیقی جلوه ده و به هیجان و فوران آر ، تا زمام اختیار از دست رود هریک کره آتشبار گردند . ” مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء ص ۶۹ چاپ آلمان سنه ۱۹۹۲

باری پس از مراجعه به پزشکان لندن به خراسان برگشت سپس با دوشیزه باهره شریفی (همسری شایسته) ازدواج نمود ، در حدود اولین سنه جهاد کبیر اکبر با تفاوت همسر و اولین فرزند چند ماهه اش بقوه توکل به اندونزی مهاجرت فرمود و تأسی به مطالع انوار کرد ، از انقلابات جهان افسرده نشد ، چنان انقطاعی از خود نشان داد و چنان اطاعتی بمنصه ظهور رساند، او هرگز به ایران بر نگشت و بعضی از خویشان و دوستان عزیزش را دیگر ندید ، مکر بعضی را در کنفرانس های قاره ای و کنگره ها و کنفرانس افتتاح مشرق الاذکارها ملاقات نمود .

در میادین متعدده قاره پهناور آسیا ، مالزیا ، هنگ کنگ ، ژاپن ، کره ، هندوستان ، پاکستان ، بربما ، سریلانکا ، فیلیپین و ... باتوجهی تام به تسخیر مدانن قلوب مشغول گردید و بعزمی متین به خدمت قیام نمود . در نامه مورخ ۱۱ اگوست ۱۹۸۲ به یکی از خویشانش چنین مینویسد : ”... ما همیشه در نماز کبیر تلاوت میکنیم که ” خداوندا، من قابلیتی نداشتم که مشرف درگاهت گردم ولی فضلت مرا ندا نمود ” ترجمه مضمون ... هزاران شکر به درگاه خداوند که ما را از کمراهی نجات داد ، دعا کنیم موفق شویم ، کمراهان

حضرت ولی امرالله آمد . من مشغول آب دادن چمن های زیبای مقام مبارک بودم فوراً مرا در آغوش کشید و بوسید ، در حالی که اشگ مانند ابر بهاری از چشمانش فرو میریخت ، هرچه اصرار کردم علت ناراحتی و گریه شما چیست جوابی نداد . پس از چند لحظه که فقط حق میداند بر او چه گذشت به زیارت مرقد مولای مهربان حضرت ولی امرالله مشرف شد ، تبتل و ابتهال و خلوص و وقار و محیت او در حین حرکت وصف ناکردنی است ، فقط دیدنی و درک کردنی بود . در داخل مقام مبارک چند قدمی مرقد مطهر جلو پله های سفید رنگ ایستاد و گریه کنان مناجات تلاوت کرد در نهایت انجذاب با مولای عزیزش به راز و نیاز پرداخت . . .

سپس به دفتر زانرین آمد و گفت آرزو دارم شرح تصدیق را برای شما که سعادت خدمتکزاری مقام حضرت ولی امرالله را بر عهده دارید بیان کنم ، با ذوق و شوق فوق الوصف گفت : من از پدر بهانی و مادر مسلمان ، پا به عرصه وجود گذاشتمن ، دائمی و پسر دائمی های من بهانی بودند ، مادرم همواره میگفت دیانت بهانی بر حق نیست و کلمات او در قلب من اثر عجیبی گذاشته بود ، در دوران جوانی مسلمان متعصب و ضد دیانت بهانی بودم ، مدت زمانی ، دانشکده پژوهشی را رها کردم و به دنبال صاحب زمان میگشتم با بهانیان هم بحث و مذاکره می کردم . . . عاقبت کتاب مستطاب اقدس را از آفای محبت که یک نفر بهانی مهربان و برازنده ای بود به اصرار زیاد قرض کردم و با دقت به مطالعه آن مشغول کشتم ، بر خلاف آن چه می پنداشتم دریافتیم که کتاب اقدس

بزرگوار بود . که توانست احبابی بومی را مثل اولاد خودش دوست داشته باشد واقعاً این احبابی عزیز بومی و فای خودشان را در این مصیبت نشان دادند ، روزی که میخواستیم نوری جان را به خاک بسپاریم تقریباً ۱۵۰ نفر احباء از جاهای دور آمدند و تا یک هفته همکی اینجا بودند و برای تشییع جنازه ۷۰۰ نفر غیر بهانی هم آمده بودند و تشییع جنازه خیلی با شکوه بود . خانم ثریا در نامه ۲۱ اکتبر ۱۹۹۶ چنین مینگارد :
جناب دکتر ثریا عاشق احبابی بومی بودند و حاضر بود جانش را فدای احبابی عزیز بکند و در خدمات پزشکی نسبت به بیماران از دل و جان به کمال صدق محبت مینمود و دلسوزی می کردند و با کمال میل به مردم این کشور کمل و همراهی و مهربانی مینمود . چه از لحاظ مالی و چه از نظر فکری ، روزی که ایشان صعود کردند حتی مردم فقیر این محل پول جمع کردند برای خیرات و میراث و ترقی روح پر فتوح آن را مرد بزرگ از سال ۱۹۵۷ که ما در شهر بوجونکورو Bojonegoro (جاوه شرقی) ساکن شده ایم مرتب هر ماه بیش از ۶۰ نفر برای ۵ روز در منزل ما میمانندند و تزیید معلومات می کردند و بعد از صعود ایشان هم این وضع ادامه دارد ، دکتر ثریا واقعاً عاشق جمال مبارک بود . تا آخرین نفس بخدمت امر قائم بود .

کلچینی از دفتر خاطرات تاریخی و شیرین جناب حسن علانی ، خادم باوفای مقام مبارک حضرت و امرالله ، اقتباس و با رعایت اختصار تهیه شده :
امروز ۲۶ اگست ۱۹۹۲ آفای دکتر نورالدین ثریا مهاجر عزیز کشور اندونزی به زیارت مقام مبارک

نیستم بیماران دور مطب طوف می کنند و طلب شفا
مینمایند ... انتهی

در تابستان سال ۱۹۹۵ آقای دکتر آستانی مهاجر
فداکار کشور اندونزی به زیارت مقام مبارک مشرف شد
صحبت از دکتر ثریا آن خادم باوفا و عاشق حضرت
ولی امرالله به میان آمد دکتر آستانی گفت : دکتر
ثریا مردی فوق العاده بود به یقین میتوان گفت در
ایمان و ایقان ممتاز بود ، من بالو خیلی نزدیک بودم
زیرا ما دو نفر پزشک و مهاجر و عاشق خدمات
تبليغی بودیم ، اغلب ایام تعطیل به سفرهای تبلیغی
میرفیم یکی از صفات برجسته دکتر ثریا این بود که
میخواست مردم را خوشحال کند ... انتهی

خانم دکتر جذبیه ثریا ، دختر نیک اخترش در اوایل
تابستان سال ۱۹۹۷ پس از برگشت از زیارت اعتاب
قدس ارض اقدس به زیارت مقام مبارک مشرف شد به
او گفتمن پدر شما را ملاقات نمودم در موقع زیارت با
چنان خضوع و خشوع و کریه و زاری و انکسار و
بندگی به مقام مبارک مشرف شد که اشک از چشمان
من بی اختیار جاری گشت ، زیرا تاکنون نظیر این
همه عبودیت را مشاهده نکرده بودم ، خانم دکتر
جذبیه ثریا گفت : در ارض اقدس که بودم ایادی
عزیز امرالله جناب فروتن را ملاقات کردم در همین
موضوع با من صحبت کردند و فرمودند وقتی دکتر
ثریا به زیارت ارض اقدس مشرف گشت از جلو باب
کالینز تا درب روضه مبارکه با زانو راه رفته است
بطوری که وقتی به آستانه روضه مبارکه رسیده خون از
کاسه های زانوی او میریخته است ... انتهی

نویسنده این خاطرات (یعنی جناب حسن علانی) از

كتابي است آسماني ، قدرت کلمات الهی مرا آن چنان
مجذوب و منقلب ساخت که فورا امر الهی را لبیک گفتم
و به نور ايمان فائز گشم ... " حدود الله سبب
اعظم است برای نظم عالم و حفظ ام ... " اما در
حقیقت مبلغ اصلی من حضرت ولی امرالله است جانم
فادای ياران باوفایش ، در این لحظه مجددا اشگ می
ریخت و حرف میزد و بعض گلوبیش را گرفته بود
فشار میآورد ، بعد کمی سکوت کرد و گفت بله ، مبلغ
اصلی من حضرت ولی امرالله است ، وقتی من خردسال
بودم مادرم شمایل حضرت ولی امرالله را از چمدان
پدرم مخفیانه برداشته بود و همواره می بوسید و به من
نشان می داد و میگفت این عکس مانند شمایل
حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است ، بطوری که
آن عکس مونس جانم شده بود و به آن عشق
میورزیدم ، هرمشکلی داشتم دست به دامان آن عکس
میشدم ، در هنگام بیماری ، عکس مبارک را در
آغوش می گرفتم و برقلبم می فشردم و شفا می یافتم ،
در سال ۱۹۵۲ به حضور مبارک حضرت ولی امرالله
مشرف شدم تا چشم به هیکل مبارک افتاد غش کردم
و بی حس روی زمین افتادم ...

هیکل مبارک با دست های نازنین خود مرا بلند کردند
و مورد عنایت موافوه قرار دادند ... " فرمودند برای
شما دعا می کنم تا شفای کامل حاصل شود " یعنی
شفای جسمانی و شفای روحانی و ابدی ، اکنون مدت
۴۰ سال است که به امر مبارک مولای عزیز و شفیقم به
کشور اندونزی هجرت کرده ام و در آن سرزمین
طبابت میکنم و به فضل و عنایت جمال اقدس ابهی
در این شغل چنان شهرت یافته ام که وقتی در مطب

شنیدن پیام جان بخش حضرت بهاء الله را دارد خواه مست باشد و خواه هشیار ، سر موفقیت مبلغ در اطمینان است انتهی .

اکنون که در طهران هستیم و گفت و شنود از مست و مستان است چه نیکوست داستانی شیرین از مستان بشنویم . حالا نورالدین بهائی شده و سالهای آخر دانشکده پزشگی را میگذراند ، یک جوان رشید پروفراست و در کمال انجذاب و اشتعال ، شب است از دروازه دولت و خیابان شاهرضا پای پیاده وارد خیابان بهار میشود که به سوی خانه اش (یعنی منزل برادر یک رنگش محی الدین) برود برخورد میکند به یک نفر مست که مزاحمت او را فراهم کرده ، نورالدین برق آسا با عشقی برادرانه شخص مست را در آغوش پر مهرش میفشار و از صمیم قلب به او محبت میکند و از وی دلجنوی مینماید بطوری که شخص مست و مزاحم به خود می آید و آرام میشود ، نورالدین با شفقت و مهربانی فوق الوصف از او خداحفظی مینماید و به راه خود ادامه میدهد ، چند قدمی که میرود بر میگردد و مجددا فرد مست را مورد نوازش و محبت حقیقی خود قرار می دهد . انتهی

این بود مختصراً از سرگذشت دکتر ثریا یکی از بندگان اسم اعظم و یکی از جنود منصورة مهاجران که سمند همت را در میادین خدمت چنان جولانی داده که بیت العدل اعظم چنین میفرمایند :

” ... سر مشقی برای دیگران بوده ، مدت ها به عنوان ستونی استوار در ساختمان جامعه بهائی اندونزی بیاد خواهد آمد . نسل های آتیه مؤمنین در آن دیار به موفقیت های او افتخار خواهند کرد ... ” پایان

خانم دکتر جذیبه ثریا تقاضا کرد یک مناجات بر مرقد دکتر ثریا علیه رضوان الله فردی که نظریش را کمتر دیده است بالنیابه تلاوت نماید ... انتهی

در اینجا از جناب حسن علانی که اوراق خاطرات ارزشمند خود را سخاوتمندانه در اختیار این عبد مستمند گذاشته از صمیم قلب سپاسگزاری مینمایم و امیدوارم دفتر خاطرات ۸ ساله آن یار جمال رحمن به زیور چاپ مزین شود و برای استفاده یاران راستان آماده کردد .

فی الحقیقہ حُسْن خاتمه مجھول است برگردیم به طهران ، در آن زمانی که نورالدین سرگشته صحرای فراق بود و در پی حقیقت پویان و جویان ، جناب حسین تائید علیه رضوان الله بارها تعریف می کرد : برای خرید دارو برای داروخانه ام از اصفهان به طهران رفته بودم ، روزی نورالدین پسر عمه ام را ملاقات نمودم ، نورالدین با حالت آتشین به من گفت : پسر دانی شما همان راه کجی را میروید که پدرم رفت ؟ و با اعتراض شدید نسبت به دیانت بهائی صحبت کرد ، پس از خداحفظی من در این مورد با بعضی از یاران طهران مشورت کردم و بالاخره یک شب به اتفاق نورالدین به یک بیت تبلیغ در طهران رفتیم ، نورالدین با حرارت صحبت می کرد ، هنگامی که آخر شب شد و جلسه به پایان رسید مبلغ محترم آهسته به من فرمود دفعه دیگر این جوان را به اینجا نیاورید ، زیرا او مست است در جواب عرض کردم ، بله چنین است ، او مست است بسیار هم مست است ، اما او سرمست باده محبت الله است ، او دل سوخته است ، او تشنۀ جوی الهی است ، وانگهی هر فردی از افراد بشر حق

ساقی نامه

پرویز دادرسان

از آن می که مستی بر آرد مدام
شرر بر دل و بر روانم زند
سرپا وجودش ز نیران سوخت
همه محو جانانه سازد مرا
ز شهد وفا جام لبریز گشت
همه شور و مستی و غوغای ازوست
درایت فزاید و خواب آورد
بجان و وجودم اثر افکند
شنید از سمات آوای عشق
که سازد مرا زار و مخمور و مست
همه روشنی بخش جان و تنست
تو پر کن از آن باده مینای من
رها گردم از عالم و هرچه هست
بهشتی ، بهانی ، خدائی شوم
شارام نشان ساقی افروختم
عطایکن زرحمت براین تشنۀ کام
کنم روی دل سوی عرش بها
بملک شهود آرم اسرار دل
علیم و خبیری و آمرزگار
تو ای داور ای کردگار جلیل
دلی همچو آینه ارزان نما
بپوشم دو دیده ز پیوندها
دم از هجرت و عشق و خدمت زنم
دلی روشن و قلبی آکاه ده
نه امید یاری نه فریاد رس
عطا کن خدایا تو این دولتم
عطا کن الها بهین دولتم
بر این جسم افسرده جانی بده
کنم منتشر امر رب الانام
که آنرا نباشد قرار و ثبات

خداها مرا کج تائید ده
عنایات باقی و جاوید ده

بیا ساقی از آن می لعل فام
از آن می که آتش بجانم زند
از آن می که جان سلیمان بسوخت
از آن می که دیوانه سازد مرا
از آن می که نیریز خونریز گشت
از آن می که ساقی ترا درسبوست
از آن می که شور و صفا آورد
از آن می که بر دل شور افکند
از آن می که نوشید ورقای عشق
از آن شهد صافی که اندر خُم است
از آن می که داروی درد منست
شنو از ره لطف آوای من
بده جرعه تا شوم مست مست
بده ساغری تا سمانی شوم
بده ساقیا جرعه سوختم
از آن نوشدارو که دادی بجام
که از عالم خاک گردم رها
سبک سازم از دردها بار دل
که ای قادر مطلق ای کردگار
تو ای هادی کمرهان سبیل
تو تائید و توفیق احسان ننا
که تا بکسلم جمله بندها
قدم در سبیل حقیقت زنم
مرا در حريم وفا راه ده
چو طیری اسیرم بکنج قفس
خریدار جانبازی و خدمتم
خدایا نمانده دکر طاقتم
خدایا ز رحمت تواني بده
که تا بهر خدمت نمایم قیام
درین مهلت پنج روز حیات

البته صاحبان قریحه را رهبری و راهنمایی می‌توان کرد تا نیروی آفریننده خود را بکار ببرند و زودتر و آساتر به نتیجه برسند. اما به کسی نمی‌توان آموخت که چگونه اندیشه بدیع داشته باشد و خیال نو و زیبا را در دماغ بیاورد. آنچه باید آموخت اینست که چگونه خیال خود را در جامه لفظ و عبارت بیاراید و در چشم دیگران جلوه گر سازد.

آنچه در آثار نویسنده‌کان امروز ما بسیار سُست و خام است جنبه بیان آنهاست. نمی‌گوییم که معانی خوب و بدیع بسیار است. اما یکسره ناپیدا نیست. اگر ادبیات امروز ما ضعیف و ناچیز جلوه می‌کند بیشتر از آن رost که همان اندک معانی تازه و زیبا هم که هست آنچنانکه باید درست و خوب بیان نمی‌شود. این نقص از آنجا حاصل شده است که نویسنده‌کان امروز کار بیان را پر آسان و سرسری گرفته‌اند.

حاصل این سهل انگاری آنست که زبان فارسی امروز اکرچه بسیار بیش از دورانهای پیشین در نوشتن بکار می‌رود از هرجهت بسیار ناتوان و تهییدست شده است.

فقر لغت :

فقر زبان را از محدود بودن شماره لغاتی که در آن رایج و مستعمل است می‌توان دریافت. اگر نمونه انواع نوشته‌های این زمان را از روزنامه و مجله و کتاب برداریم و لغتها را که در آنها بکار می‌رود بیرون بکشیم لغت نامه‌ای خواهیم داشت که شاید عدد لغات آن به ده هزار نرسد. نویسنده‌کان امروز ما، یا "مورخ" و "فیزیکدان" و "شیمیدان" است اما

نویسنده‌گی

اگر نویسنده‌گی را به معنی عمل کسی که می‌نویسد بگیریم هرکس که بنویسد اگر چه نوشته او سیاهه خرج خانه یا دفتر حساب دکانش باشد، نویسنده باید خواند. در این حال نویسنده‌گی کار دشواری نیست، الفبا را باید شناخت و مختصر خطی باید داشت که خواندنی باشد.

اما در اصطلاح، اینگونه کسان "نویسنده" خوانده نمی‌شوند. نویسنده کسی را می‌گویند که کارش اینست، یعنی معانی و مطالبی در ذهن دارد که از آن سودی یا لذتی عام برای خواننده حاصل می‌شود و آن معانی را بطریقی می‌نویسد که همه بخواندن نوشته او رغبت می‌کنند و از آن لذت یا سود می‌برند. معنی "نویسنده" در عرف باز از این هم خاص‌تر است، کسی که کتابی در نجوم بنویسد اگر چه اصول این علم را درست بیان کرده و نکته‌های تازه‌ای در آن بیان آورده باشد نویسنده نیست، منجم است. مؤلف کتابهای تاریخ و جغرافیا و فیزیک و شیمی را هم نویسنده نمی‌خوانند. عنوان این نویسنده‌کان نویسنده شمرده نمی‌شود. وقتی او را نویسنده می‌توان خواند که آن معانی را به زیباترین صورتی که ممکن است جلوه بدهد یعنی "خوب و زیبا بنویسد" اندیشه و خیال نو و زیبا از قریحه‌ای تراوش می‌کند که ذاتی است و تأثیر آموختن در آن بسیار کم است، اما هنر بیان که باید به آن اندیشه صورتی متناسب و دلاویز بیخشند بیشتر کسبی و آموختنی است.

جلوه می کند . اما ازاین نکته نتیجه نمی توان گرفت که « بیان » اعتبار و ارزش چندانی ندارد یا در درجه دوم اهمیت است . آنکه معنی بدیعی در ذهن ندارد هنرمند نیست و بهتر است که در پی کسب و کار دیگری باشد . اما آنکه ذهنش می تواند معانی بکر و بدیعی بیافریند نیز هنوز هنرمند و مقاله سیاسی و اجتماعی و خبر و بحث و انتقاد و داستان و شعر و نمایش و مطالب دیگر همه با همین لغت ها نوشته می شود .

نویسنده امروز ما بسیار قانع است ، هزاران لغت را که با معانی دقیق و رنگارنگ در ادبیات پهناور فارسی بکار رفته است بکنار می گذارد و هرگز بسراج آنها نمی رود بهمان لغتها یکی که در دسترس اöst و هر روز در روزنامه می بیند قناعت می کند و نمی داند که این قناعت نشانه کاهلی و عین دناث است .

فردوسی برای سرودن شاهنامه که یک کتاب و به یک شیوه است و یک نوع معنی و مطلب در آن بیان می شود نزدیک به نه هزار لغت بکار برد است و ما ، شاید برای انشای هزار کتاب و هزار مضمون و معنی همانقدر لغت بکار می بریم .

حاصل این محدود بودن دامنه لغات و تعبیرات است که شیوه نگارش ما همیشه یکسان و یکنواخت می نماید .

بعضی از نویسندهای کتابهای گوناگون می نویسندهای ترجمه می کنند . یکی داستانیست مربوط به زندگی امروز که در آن کسانی از طبقات مختلف اجتماعی معرفی می شوند و با خواننده سخن می گویند . یکی دیگر ترجمه منظومه پهلوانی مانند شاهنامه است . یکی

اگر کسی در یکی از این رشته ها کتابی بنویسد که هنر در انشای عبارت و بیان مطلب دلنشیں و ستودنی باشد او را کذشته از عنوانی که دارد « نویسنده » هم می خوانند . پس ، نویسنده هنر « خوب و زیبا نوشتن » است در نوشته هایی که مطلب صریح و ثابت است و بر حسب ذوق و سلیقه هر کس تغییر پذیر نیست اندیشه نویسنده ، مجالی برای جولان ندارد و هنر نویسنده کی به این مقصود می شود که نوشته درست و ساده باشد تا خواننده هرچه زودتر و بهتر مقصود را دریابد . اما آنجا که مراد بیان اندیشه و خیال خاص نویسنده است میدان فراخ تر و مجال عرض هنر بیشتر است « نویسنده » بمعنی خاص کسی است که اندیشه یا خیالی در سر دارد که می پندرد در سر دیگران نیست و این ساخته ذهن خود را بوسیله نوشتن بدیگران می نماید . باین معنی نویسنده « آفریننده » است یعنی چیزی بوجود می آورد ، یا عبارت دیگر اجزائی را ترکیب می کند و از آنها صورتی می سازد که پیش از آن نبوده است بموجب این تعریف است که نویسنده « هنرمند » شمرده می شود زیرا که تعریف هنر جز همین خلق و ابداع نیست .

اما نویسندهای نیز مانند همه هنرهای دیگر دو جنبه دارد که یکی معنی و دیگری صورت آنست . معنی ، اندیشه و خیالیست که ذهن هنرمند آفریده است و صورت الفاظی است که برای بیان آن اندیشه و القای آن به ذهن دیگران بکار رفته است .

در این شک نیست که معنی بسیار مهم است و اگر بدیع و دلنشیں نباشد لفظ و عبارت بیهوده و تهی

امروز است . جمع این دو اصطلاح مختلف در یک عبارت درست مانتند آنست که مردی کلیچه و ارخالق بپوشد و کلاه سیلندر بر سر بگذارد و در کوچه و بازار راه برود .

این نویسنده باید بداند که برای هر نوع تغییر گنجینه خاصی از لغات و اصطلاحات هست این گنجینه ها را با هم نمی توان آمیخت و مواد هریک را با هم ترکیب کردن جز " بد ترکیبی " حاصلی نمی دهد . نوع دیگر " ناهمواری " اختلافی است که میان مفاهیم و شیوه بیان آنها وجود دارد . برای آنکه بتوانیم طرز تعبیر طبقات مختلف اجتماع را بیان کنیم همین بس نیست که صورت ملفوظ کلمات را مراعات کنیم باید دید که آیا مفهومی که در عبارت بیان می شود متناسب با ذهن کسی که آن جمله را به او نسبت می دهیم هست یا نیست .

بعضی از نویسندها امروز ذوقی دارند که وقتی از زبان طبقه سوم عبارتی نقل می کنند کلمات را بصورت مستعمل عوام ثبت کنند ، این در ادبیات همیشه شیوه بیان معرف نویسنده است ، باین معنی که هر نویسنده ای سبک خاصی دارد که به آن شناخته می شود و از سبک دیگران بکلی جداست . برای مثال میتوان گفت که در شر فارسی دو کتاب کلیله و دمنه و قابوسنامه تقریبا در یک دوره تألیف شده است و حال آنکه تفاوت شیوه انشای این دو کتاب را با خواندن چند سطر از هریک می توان به آسانی باز شناخت . اما امروز کتاب ده نویسنده را که بخوانید و با هم بسنجید می پنداشید که همه از یک دماغ تراویده و از یک قالب درآمده است .

تاریخ است ، یکی بحث سیاسی و اجتماعی است ، اما زبانی که در همه این آثار متعدد و مختلف بکار رفته است یکیست . یعنی خواننده از روی نوع لغات و کیفیت تعبیرات نمی تواند در یابد که موضوع کتاب از چه قبیل است .

حاصل این فقر زبان آنست که اغلب نویسندها در موارد مختلف و متعدد و برای بیان معانی گوناگون تنها یک لفظ را می شناسد و بکار می بردند همین روزها داستانی از نوشه های معاصران می خواندم ، در دو سه صفحه آن چندین بار کلمه " بخارط " بچشم خورد و خاطرم از فقر ذهن نویسنده بیچاره آزد . یکجا آنرا در معنی " برای " آورده بود و جای دیگر در مورد " بسبب " و یکجا بجای " بمناسبت " و در جاهای دیگر بمعانی دیگر . این کلمه که نمیدانم کدام ذوق ترکانه آنرا از خود در آورده و در دهان نویسنده زبردست امروز انداخته است در سراسر ادبیات گرانبها و دلایل فارسی یکبار هم باین معانی نیامده است اما جناب نویسنده کجا فرصت و ذوق آنرا دارد که باین نکته ها پردازد . می خواهد با نخستین کلماتی که بخارط می گذرد کار خود را بگذراند و صفحه را به پایان برساند .

از آن معلوم می شود که هنوز لغات و تعبیرات در ذهن نویسنده نپخته و درست بهم نیامیخته است .

چند روز پیش بود که در نوشه یکی از معاصران این عبارت را می خواندم : " بی گمان ! هنوز هیچی نشده ! از خواندن این جمله بخنده افتادم " بی گمان " اصطلاح فردوسی و امثال اوست و در زبان امروزی رایج و معمول نیست اما " هیچی نشده " تلفظ بازاری

مورد ایراد نیست ، و حتی فرض می کنیم که در این کار نویسنده محترم بسیار هنر کرده و شاهکاری نشان داده است . اما آخر کلمه " وجدون " در ذهن کسی که اینطور حرف می زند وجود ندارد ، این کلمه را آقای فکلی مدرسه رفته و " اداره رو " البته بسیار در عبارتهاي خود بكار می برد . اما مردم ساده عامی که اصلاً چنین مفهومی در ذهنشان نیست ، آنچه در نویسنده‌گی دشوار است پیدا کردن طرز تفکر خاص هر صنف و طبقه و یافتن تعبیراتی است که هریک برای بیان اندیشه خود بکار می برد . ثبت کلمات بصورت عامیانه آنها کار دشوار و مهمی نیست و بهر حال مدامی که با معنی تطبیق نکند از استعمال آنها جز عباراتی ناهموار حاصل نخواهد شد .

تصحیح آقای دکتر نورالدین انوری در مقاله :
" شرح حال آقای جمشید بهرام حسین آبادی "
این تصحیحات را تقاضای اصلاح نموده اند :
صفحه ۵۸ سطر ۲ لوح ستون دوم - خواش اشتباه
است (خواهش) درست است .
صفحه ۵۹ سطر ۳ ستون اول - بی رمنای اشتباه
است (بیرضای) درست است .
صفحه ۵۹ سطر هفتم ستون دوم - انجمن
زردشتیان مهریان و جمشید را دعوت کرد .
صفحه ۵۹ سطر ۱۲ ستون دوم - جناب نوشیروان
اشتباه است جناب (جمشید) درست است .

استقلال شیوه بیان نشانه استقلال اندیشه و ذوق است ، نویسنده‌کان ما با این بی مبالاتی که در اتخاذ شیوه خاص دارند نشان می دهند که صاحب ذوق و اندیشه مستقلی نیستند و همه همنگ جماعتند .

ناهمواری :

نقص دیگری که در نوشته های امروز دیده می شود " ناهمواری " است کاهی نویسنده ای بگمان خود می کوشد که دامنه لغات و تعبیرات خود را وسیع کند ، کتابی از ادبیات قدیم می خواند و چند لغتی از آن بیاد می سپارد . اما نمی داند که این لغات در کدام شیوه تعبیر و کدام مجموعه الفاظ باید کنجدانیده تا مناسب و بجا باشد . عبارتی می سازد که یک لغت آنرا در فلان کتاب کهن می توان یافت و لغتی دیگر از آن خاص عوام امروز است اینگونه عبارتهاي " ناهموار " درنوشته های امروز کم نیست و این خود از نشانه های آشکار خامی کار نویسنده‌گانست زیرا کار عیی ندارد اما هنر بزرگی هم نیست و بهر حال تنها با مراعات این شرط نویسنده نمی توان شد .

اما آنچه عیب است و شأن بی هنری است آنست که اغلب مفهومی که در جمله بیان می شود هیچ تبنی‌سی با طرز فکر و عبارت این طبقه که نویسنده مدعی توصیف فردی از آنهاست ندارد .

در نوشته یک آقای نویسنده (که از قول مرد عامی گفتگو می کرد) چنین عبارتی خواندم " آخه چتو وجودنش راضی میشه ! "

اینکه کلمات " آخر " و " چطور " و " میشود " را به صورت " آخه " و " چتو " و " میشه " نوشته بود

مهاجرت در بلیز و تحقق رویاهای من

نوشته خانم سیلویا نبلو د واکواز

ترجمه :

داشته ام حتی در موقعی که خواسته ام از وظیفه مقدس تبلیغ لمحه ای فارغ باشم جز توجه باین امر مهم نیت دیگری نداشته ام " زندگی بطور کلی سراسر امتحانات الهی است که افراد در بوته آزمایش قرار گرفته و تهذیب میشوند . مهاجرت وسیله تشید این مهم است . پدرم چند سال قبل با اقدام به مهاجرت به بلیز درس انقطاع را آموخت ، داستان او شنیدنی است: نخستین تصمیم والدینم برای کسب معیشت در بلیز بازکردن یک رستوران بود بزودی معلوم شد که عایدات رستوران قادر به تأمین وضع مالی خانواده ما که در آن زمان عبارت از پدر و مادر و سه تن از ۶ فرزند خانواده بود نمی باشد . پدر و مادرم تمامی پس انداز خود را صرف آن رستوران نمودند و چون درآمد کافی نبود بجای تعطیل آن بفکر راههای دیگری برای امرار معاش افتادند . ما اولین افرادی بودیم که در آن شهر Cayo بستنی فروختیم ، بعلاوه ماهی یکبار پدر برای خرید ماهی یخ زده بیکی از شهرهای ساحلی جنوب میرفت ماهی ها را یا در شهر میفروختیم و یا در رستوران بمصرف میرساندیم ، یکبار من و برادرم که ۹ و ۱۴ سال داشتیم همراه پدر برای خرید ماهی راهی شدیم در هنگام مراجعت به شهر Cayo با دو هزار پوند ماهی یخ زده در پشت کامیون پدرم ، بعثتا کامیون دچار نقص فنی شد و متوقف گشت . پدرم که فوق لیسانس جامعه شناسی دارد از مکانیکی اتومبیل اطلاعی ندارد لذا بانتظار کمک نشستیم و دعای " هل من مفرج . . . " را خواندیم تا اینکه وسیله نقلیه ای

امشب بعد از غروب برای دختر دو ساله ام مناجات میخواندم ، هنگام خواندن بفکرم رسید بهتراست تسليم ترس ناشی از کابوس دیشیم گشته و پشه بندی بر روی کهواره طفل بگذارم تا او را از احتمال گزند سقوط عقرب از سقف بر روی تخت کوچکش محفوظ دارم .

پس از ده سال زندگی در بلیز Belize ندرتا عقربها و سایر جانوران را در افکارم راه میدهم ، ولی داشتن فرزند و همچنین کابوسهای اخیر من گاه بگاه با خاطره ترسهای دوره کودکی ام را که فراموش کرده بودم دوباره زنده می کند . سرانجام از نصب پشه بند منصرف شدم و این تصمیم بیشتر از این بابت بود که مطمئن نبودم که اصلاً پشه بندی داشته باشم ، فی الحقیقه نشو و نما در مهاجرت مفهوم عمیقتی در مورد اهمیت بهانی بودن بن داده که بیش از معنا و مفهومی است که در صورت ماندن در کانادا نصیب میگشت . ممکن است بپرسید چرا ؟ در پاسخ خواهم گفت :

از دوران کودکی واقعیتی در وجودم بود که هیچگاه از آن گریزی نداشته ام ، در انجام هر کاری ، در برخورد با هرگونه ناملایمات و امتحانات ، در مورد هر تصمیم خواندن هر مناجات ، هر حرکت توأم با ایثار و از خود گذشتگی ، هر شغل و تقریباً هر مکالمه که

سردخانه ای وجود ندارد . دو ساعت زیر آفتاب سوزان بدین ترتیب سپری شد . از دست دادن ماهی ها موجب مراجعت به کانادا و از سرگرفتن زندگی مان بود . در حالیکه پدر و مادرم که به عشق خدمت با مر حضرت بهاء الله بهاجرت آمده بودند راضی باشند کار نبودند . پدرم مشغول زیارت لوح احمد شد و با

ظاهر شد و ایستاد راننده این اتومبیل مکانیک بود و کامیون ما را بکار انداخت اما بعد از ۱۵ دقیقه کامیون دوباره از حرکت ایستاد ، بار دیگر چشم براه کمک شدیم . بلیز کشوری استوانی است و آنروز فوق العاده گرم و طاقت فرسا بود . معیشت ما بستگی به رساندن این ماهی ها بخانه قبل از آب شدن یخهای آن بود ،



حضرت بهاء الله به نیایش پرداخت که « یا جمال مبارک اگر مشیت چنانست که دار و ندار ما از بین برود و دو باره به کشور خود عزیمت کنیم ما تسلیم هستیم » پدرم به موتور کامیون نظری انداخت و متوجه لوله ای شد که بجانی وصل نبود دقیق تر نگاه کرد و سر دیگر آن لوله را پیدا کرده این دو را بهم متصل نمود لبخندی بر چهره او ظاهر شد . برادرم رابین Rabin پرسید پدر چرا لبخند میزنی ؟ پدرم در جواب

مجددًا دعای « هل من مفرج . . . » را بدفعات خواندیم . پدرم با نگرانی و اندوه فراوانی قدم میزد . کامیونی پر از افراد محلی از راه رسید . سرنشیان کامیون کاربراتور ماشین را باز کردند و دوباره نصب نمودند ولی کامیون روشن نشد . کامیونی دیگری از راه رسید و راننده آن پیشنهاد کرد که محموله ماهی ها را به شهرک بعدی برساند و در سردخانه آنجا بامانت بگذارد . اما پدرم میدانست که در شهرک بعدی

صد آمار با سوادی در بلیز اکثر مردم یا قادر به خواندن نیستند و یا سواد کافی برای خواندن ندارند و این خود موجب دشواری تحکیم ایمان نفوس می‌گردد . امیدوارم که با ایجاد توسعه مؤسسه‌های این مشکل برطرف گردد . با وجود این تائیدات الهی وافرست بطوری که سه تن از اعضای محفل ملی جوان و زیر ۲۰ سال هستند یکی از این سه خانمی است که رئیس محفل می‌باشد یکی از اعضاء هیئت معاونت نیز جوان است . گرچه مسافرت کار دشواری است ، اما من که در این کشور مدتی زندگی کرده ام دیگر احساس مهاجر بودن نمی‌کنم ، اکثر مهاجرین هنگام ورود به محل مهاجرتی دچار شوک فرهنگی می‌شوند . اما من بقدرتی به بلیز خو گرفته ام که به فرهنگ مردم اینجا بیشتر از فرهنگ کانادانی احساس نزدیکی می‌کنم . مهاجرت یعنی انقطاع ! امیدوارم روزی این مفهوم را دریابم ، تسریع جریان تبلیغ دسته جمعی که همانا هدف نقشه منع چهارساله می‌باشد مستلزم مدد و یاری عموم احبابی الهی است . بزرگترین آمال آن است که من و خانواده ام بتوانیم در پیشبرد این سیر تاریخی سهمی ایفا کنیم تا جامعه بهانی بلیز همان جامعه پر بار و متعدد و پر تحرکی گردد که در رویاهایم بوضوح می‌بینم .

یاد جناب دکتر احمدیه مشاور محترم قاره ای که از مهاجران اولیه بلیز بود بخیر ، ایشان تا خاتمه حیات در آن دیار به خدمت امر قائم و در نشر نفحات بروش ابداعی خود کوشنا بود

گفت خوب تماشا کن و بعد کامیون را برای انداخت و ما موفق شدیم که محموله ماهی ها را موقع به شهر خودمان برسانیم ، آنروز پدرم درس انقطاع و توکل را بخوبی فرا گرفت .

کشور بلیز و جامعه بهانی آن :

بلیز کشور کوچکی است با جمعیتی معادل زادگاه من در کانادا یعنی شهر ساسکاوتون Saskatoon که ۲۰۰،۰۰۰ نفر در آن سکنی دارند . مردم بیشتر فوق العاده خون گرم هستند . در این کشور نژادها و اقوام مختلفی زندگی می‌کنند . محل زندگی من یکساعت و نیم با دریای کارائیب فاصله دارد . مردم در این حوالی اکثرا Creole (که نتیجه آمیزش سیاهپستان با سایر نژادها است) می‌باشند . ولی اخیرا جمعیت افرادی که اصالتا از امریکای لاتین می‌باشند رو به ازدیاد است منهم بنوبه خود با ازدواج با یکنفر از اهالی هندوراس که در موقع مهاجرت کوتاه مدت خود در آن کشور با او آشنا شدم به ازدیاد جمعیت این ناحیه کمک کرده ام ما در بلیز ازدواج کردیم ، دخترمان در اینجا بدینا آمد و بنظر میرسد دومین فرزندمان هم در اینجا دیده بجهان خواهد کشود .

جامعه بهانی بلیز کوچک و با مشکلات مختلفی دست و پنجه نرم می‌کنند . تبلیغ آسان است ، مردم به گفتگو در مورد خدا علاقمند هستند و بیشتر به تعالیم دیانت بهانی که موافق روز است جذب می‌شوند . اما جریان تحکیم و پایداری مصدقین جدید بکنندی پیش می‌رود . با وجود آمار رسمی مبنی بر ۹۵ در

خیمه وحدت

قراجه داغی

فرصت امروز اگر فردا شود
 هر که نبود زینهمه رسوا شود
 یک به یک طغیان کند دریا شود
 هر دلی بر دوستی شیدا شود
 آتش اندر دفتر یلدا شود
 آن چو وامق وین یکی عذرآ شود
 منقضی این دوره دعوا شود
 هر که با ما نیست او با ما شود
 آنچه را گم کرده ای پیداشود

نظم دیگر در جهان بر پا شود
 دستها را می دهنند بر هم همه
 قطره قطره داشش هر سینه ای
 دل نخواند نامه هر دشمنی
 فصل دیگر آید و اصل دکر
 می نماند نام گرگ و نام میش
 خود الفبای ادب گردد یکی
 در بیابان خیمه وحدت زنند
 چونکه پنهان شد طریق تیرگی

ردای فقر

زَرَّيْنِ تَاجِ ثَابِت

خوشابهحال خسته ای که سرنهد به پای تو
 خوش آن زیان که می کند رصدق دلشنای تو
 که تو پناه عالی نه مامنی سوای تو
 شوند زنده مردگان ز لعل دلربای تو
 گذشته او ز عالی ز جذبه ولای تو
 خوشابهحال آن کسی که بشنوهند ندای تو
 برد ز دل غبار غم لقای دلگشای تو
 بهشت جانفرزای من همه بود رضای تو
 به تاج سلطنت نظر کجا کند گدای تو ؟
 رسم بر اوج مهر و مه چو ذره در هوای تو
 که هر علیل بینوا طلب کند شفای تو
 به گوش دل همی رسد زهرطرف صلای تو

خوشابهحال آن دلی که می طپد برای تو
 ترا ثنا ر جان کنم نیاز دل بیان کنم
 رواست کر هزار جان به پای تو شود فدا
 ملاذ خستگان تونی نگار مهریان تونی
 اسیر مهر تو کجا به جز رخت نظر کند ؟
 خدای این جهان تونی بهای این زمان تونی
 بهر کجا نظر کنم به بینم از طرب نشان
 کنیز درگه توام رهی دهم به کوی خود
 ردای فقر چون مرا نصیب شد زفضل تو
 چو تاج زرنهادهای زلطف خویش برسرم
 ز روی مکرمت مگر براین کنیز خسته دل
 نسیم نوبهار تو نموده زنده جسم و جان

که در کارگاههای مربوطه که مجموعاً ۵۱ ساعت برای دوره ۱۹۹۹ و ۵۰ ساعت برای دوره ۲۰۰۱ منظور گردیده بود پیش میخورد . استفاده از محضر اساتید ورزیده در سمینارها جمیاً ۶۸ ساعت در دوره ۱۹۹۹ و ۴۴ ساعت در دوره ۲۰۰۱ صورت کرفت و بر دانش مشترکین افزوده و آنان را بطورمحسوس بعنوان نیروهای انسانی پرتوان برای خدمت به استان الهی آماده می سازد .

در دوره سوم چه گذشت ؟

هر صباحگاه تلاوت ادعیه و مناجات در وقت مخصوص مشرق الاذکار دانشجویان را به قوای روحانی مسلح و برای روزی پرکار آماده میساخت . در ساعت صباحگاهی تا نصف النهار گروهی بر مرکب عقل سوار و به تحقیق و تحلیل حقائق امریه پرداخته عقل را بجان عشق می انداختند . استاد صاحبنظر ژرف نگری چون دکتر وحید بهمردی آثار مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت رب اعلی را تلاوت و از بحر زخار آثار مبارکه در شاهوار استخراج و در برابر دیدگان دانشجویان قرار داده بر انجذاب و اشتعال روحانی آنان میافزود .

سخنور پرتوان و دانشمندی ارجمند چون دکتر وحید رافتی به سنجش دانشجویان پرداخته راه و رسم تحقیق بر آنان آشکار می نمود .

شاهزاده روحانی از کوی محبوب ، هنرمندی سرشناس از قوای روحانی با دنیائی احساس داستان عشق دلداده قلعه زنجان را در بر ابر دیده گان زنده نمود ،

خانم کلوریا شاهزاده یکان یکان دانشجویان را طی ساعاتی محدود آزمود و آموخت .

نگاهی به فعالیتهای دوره سوم معهد فیضی

از تاریخ ۲۰ ژانویه تا ۱۴ فوریه ۱۹۹۸

لندک - سویس
(فرستنده معهد فیضی)

۱ - آغاز دوره :

سومین دوره فشرده تحصیلی معهد فیضی در آکادمی لندک در کشور سویس در بعد از ظهر ۲۰ ژانویه ۱۹۹۸ با حضور ۴۷ نفر دانشجویان دو دوره اول و دوم تشکیل گردید .

۲ - نگاهی به فعالیتهای دوره سوم :
اساتید والاگهر دوره :

شور و هیجان و شوق دانشجویان از زیارت اساتید محترم و استفاده از محضر آنان کاملاً محسوس بود . اساتید ارجمندی چون جناب دکتر وحید رافتی مدیر مستول دائره تحقیقات بین المللی بهانی ، سرکار خانم کلوریا شاهزاده از مرکز جهانی ، جناب دکتر وحید بهمردی از چکسلواکی ، جناب رمزی زین از لبنان ، جناب حبیب ریاضتی از امریکا ، جناب دکتر حسین دانش از سویس ، جناب دکتر نبیل مصطفی از انگلستان بتدریج در لندک حضور یافته به پروگرام پر محتوای دوره ارزشی خاص بخشیدند .

حضور مشاور ارجمند جناب سیروس روحانی :

حضور مشاور محترم قاره آسیا جناب سیروس روحانی که از بنیاد گذاران این معهد میباشد سبب شور و هیجان دانشجویان و دلگرمی و راهنمایی خادمین معهد گردیده در موارد مختلف از توجیهات ایشان استفاده کامل عمل آمد .

پروگرام دوره سوم :

آنچه در پروگرامهای دو دوره ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ جلب توجه مینماید بکارگیری قوای مکنونه دانشجویان بود



شد که جواب آن بواسطه دارالانشاء واصل و نهایت عنایت را به شرکت کنندگان دوره سوم معهد فیضی بیان و می فرمایند :

”...دoustan-e aziz آن بلاد که همواره در سبیل عبودیت جمال ابھی پویا بوده و توفیقات عظیمه رسیده اند مستحقند که جوانان مهذبشن در کسب کمالات معنویه نیز بر مراحل عالیه ارتقاء یابند تا در خدمات آینده به آستان الهی از جمیع جهات مجهر و آماده شوند .

جمعیت شرکت کنندگان مطمئن به ادعیه حاره معهد اعلی در مقامات مقدسه علیا جهت شمول تائیدات شدیده ملء اعلی باشند .

با تقدیم تحيات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم

استاد پرکار جناب حبیب ریاضتی در نهایت انجداب و خضوع و خشوع در باره تأسیس مدینیت الهیه و حل مشکلات جهان از دیدگاه امر مبارک مطالبی جالب و جامع و آموزنده بیان داشتند .

دکتر حسین دانش ، دانشمند قادر و مدیر پر تجربه آکادمی لنده طی ۱۱ ساعت استادانه مبحثی ذیقیمت در باره روحانیت و روان شناسی بیان داشتند و آفاقی جدید از نقطه نظرگاه دیانت بهانی در مقابل دیدگان گشودند .

دکتر نبیل مصطفی طی ۲۰ ساعت مقدمه ای بر علم اقتصاد از دیدگان دیانت بهانی مطرح داشته که با استناد بر موازین امری مستله اقتصاد را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند .

ضمنا عرضه ای به ساحت ارفع معهد اعلی تقدیم

مختلف کشور آلمان مسؤول اخذ تصمیم نهائی در مورد بررسی بهترین روش ارائه شده و ارزش علمی و کار برد آن میباشند . این جایزه همه ساله به ۲ یا ۴ نفر از پژوهشگان در بخش بررسی بهترین روش ارائه Ruality Assurance و ارزش علمی و کاربرد آن تعلق می گرفت ولی هیئت فوق امسال تصمیم گرفت آنرا تنها به یک نفر اهدا نماید.

احتیاجات روان درمانی بیماران را برآورده نماید . اکنون با معرفی این برنامه کامپیوتري روانپژوهان برای قادر خواهند بود به بررسی و موشكافی جزئيات آزمایشات انجام شده بر روی شخص بیمار پردازند . بعلاوه این برنامه جدید این امکان را به پژوهش خواهد داد تا در صورت لزوم دست به آزمایشات پیشرفته تری نیز بزند . آقای دکترپژوهگیان راجع به این جایزه چنین می نویسند : " ... این جایزه بزرگترین جایزه ایست که در اروپا به پژوهشگان اهدا میشود . یک گردهم آنی ۹ نفره از نقاط

موفقیت یک پژوهش عالیقدرت بهائی

یکی از روانپژوهان عالی رتبه بهائی مقیم کشور آلمان مفتخر به دریافت جایزه بزرگ Richard Meter شده اند .

دکتر نصرت پژوهگیان مؤسس روش Positive Psychotherapy " روان درمانی مثبت " و رئیس یک مرکز بین المللی تحت همین عنوان ، با تهیه یک برنامه کامپیوتري برای استفاده در کلینیک های روان درمانی توانسته اند روش جدیدی در این زمینه از روانپژوهی ارائه نمایند .

در مقاله ای که در این مورد از طرف هیئت Jiesbadener Weiterbildungsrreis منتشر گردید ضمن معرفی دکتر پژوهگیان برنده جایزه Richard Merter در سال ۱۹۹۷ چنین آمده است : در طول سالهای گذشته عالم پژوهشی در پی یافتن روش مؤثری بود که با مخارجی کم بتواند





*Dr. med. Nossrat Peseschkian,
Preisträger des Richard-Merten-Preis 1997*

در جلسه با شکوهی که در روز ۱۰ دسامبر گذشته در Remhartshausen Castle با حضور ۱۴۰ نفر از افراد برجسته شهر و ارباب جراید جهت بزرگداشت این موققیت علمی جناب دکتر پزشکیان تشکیل یافت ، که ایشان فرصتی یافتند تا عقاید خود را بعنوان یک فرد بهائی بیان کرده تعالیم دیانت بهائی را به سمع حاضران برسانند .



ضمن ربط این علل به وضعیت کنونی جهان مشکلات احباء را در راه ابلاغ امرالله مورد بررسی قرار دادند . سپس ضمن صحبت راجع به پیام بیت العدل اعظم الهی در مورد امر اعظم تبلیغ و اقبال جمعی به دیانت بهائی چنین نتیجه کیری نمودند که چگونه تحقیقات علمی احباء الهی را در نیل به این هدف یعنی اقبال جمعی راهنمایی می نمایند که چه کرد همانی از افراد در جوامع مختلف در این برده از زمان بیشتر به دیانت حضرت بهاء الله گرایش نشان خواهند داد .

ایالات متحده آمریکا :

ابلاغ کلمه الله بوسیله کروه جوانان : در یک جلسه بسیار موفقیت آمیز تبلیغی که در مدرسه وحدت Delray Beach - وابسته به کلیسا در ناحیه دلری بیچ ایالت فلوریدا تشییل گردید مدیر مدرسه که قبل احباء آن ناحیه آشنائی داشت از جوانان بهائی دعوت کرد تا از این مدرسه بازدید نمایند در بد و ورود جوانان بهائی را با خوش آمد گوئی بسیار گرمی مورد استقبال قرار دادند . تقریبا تمام دانشجویان و والدین ایشان بلوزهایی با شعارهای بهائی پوشیده بودند . تمام دکور سالان ها نیز از کتابخانه بهائی ابتداع شده بود .

اطریش :

کنفرانس تبلیغی " مارتاروت " ثمرات عظیمه بیار آورد . در کنفرانسی که در ایالت اوهرید Ohrid مدونیا در فوریه گذشته تشکیل شد بیش از ۶۰ نفر از احباء ، اعضاء هیئت معاونت و اعضاء محفل روحانی ملی اطریش شرکت داشتند . احباء آلبانی و مبلغین سیار از کشورهای کانادا ، ایتالیا و مهاجرین

اخبار و بشارات امریکه

ترجمه و اقتباس از اخبار بین المللی بهائی فیلیپین :

در نتیجه اسفار مبلغین امرالله در ناحیه مینداناؤ Mindanao جمع کثیری به امرالله ایمان آوردد .

دو نفر از اماء الرحمان ناحیه کالنیان Calinan داوطلب شدند تا از ماه اکتبر گذشته بمدت ۴ ماه به اسفار تبلیغی پردازند و حتی الامکان نقاط جدید را فتح نمایند . در ظرف مدت سه هفته در ماه دسامبر این مبلغین بین المللی توانستند ۸ نقطه را فتح نمایند . طبق قرار واصله تنها در آن ناحیه جمعا ۹۱ نفر که ۱۹ نفر از ایشان را جوانان تشکیل می دادند به امرالله اقبال نمودند . در نتیجه تبلیغ ناحیه ای تصمیم گرفت جهت انتخاب محفل روحانی احباء بیشتری را به آن ناحیه اعزام دارد . در میان یارانی که جهت کمک به تأسیس محافل اعزام شدند یک عضو هیئت معاونت و یکی از اعضاء محفل ملی بچشم می خوردند . ایشان علاوه بر تأسیس محافل جلسات تزئید معلومات ، کلاسهای درس اخلاق و جلسات دعا و مناجات نیز تشکیل دادند . در ماههای اکتبر و نوامبر نیز در طول همین پروره تعداد زیادی از افراد بومی به امرالله ایمان آورده بودند .

انگلستان :

دلیل تغییر مذهب مردم چیست ؟ در جلسه ای که در روز ۱۶ دسامبر گذشته تشکیل گردید آقای دکتر ایاین پالن Iain Palin در مورد علل تغییر مذهب افراد مختلف صحبت نمودند . ایشان

موفقیت علمی جوانان بهانی در واقع باعث افتخار جامعه بهانی است بخصوص اگر این موفقیت ها همراه بالنجام خدمت در سبیل حق باشد . ” در حال حاضر فرناز در زاپن بسر میبرد و در یک مدرسه که بوسیله معلمان و کارمندان بهانی اداره میشود مشغول خدمت است . فرناز در نظر دارد شش ماه در این مدرسه خدمت کرده سپس در آفریقا در کنار افراد خانواده اش شش ماه دوم خدمت خود را بکذراند . بعد از پایان سال فرناز قصد دارد برای ادامه تحصیل به استرالیا مراجعت کند .

شیلی :

تشکیل اولین کنفرانس جوانان آفریقای لاتین : ششصد و شصت و دو نفر از جوانان از ۲۵ کشور مختلف در اولین کنفرانس جوانان آمریکای لاتین شرکت کردند . هر نهانی بیش از شصت نفر از احبابی بومی از ۴ کشور مختلف ناحیه و موزیک و ریص ایشان از جمله بهترین برنامه های کنفرانس بود . بیت العدل اعظم الهی و هم چنین امة البهاء روحیه خانم پیامی جهت شرکت کنندگان این کنفرانس ارسال فرموده بودند . جهت تقویت روحانی جوانان حاضر پیام امة البهاء در بین ایشان توزیع گردید . در روز سوم کنفرانس بدنبال سخنرانی یکی از اساتید دانشگاه یکی از احباء بومی مطالبی در مورد نهضت جوانان آمریکای لاتین ایراد نمود . در پایان برنامه نمایشگاهی در باره توسعه اجتماعی که بوسیله هشت سازمان غیر دولتی ترتیب داده شده بود توجه حاضرین را بخود جلب نمود . در پایان این کنفرانس چهار روزه ۱۱ نفر از شرکت کنندگان به امرالله ایمان آوردند و هزاران نفر بوسیله برنامه های رادیویی و مقالات

مقیم مدونیا در این کنفرانس حضور داشتند . یازده نفر از احباء که قبل از تشکیل کنفرانس ایمان خود را به این امر اعظم اعلام داشته بودند نیز در میان جمع حضور داشتند و دو نفر نیز در طول جلسات مؤمن شدند چهار نفر دیگر نیز روز بعد به جمع مشتاقان پیوستند . برنامه کنفرانس که به بهترین وجه تهیه شده بود شامل مطالب ذیل بود : نظم اداری بهانی ، تعالیم بهانی و حیاة بهانی .

کلمبیا :

پروژه تبلیغی منجر به اقبال ۸۰۰ نفر گردید . محفل روحانی ملی کلمبیا با مساعدت و همکاری لجنة ملی تبلیغ موفق به تشکیل جلسات تبلیغی در ۱۲ ناحیه مختلف آن کشور گردید . استقبال احباء آن کشور بخصوص جوانان و شرکت صمیمانه ایشان در این پروژه تحسین آمیز بود . تعداد ۱۴۴ نفر از احباء جهت تبلیغ کمر همت بیان بستند . در طول این پروژه تبلیغی ۹۴۷ نفر ایمان خود را به دیانت بهانی اعلام نمودند که نود در صد ایشان تازه تصدیق بودند .

استرالیا :

موفقیت چشم گیر یک جوان بهانی دوشیزه Pakenham فرناز ثابت یکی از جوانان بهانی پیکنهام واقع در ایالت ویکتوریا و دانشجوی کالج مسیحی بیکن هیلز Beacon Hills در میان چهل هزار دانشجو با معدل ۹۹/۵۹ جزء بیست نفر دانشجوی ممتاز کالج شناخته شد . فرناز که هفده سال دارد میگوید تنها تأثیرات حق شامل شد و گر نه من لایق چنین مقامی نبودم ، یکی از اعضاء هیئت معاونت اظهار کردند که :

اطلاعات بیشتری در مورد امرالله در اختیارش بگذارند تا بتواند این امر اعظم را بهتر به شاکردانش معرفی نماید.

انگلستان :

دلیل تغییر مذهب مردم چیست؟

در جلسه‌ای که در روز ۱۶ دسامبر گذشته تشکیل گردید آقای دکتر ایاین پالن Iain Palin در مورد علل تغییر مذهب افراد مختلف صحبت نمودند. ایشان ضمن ربط این علل به وضعیت کنونی جهان مشکلات احباء را در راه ابلاغ امرالله مورد بررسی قرار دادند. سپس ضمن صحبت راجع به پیام بیت العدل اعظم الهی در مورد امر اعظم تبلیغ و اقبال جمعی به دیانت بهانی چنین نتیجه گیری نمودند که چکونه تحقیقات علمی احباء الهی را در نیل به این هدف یعنی اقبال جمعی راهنمایی می‌نمایند که چه کرد همانی از افراد در جوامع مختلف در این برهه از زمان بیشتر به دیانت حضرت بهاء الله گرایش نشان خواهند داد.

كلمبيا :

پروژه تبلیغی منجر به اقبال ۸۰۰ نفر گردید. محفل روحانی ملی کلمبیا با مساعدت و همکاری لجنة ملی تبلیغ موفق به تشکیل جلسات تبلیغی در ۱۲ ناحیه مختلف آن کشور گردید. استقبال احباء آن کشور بخصوص جوانان و شرکت صمیمانه ایشان در این پروژه تحسین آمیز بود. تعداد ۱۴۴ نفر از احباء جهت تبلیغ کمر همت بیان بستند. در طول این پروژه تبلیغی ۹۴۷ نفر ایمان خود را به دیانت بهانی اعلام نمودند که نود درصد ایشان تازه تصدیق بودند.

جمهوری کنگو :

بدنبال برگزارش روز جهانی ادیان دفتر محفل ملی جان تازه‌ای گرفت. محفل روحانی محلی برازاویل Brazzaville از احباء ناحیه دعوت کرد تا در جلسه‌ای که به جهت بازسازی جامعه بهانی تشکیل شده بود شرکت نمایند. تعداد ۲۵ نفر از احباء در نهایت صفا و صمیمیت در این جلسه حضور داشتند. گونی هرگز جنگی در آن کشور بوقوع نپیوسته بود. از ساعت ۲ بعدازظهر کم کم میهمانان که روسای مذاهب مختلفه و کلیساها بودند از راه رسیدند. ارباب جراند و تلویزیون نیز در جلسه حضور داشتند. غروب همان روز مصاحبه‌ای که با یکی از اعضاء محفل ملی کنگو ضبط شده بود از تلویزیون پخش شد.

ایالات متحده آمریکا :

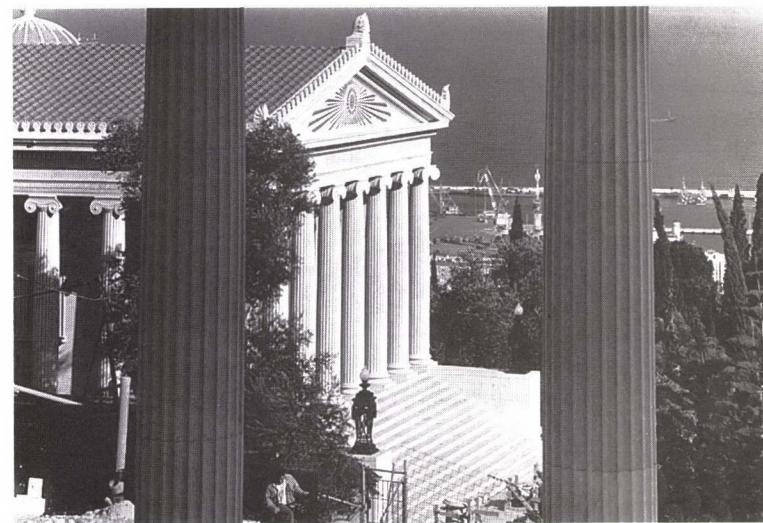
ابلاغ کلمة الله بوسیله گروه جوانان : در یک جلسه بسیار موفقیت آمیز تبلیغی که در مدرسه وحدت Delray Beach - وابسته به کلیسا در ناحیه دلری بیچ ایالت فلوریدا تشییل گردید مدیر مدرسه که قبل احباء آن ناحیه آشنایی داشت از جوانان بهانی دعوت گرد تا از این مدرسه بازدید نمایند در بدو ورود جوانان بهانی را با خوش آمد گونی بسیار کرمی مورد استقبال قرار دادند. تقریبا تمام دانشجویان و والدین ایشان بلوزهای با شعارهای بهانی پوشیده بودند. تمام دکور سالن ها نیز از کتابخانه بهانی ابتداء شده بود.

مدیر مدرسه از سرپرست جوانان تقاضا کرد تا

أخبار مصورة

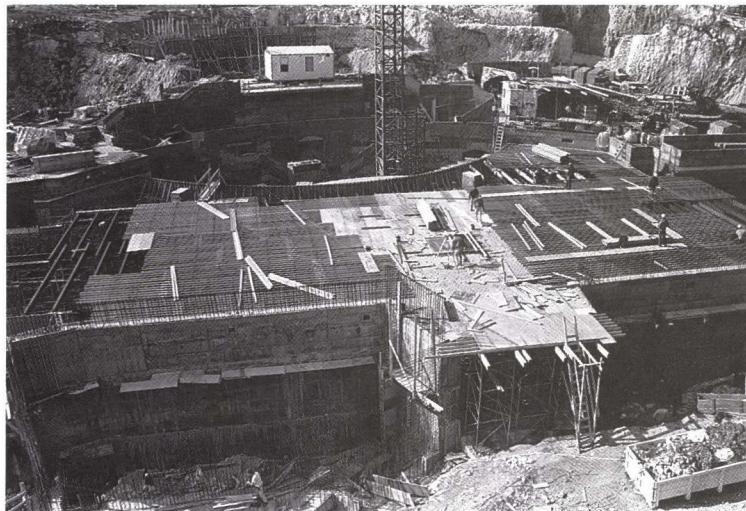


بوتسوانا : در طول مدرسه تایستانه که از تاریخ ۱۷ تا ۲۲ دسامبر گذشته در تلوکونگ Tlokweng برگزار گردید سرکار خانم بهیه وینکلر Winckler (نفر وسط در عکس) شرکت کردند . در طول جلسات این مدرسه خانم وینکلر خاطرات کرانهای خود در مورد ملاقات با حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله را برای حاضرین نقل کردند .



پروژه قوس کرمل ، این عکس روز ۹ زانویه از ایوان ساختمان دارالتحقیق بین الملکی کرفته شده . در عکس ساختمان دارالآثار دیده میشود . ستون های عظیم هر دو بنا بسبد " مکانی " تعییه شده است . قسمتی از تاج کبید طلائی مقام حضرت اعلی در عکس دیده میشود .

پروژه قوس کرمل : عکس فوق که در ۷ ژانویه کذشته برداشته شده قالب بندی پنجره سقفی ساختمان دارالتحفیق را که بشکل ستاره است نشان می دهد .



پروژه قوس کرمل - منظره ای از قالب ریزی پایه و کف پل روی خیابان هات زیون Hat zionut که در تاریخ ۴ فوریه برداشته شده دیده میشود .

قاره آسیا : پیانیست کانادایی آقای کیرو زوگرافو Kirov Zografov در طول سفر تبلیغی یکماهه خود به کشورهای هنگ کنگ ، کره ، ژاپن و تایوان با اجرای کنسرت های خود به تبلیغ امرالله پرداخت . عکس فوق ایشان را در حال هنرمندی در تایوان نشان می دهد .



نامه هائی از دوستان

۱ - جناب علی احمدی ضمن نامه ای خطاب به عندليب و هیئت تحریریه مینویسد :

ای طیر قدسی ای گل بوستان خدا - چشم ما برآه توست - تا سه ماه سپری شود
والحان الهی و غزل سرایی تو مجدداً تجدید گردد
ای کاش این غزل سرایی و آوازه خوانی روزانه بود و یا اقلأ هفتگی - باز هم برضای حق راضی یکماهه
می بود - سه ماهه طولانی است یک عمر است - سپری کردنش بسی سخت است - ای پیک الهی ما
ترا دوست داریم - و چشم برآه تو می مانیم چشم ما برآه توست برآه تو - تا زمین بریاست بریا . و
الحانت ابدی باد و یارانت پیروز و فیروز - و آوازت بر جمیع عالیان شنوا باد . ایدکم الله تائیداً و
تروفیقاً .

ضمناً قطعه ای هم در نعت حضرت عبدالبهاء جلـ ثناهه سروده اند از ایشان متشرکیم .

۲ - جناب جابری نامه ای محبت آمیز و تبریک عید اعظم رضوان برای عندليب فرستاده که صدر آن
طراحی و با خطی خوش نوشته شده است .

اسعد الله لك العيد بشكرانه بيا
لیک بی نقل و نبیت نگذارم هرگز
که مرا دیدن رخسار تو عید است سعید
خاصه امشب که شب نوش و نشاط است و نشید
و در ذیل نامه نوشته اند :

ساقی بیا که فصل گل و موس مل است
گلشن پر از گل است و چمن پر زنببل است
از موکب بهار گلستان پر از گل است
بر شاخ گل زشوق بدین نغمه بلبل است
کاین عید هست خوشتراز عید سال پار

مقدم سلطان گل عید اعظم رضوان را به سروارن عزیز در فصل ریبع به کارمندان عندليب گلشن وفا
تبریک و تهنیت عرض مینماییم ، سلامت و سعادت هرچه بیشتر را از آستان جمال رحمن ملتسمیم ...
۲ - نامه ای از آقای حشمت الله و خانم مارگریت رام رسیده که خلاصه آن چنین است و عکسی هم
فرستاده اند که ذیلاً چاپ میشود .

مجله عزیز و وزین عندليب الله ابھی
این بار با شوهرم دکتر حشمت الله رام متفقاً بار سفر بستیم و بکشور مالزیا رفتیم ظرف ۲۹ روز از ۲۴
شهر و دهکده بانچشه محفل ملی مالزیا دیدن کردیم زیارت احبا در نقاط دور بقدرتی لذت بخش بود
که حدّی بر آن متصور نیست جمیعاً ۱۱۵ نفر از متھریان حقیقت صحبت شد که ۱۱ نفر از آنان

تصدیق امر نمودند، محفل ملی شهر ملاکا از ما خواستند که در کلوب روتاری صحبت کنیم در آنجا با استفاده از جزوی Prosperity of Mankind استفاده نمودیم که بسیار موثر واقع شد یکی از شنوندگان که شخص مسلمان و متنفذی بود گفت ایکاش خانها هم در این جلسه شرکت میکردند ضمناً گفت هفته یک بار من معلم کلاس معمرین هستم و بآنها درس روحانیت میدهم . امشب تمام مطالبی که اینجا شنیدم برای آنها بازگو خواهم کرد و در همان شهر طبق امر محفل ملی در دانشکده حقوق از حقوق ، روحانیت صحبت شد که مؤثر واقع گشت .

موققیت خانم رام و شوهرشان را از ساحت قدس الهی مستلت داریم .



۴ - آقای امرالله دبستانی در نامه ای بعنوان عندلیب مینویسد :

امیدوار از درگاه جمال اقدس ابھی چنانم که تائیدات جمال قدم چون غیث هاطل بر همگی برسد ...
undenlib شماره ۶۲ واصل صمیمانه تشکر میکنم ، پاکتی که بدست حقیر میرسد به اسم عزیز دبستانی است اکر نام اصلی مرا میخواهید بnde امرالله دبستانی محل تولد یزد مدت ۴۷ سال است که در هندوستان مقیم هستم چهل سال در بمبئی و بعداً هم شهر پونه منتقل شدم ... ضمناً قطعه شعری هم فرستاده اند که چند بیت آن اینست :

بهار آمد بهار آمد نسیم از کوهسار آمد	صدای پای یار آمد کنار جویبار آمد
همه صحرابر از گل شد روان درباغ بلبل شد	شکوفه منتظر از دیدن ماه ایار آمد

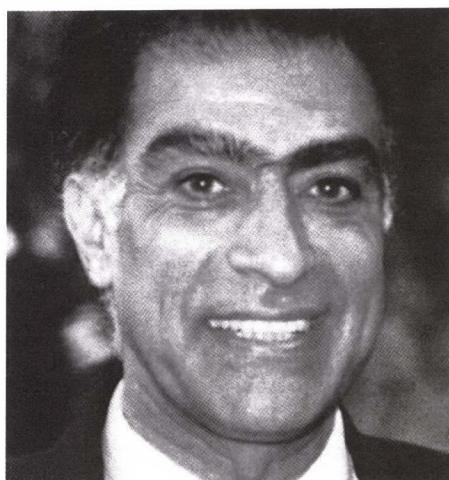
نظر بر بید مجnoon کن که از بیحاصلی محزن
سرش رازیرا فکند بهستان شرمسار آمد
بخلوتگاه مشوقان بدیدم ساقی و جامی
بُدم در انتظار می که ناگه اذن بار آمد . . .
۵ - خانم بهیه مدحت ، شرح حال خواهر خود خانم شوکت بدیعی را فرستاده اند که خلاصه آن
چنین است

.... ایشان خانمی خود ساخته بودند قبل از ایمان پدر مادر در سن ۱۶ سالگی در اثر معاشرت با
دختر خانم بهائی بامر مبارک مؤمن شدند . خانمی بود بسیار صبور در مقابل ناملایمات زندگانی . در
سن ۲۵ سالگی با ستوان یکم نتی بدبیعی ازدواج کرد از خود چهار فرزند که همه مؤمن و خدمتگزار
با مر مبارک میباشند بیادگار گذاشت . در ابتدای زندگی زناشوئی عربیشه بساحت قدس مولای عزیز
حضرت ولی محبوب امرالله تقدیم داشت که منشی مبارک حسب الامر ، نظر مبارک را در توقيعی مرقوم
در ذیل آن بخط حضرت ولی محبوب امرالله چنین مرقوم گشته :
قوله العزیز « یار معنوی مطمئن بتائیدات حضرت لاربیبه احديه باشید و تمام قوی بر ترویج امر بها
قیام نمائید جنود تائید معین و ناصر شما است . بنده آستانش شوقي .

۶ - خانم مهین محبوبی شرح زندگانی برادر خود متصاعد الى الله جناب جمشید محبوبی را نوشت و
فرستاده اند ، خلاصه اینکه : جمشید محبوبی در سال ۱۹۲۴ در طهران در یک خانواده بهائی که خانه
شان محل تشکیلات امریبه بود متولد شد و از همان اوان طفولیت با روح امر پرورش یافت . بعد از
اتمام تحصیلات متوسطه ازدواج نمود و صاحب دو فرزند شد و باتفاق خانواده به کانادا مهاجرت نمود و
در ونکور ساکن گردید و بعداً در نقطه مهاجرتی فراند فورگز در C.B ساکن شد .

از خصوصیات اخلاقی ایشان از خود گذشتگی ، فداکاری
و برداری را میتوان نام برد .

در سال ۱۹۹۲ به مرض سرطان مبتلا و شش سال تحمل
رنج و درد نمود و از خدمت باز نایستاد در ژانویه ۱۹۹۸
صعود نمود . و سه روز قبل از صعودش در یک مصاحبه
تلوزیونی اثبات بقای روح نمود و آخرین دقایق حیات
را نیز صرف امر تبلیغ کرد .
پیام معهد اعلی تسلی بخش قلوب بازماندگان شد .



روحش شاد و روانش تابناک باد .



‘ANDALÍB

